



انجیل متی



شجره نامه عیسی مسیح

^۱ شجره نامه عیسی مسیح، پسر داود، پسر ابراهیم:
^۲ ابراهیم پدر اسحاق بود و اسحاق پدر یعقوب و یعقوب پدر یهودا و برادران او بود. ^۳ و یهودا پدر فارص و زارح (از تamar) و فارص پدر حصرون و حصرون پدر آرام ^۴ و آرام پدر عمیناداب و عمیناداب پدر نحشون و نحشون پدر شلمون ^۵ و شلمون پدر بوعز (از راحاب) و بوعز پدر عوبید (از روت) و عوبید پدر یسا ^۶ و یسا پدر داود پادشاه بود.

و داود پدر سلیمان بود از زن اوریا ^۷ و سلیمان پدر رحبعام و رحبعام پدر ابیا و ابیا پدر آسا ^۸ و آسا پدر یهوشافاط و یهوشافاط پدر یورام و یورام پدر عزریا ^۹ و عزریا پدر یوتام و یوتام پدر آحاز و آحاز پدر حزقیا ^{۱۰} و حزقیا پدر منسی و منسی پدر آمون و آمون

بشارت به یوسف

^{۱۸} اینک تولد عیسی مسیح چنین بود. مادرش مریم که در عقد یوسف بود پیش از آنکه زندگی مشترک آغاز کنند از روح القدس باردار شد. ^{۱۹} شوهرش یوسف که مردی عادل بود و نمی خواست او را رسوا

۱: ۱۷-۱۸: ۱: جایگاه عیسی در شجره نامه اسرائیل (لو: ۳: ۲۳-۳۸). ۱: پسر داود، پسر ابراهیم و مسیح، القاب و قهرمانانی هستند که عیسی و انجیل را در درون تاریخ اسرائیل جای می دهند. مسیح از واژه عبری ماشیح به معنای «مسح شده» گرفته شده و در یونانی «کریستوس» است. ۳-۶: شجره نامه عیسی عمدتاً پدرسالاری است، اما حاوی نام چهار زن از کتاب مقدس عبری نیز می باشد: تamar (پید: ۳۸)، راحاب (یوشع: ۲)، روت و بتشع همسر اوریا (۲-سمو ۱۱-۱۲: ۱-پاد: ۱)، و این شکستن سنتی است که فقط از اجداد مذکر نام برده می شد. هر کدام از اینها کارکردی مستقل و در برخی موارد لغزش دهنده در مقاطع حیاتی تاریخ اسرائیل داشتند، اما در هر صورت باعث تداوم نسل داود بودند. ۱۱: تبعید (۲-پاد: ۸-۱۶). ۱۷: چهارده، ارزش عددی کلمه «داود» در زبان عبری است. برخی نام ها حذف شده اند (اخزیا، یواش، امضیا، آیه ۸: ر. ک ۱-توا: ۳: ۱۱-۱۲) تا الگوئی ایجاد شود که احتمالاً برای یادآوری آسانتر به وجود آمده است.

۱۸-۲۵: بارداری مریم و تولد عیسی (لو: ۲۶-۴۰). ۱۸: مریم باکره است، هر چند باردار باشد (لو: ۱: ۳۴). ۱۹: فقط در انجیل متی شخصیت و نقش یوسف ذکر شده و به عنوان پدر عیسی از وی یاد

پدر یوشیا ^{۱۱} و یوشیا پدر یکنیا و برادرانش بود که در دوران تبعید یهودیان به بابل به دنیا آمدند.

^{۱۲} پس از تبعید، یکنیا پدر سالتئیل بود و سالتئیل پدر زروبابل ^{۱۳} و زروبابل پدر ابیهود و ابیهود پدر ایلیاقیم و ایلیاقیم پدر عازور ^{۱۴} و عازور پدر صادق و صادق پدر یاکین و یاکین پدر ایلیهود ^{۱۵} و ایلیهود پدر ایلعازر و ایلعازر پدر متان و متان پدر یعقوب ^{۱۶} و یعقوب پدر یوسف شوهر مریم بود که عیسی ملقب به مسیح از او زاده شد.

^{۱۷} به این ترتیب از ابراهیم تا داود جمعاً چهارده نسل و از داود تا تبعید بابل چهارده نسل و از تبعید بابل تا مسیح چهارده نسل است.

کند تصمیم گرفت وی را مخفیانه طلاق دهد.^{۲۰} چون به آن فکر می کرد اینک فرشته خداوند در خواب بر او ظاهر شد و گفت: «ای یوسف، پسر داود، از گرفتن همسرت مریم مترس زیرا آنچه در او قرار گرفته از روح القدس است،^{۲۱} او پسری خواهد زائید و تو نامش را عیسی خواهی گذاشت زیرا هم او است که قوم را از گناهانش نجات خواهد داد.»^{۲۲} همه اینها فرا رسید تا آنچه خداوند به وسیله پیامبر گفته بود تحقق یابد: «اینک دوشیزه باردار خواهد شد و پسری خواهد آورد و نامش را عمانوئیل خواهند گذاشت» یعنی «خدا با ما».^{۲۴} یوسف چون از خواب بیدار شد همان کرد که فرشته خداوند به او امر کرده بود و همسرش را نزد خود نگاه داشت.^{۲۵} و او را شناخت تا پسری زائید و نامش را عیسی گذاشت.



دیدار مجوسیان

^۱ چون عیسی در روزگار هیروдіس پادشاه در بیت لحم یهودیه زاده شد، اینک مجوسیانی از مشرق به اورشلیم آمدند.^۲ درحالی که می گفتند: «پادشاه

یهودیان که متولد شده کجاست؟ زیرا ستاره او را در شرق دیده ایم و آمده ایم تا او را پرستش کنیم.»^۳ با این سخنان، هیروдіس پادشاه و همه اورشلیم با او پریشان شدند.^۴ و او تمام کاهنان اعظم و کاتبان قوم را گرد آورده از آنان تحقیق کرد که مسیح کجا باید زاده شود.^۵ به او گفتند: «در بیت لحم یهودیه، زیرا پیامبری چنین نوشته است: «و تو ای بیت لحم سرزمین یهودیه مسلماً در بین بزرگان یهودیه، کمترین آنها نیستی، زیرا از تو آن رهبر بیرون خواهد آمد که قوم من اسرائیل را شبانی خواهد کرد.»^۷ آنگاه هیروдіس مخفیانه مجوسیانی را فراخوانده زمان دقیق پدیدار شدن ستاره را از آنان پرسید.^۸ و آنان را به بیت لحم فرستاده گفت: «بروید درباره کودک به دقت تحقیق کنید و چون او را یافتید به من خبر دهید تا من نیز بیایم و او را پرستش کنم.»^۹ ایشان با این سخنان پادشاه رفتند و اینک ستاره ای که در شرق دیده بودند در برابرشان پیش می رفت تا بر فراز جایی که کودک بود ایستاد.^{۱۰} آنان با دیدن ستاره بسیار شادمان شدند.^{۱۱} و به خانه وارد شده کودک را با مادرش مریم دیدند و به روی درافتاده او را سجده کردند و خزائن خود را گشوده به او هدایای طلا، کندر و مر تقدیم کردند.

می شود. وی را مخفیانه طلاق دهد یعنی بدون هیاهو از او جدا شود.^{۲۰} فرشتگان و رؤیاهای مکرراً در متی نقشه خدا را به انسانها انتقال می دهند.^{۲۱} اولین ذکر نام عیسی، شکل یونانی نام عبری یوشع «خداوند نجات می دهد/کمک می کند». این نشان دهنده مأموریت و هدف طفل می باشد.^{۲۲-۲۳}: اش ۷:۱۴، اولین نقل قول به تحقق رسیده در متی که نشان می دهد آنچه واقع می شود نقشه خدا است.
۱:۱۲-۱:۲: ولادت عیسی و هیروдіس کبیر. ۱: روزگار هیروдіس پادشاه، ولادت عیسی را در دوره زمان مشخص و وضعیت مشخص واقعیات سیاسی قرار می دهد. هیروдіس پادشاه یهودیه که تحت الحمایه رومیان بود، از سال ۳۷-۴ قبل از میلاد حکمرانی کرد. آگوستوس اولین امپراتور رومی حامی او بود. مجوسیان (مردان دانا) مأموران رسمی و باسواد دربار پارت، ارمنستان یا نواحی شرقی یهودیه. دولت های بیگانه اغلب مأمورینی فرستاده تا به پادشاه جدید یا حکمرانان تهنیت گفته هدایایی تقدیم کنند. این دیدار درگیری مابین عیسی، پادشاه قوم برگزیده خدا، و هیروдіس، پادشاه اسرائیل منتخب رومیان را به روشنی آشکار می کند. شرح مشابهی از «مجوسیان» در نوشته های نویسندگان رومی دیو ۶۳:۷ و سوتونیوس، زندگی نرون ۱۳، وجود دارد. ۲: ستاره اعد ۱۷:۲۴. ۵-۶: میک ۵:۲. ۱۱: طلا، کندر و مر، اش ۶:۶۰ فلزات گران قیمت، گیاهان خوشبو و روغن هدایائی مناسب برای پادشاه هستند.

راحیل است که بر فرزنداناش می‌گرید و تسلی نمی‌یابد زیرا دیگر نیستند.»

^{۱۲} و چون در خواب خبر یافتند که به سوی هیروдіس برنگردند از راهی دیگر به سرزمین خود بازگشتند.

فرار به مصر

^{۱۳} چون ایشان بازگشتند اینک فرشته خداوند در خواب به یوسف ظاهر شد و گفت: «برخیز! کودک و مادرش را با خود بردار و به مصر فرار کن و در آنجا بمان تا به تو بگویم، زیرا هیروдіس برای کشتن طفل به جستجوی او خواهد پرداخت.» ^{۱۴} او برخاسته، شبانگاه کودک و مادرش را با خود برداشته به مصر رفت. ^{۱۵} و تا مرگ هیروдіس در آنجا بود تا آنچه خداوند به وسیله پیامبری اعلام کرده بود تحقق یابد که «از مصر پسر مرا فراخواندم.»

قتل عام کودکان بیت لحم

^{۱۶} پس هیروдіس چون دید که مجوسیان او را به تمسخر گرفته‌اند، سخت غضبناک شد و دستور داد تا همه کودکان بیت لحم و سراسر قلمرو آن از دو ساله به پائین را طبق زمانی که مجوسیان دقیقاً تعیین کرده بودند بکشند. ^{۱۷} آنگاه آنچه توسط ارمیای نبی اعلام شده بود به تحقق پیوست: ^{۱۸} «صدایی در رامه شنیده شد، گریه و زاری بسیار.

بازگشت از مصر، سکونت در ناصره

^{۱۹} چون هیروдіس مُرد اینک فرشته خداوند در مصر در خواب به یوسف ظاهر شد. ^{۲۰} و گفت: «برخیز! کودک و مادرش را با خود بردار و به سرزمین اسرائیل برو زیرا آنانی که قصد جان کودک را داشتند مرده‌اند.» ^{۲۱} او برخاسته، کودک و مادرش را با خود برداشت و به سرزمین اسرائیل بازگشت. ^{۲۲} ولی چون شنید ارکلائوس به جای پدرش هیروдіس بر یهودیه فرمانروائی می‌کند ترسید به آنجا برود و در خواب خبردار شده به ناحیه جلیل رفت. ^{۲۳} و رفته در شهری به نام ناصره ساکن شد تا آنچه توسط پیامبران اعلام شده بود تحقق یابد که او ناصری خوانده خواهد شد.



یحیی تعمید دهنده

^۱ باری در آن روزها یحیی تعمید دهنده ظهور نمود که در صحرای یهودیه موعظه کرده می‌گفت: ^۲ «توبه کنید زیرا فرمانروائی آسمان خیلی نزدیک است!»

۲: ۱۳-۲۳: فرار به مصر و بازگشت. ۱۵: از مصر... نقل قول از هوزا ۱: ۱۱، متی به صراحت عیسی را با موسی مقایسه می‌کند. ۱۶: اعمال هیروдіس یادآور فرمان پادشاه مصر در خروج ۱: ۱۶ می‌باشد. ۱۸: ار ۱۵: ۳۱، راحیل همسر یعقوب در نزدیکی بیت لحم دفن شده است (پید ۳۵: ۱۶-۲۰)، در نقل قول، او به جای تمام مادران اسرائیل قرار دارد. ۱۹: هیروдіس در سال ۴ قبل از میلاد درگذشت. ۲۰: ر. ک خروج ۴: ۱۹. ۲۲: پس از مرگ هیروдіس پادشاهی او به چهار قسمت تقسیم شد. ارکلائوس یکی از پسرانش که تقریباً به اندازه پدرش خشن بود از سال ۴ قبل از میلاد تا ۶ میلادی بر ناحیه یهودیه در جنوب حکمرانی می‌کرد. جلیل در شمال تحت حکمرانی هروдіس آنتیپاس بود. ۲۳: این نقل قول منبع شناخته شده‌ای ندارد. **۳: ۱-۶: آماده سازی راه (مر ۱: ۲-۶؛ لو ۳: ۱-۶؛ یو ۱: ۹-۲۳).** بر نقش یحیی به عنوان پیشگام عیسی تأکید شده و پیام او به عنوان پیام توبه و آماده سازی توصیف می‌شود. یوسفوس توصیف کاملی از یحیی می‌دهد. ۲: فرمانروائی آسمان. متی معمولاً برای تفهیم معنی «ملکوت خدا» این عبارت را به کار می‌برد، و بدین ترتیب به گویندگان و نویسندگان اجازه می‌داد تا از استعمال واژه «خدا» پرهیز نمایند.

^{۱۰} هم اکنون تیشه بر ریشه درختان نهاده شده است. پس هر درختی که میوه نیکو نیاورد بریده شده در آتش افکنده می شود.

تعمید آب و تعمید آتش

^{۱۱} من برای توبه شما را به آب تعمید می دهم ولی آنکه پس از من می آید از من توانا تر است و من شایسته آن نیستم صندل های او را بردارم؛ او شما را به روح القدس و آتش تعمید خواهد داد. ^{۱۲} او چهارشاخ در دست دارد و خرمنگاه خود را پاک کرده گندم را در انبار جمع خواهد کرد اما کاه را در آتشی خاموش نشدنی خواهد سوزانید.»

تعمید عیسی

^{۱۳} آنگاه عیسی از جلیل به اردن نزد یحیی آمد تا به دست او تعمید یابد. ^{۱۴} یحیی می خواست وی را مانع شود و می گفت: «منم که نیاز دارم به دست تو تعمید یابم و تو نزد من می آیی!» ^{۱۵} عیسی در پاسخ به او

^۳ در واقع او همان کسی است که اشعیای پیامبر در مورد او می گوید: «صدای آن کس که در صحرا ندا می دهد: راه خداوند را آماده سازید، کوره راههای او را راست گردانید.» ^۴ همین یحیی لباسی از پشم شتر و لنگی چرمین بر کمر داشت و خوراکش ملخ و عسل وحشی بود. ^۵ آنگاه اورشلیم و همچنین سراسر یهودیه و تمام نواحی اردن نزد او بیرون آمده ^۶ و با اعتراف به گناهان خود در رود اردن از او تعمید می یافتند.

دعوت یحیی به توبه

^۷ چون بسیاری از فریسیان و صدوقیان را دید که برای تعمید می آمدند به آنان می گفت: «ای افعی زادگان چه کسی گریز از خشم آینده را به شما نشان داده است؟ ^۸ پس میوه ای شایسته توبه بیاورید، ^۹ و در دل خود بیهوده مگویید: ابراهیم پدر ما است، زیرا به شما می گویم که خدا قادر است از همین سنگها فرزندان برای ابراهیم برخیزاند.

۳:۴۰. ۳:۴۰. ۴:۳. پشم شتر ... عسل، سبک زاهدانه یحیی برای پیروی از سنت انبیا است (۲. پاد ۸: زک ۱۳:۴). خوردن ملخ طبق شریعت مجاز بود (لاو ۱۱:۲۰-۲۳).

۷:۳-۱۰: میوه توبه (لو ۷:۹-۹). فریسیان و صدوقیان، دو گروه اصلی در یهودیت آن زمان. آنها در تفسیر تورات با یکدیگر تفاوت داشتند. صدوقیان عقیده ای راسخ بر برتری تورات، پنج کتاب اول کتاب مقدس عبری داشتند، آنها بدین دلیل تعالیم او را نپذیرفتند که شامل رستاخیز نیز بود که بر اساس «قانون شفاهی» یا سنت بود که فریسیان آن را قبول نداشتند. رفتار یحیی در برابر آنها مشابه رفتار اسنیاں گروه یهودی بود (یوسفوس، جنگها ۲: ۱۱۹-۶۶). دعوت به توبه بازتاب باور به داوری قریب الوقوع و اوج تاریخ است. ۸: میوه آوردن یکی از اهداف زندگی بر حسب تعالیم عیسی می باشد (۷: ۱۶-۲۰: ۲۳، ۳۰).

۱۱:۳-۱۲: آب و آتش (مر ۷: ۸-۸: ۳؛ لو ۱۵-۱۸: ۱۸؛ ر. ک یو ۱: ۲۴-۲۸). تعمید ... توبه، در مرقس تعمید شامل بخشش نیز هست (مر ۴: ۴). طبق نوشته یوسفوس، یحیی کسانی را تعمید می داد که روح و روان خود را پاک کرده بودند (جنگها ۱۷: ۱۸). آتش، عنصری برای طهارت است و نه نابودی. ۱۲: چهارشاخ برای پاک کردن گندم بکار برده می شد تا دانه های گندم را به هوا پرتاب کنند و کاه را از دانه ها جدا سازند. آتش، در این جا برای نابودی (شریران) است (۱ خنوخ ۹: ۴۸).

۱۳:۳-۱۷: تعمید عیسی. (مر ۹: ۱-۱۱: ۳؛ لو ۲۱-۲۲: ۲۲؛ ر. ک یو ۱: ۳۱-۳۴). ۱۳-۱۴: تأکید بر برتری عیسی شاید بازتاب جروبختی زود هنگام ما بین پیروان تعمید دهنده و عیسی باشد (ر. ک ۱: ۱۱-۲: ۱۱؛ اع ۱: ۵-۱۹). رود اردن در شرق و جنوب ناصره قرار دارد. ۱۵: عدالت، عقیده ای قاطع برای متی، چیزی که

گفت: «فعلاً بگذار [چنین کنیم] زیرا بدین گونه مناسب است تمام عدالت را به تحقق برسانیم.» پس او را وا گذاشت.^{۱۶} چون عیسی تعمید یافت همان دم از آب درآمد و اینک آسمان گشوده شد و روح خدا را دید که چون کبوتری نازل شده بر او آمد.^{۱۷} و اینک صدایی از آسمان آمده می گفت: «این است پسر من و آن محبوب که از او خوشنودم.»



وسوسه شدن عیسی

آنگاه عیسی توسط روح [القدس] به صحرا برده شد تا به وسیله ابلیس وسوسه شود.^۲ و پس از چهل شبانه روز روزه گرفتن، سرانجام گرسنه شد.^۳ و وسوسه کننده نزد وی آمده به او گفت: «اگر تو پسر خدا هستی بگو تا این سنگها نان شوند.»^۴ در پاسخ گفت: «نوشته شده است: آدمی فقط به نان زندگی نخواهد کرد بلکه به هر کلامی که از دهان خدا برمی آید.»^۵ آنگاه ابلیس او را با خود به شهر مقدس برد و او را بر کنگره معبد قرار داده^۶ و به او گفت: «اگر تو پسر خدا هستی خود را به زیر افکن، زیرا نوشته شده است: به خاطر تو به فرشتگانش

فرمان خواهد داد و آنها تو را بر دستهایشان خواهند گرفت مبادا پایت به سنگی بخورد.»^۷ عیسی به او فرمود: «باز هم نوشته شده است: خداوند خدای خود را تجربه مکن.»^۸ باز ابلیس او را به کوهی بسیار بلند بالا برد و تمام ممالک جهان و شکوه آنها را به او نشان داده به او گفت: «اگر در برابر من افتاده سجده کنی همه اینها را به تو خواهم داد.»^۹ آنگاه عیسی به او گفت: «برو! ای شیطان! زیرا نوشته شده است: خداوند خدای خود را سجده نما و فقط او را عبادت کن.»^{۱۱} آنگاه ابلیس او را ترک نمود و اینک فرشتگان پیش آمده او را خدمت می کردند.

بازگشت عیسی به جلیل

^{۱۲} چون عیسی شنید که یحیی را گرفته اند به جلیل بازگشت.^{۱۳} و ناصره را ترک کرده آمد در کفرناحوم که در کنار دریا در نواحی زبولون و نفتالیم واقع است ساکن شد.^{۱۴} تا آنچه به وسیله اشعای پیامبر اعلام شده بود به تحقق رسد:^{۱۵} سرزمین زبولون و نفتالیم، راه دریا، ماوراء اردن، جلیل امتهای،

عیسی و پیروان او می بایستی نشان دهند (۲۰:۵). ۱۶: کبوتر نمادی از خلقت جدید پس از طوفان بزرگ (پید۹:۸-۱۲، زیرا سیل پایان عصر بود، مت ۲۴:۳۸؛ ۱ پط ۳:۲۰-۲۱). ۱۷: ترکیبی از مز ۷:۲ و اش ۴۲:۱. هم چنین ر. ک پید ۲۲:۲. صدا اعلام عمومی می کند، ر. ک مر ۱:۱۱. ۱۱-۱:۴: عیسی و ابلیس (مر ۱۲-۱۳؛ لو ۴:۱-۱۳). ۱: تا وسوسه شود، خدا ایمان عادلان را امتحان می کند (پید ۲۲:۱؛ تث ۱۳:۳؛ مز ۸۱:۷). ۲: چهل، عددی که طبق سنت مرسوم برای دوره ای طولانی و همچنین مسافرت اسرائیل در بیابان بکار می رود (خروج ۲۸:۳۴؛ ر. ک خروج ۱۸:۲۴؛ ۱-پاد ۱۹:۸). ۳: این اولین باری است که عیسی به عنوان پسر خدا نام برده می شود، لقبی که امپراتور آگوستوس به آن معروف بود (ر. ک چالشی که عیسی بر صلیب با آن روبرو شد، مت ۲۷:۴۰-۴۳). ۴: تث ۸:۳. ۵: شهر مقدس یعنی اورشلیم. ۶: مز ۹۱:۱۱-۱۲؛ ۷: تث ۶:۱۶. ۱۰: تث ۶:۱۳.

۱۲-۲۵: ابتدای خدمت عیسی. ۱۲-۱۷: مر ۱۴-۱۵؛ لو ۴:۱۵-۱۲. دستگیری یحیی، انگیزه ای جهت آغاز خدمت عمومی عیسی می گردد. ۱۳: تنها متی به زندگی عیسی و شاگردانش در کفرناحوم واقع در ساحل شمال غربی دریای جلیل اشاره می کند. ۱۵-۱۶: اش ۹:۱-۲. جلیل امتهای، هم در اش ۹ و هم در ۱-

^{۱۶} قومی که در تاریکی نشسته بود،

نوری بزرگ دید

و برای کسانی که در سرزمین تاریک مرگ نشسته بودند،

نوری طلوع کرده است.

^{۱۷} از آن پس شروع به موعظه نمود و می گفت: «توبه کنید! زیرا فرمانروائی آسمان نزدیک است.»

فراخواندن نخستین شاگردان

^{۱۸} چون بر کناره دریای جلیل راه می رفت، دو برادر، شمعون مشهور به پطرس و بردارش آندریاس را دید که تور به دریا می افکنند زیرا ایشان صیاد بودند. ^{۱۹} و به آنان گفت: «به دنبال من بیایید و من شما را صیاد انسانها خواهم کرد.» ^{۲۰} همان دم ایشان تورها را رها کرده به دنبال او رفتند. ^{۲۱} و چند قدم دورتر، دو برادر دیگر، یعقوب پسر زبدی و برادرش یوحنا را با پدرشان در قایق دید که در حال مرتب کردن تورهای خود بودند و آنان را فراخواند. ^{۲۲} همان دم ایشان قایق و پدرشان را ترک کرده به دنبال او رفتند.

عیسی و جمعیت ها

^{۲۳} و در سراسر جلیل می گشت در حالی که در کنیسه هایشان آموزش داده، مژده فرمانروائی را ندا می داد و هر بیماری و ناتوانی را در قوم شفا می بخشید. ^{۲۴} و شهرتش در سراسر سوریه پیچید و همه مریضانی که بیماری ها و دردهای گوناگون داشتند، دیوانگان، ماه زدگان و مفلوجان را نزد وی می آوردند و آنان را شفا می داد. ^{۲۵} و جمعیت های زیادی که از جلیل و از دیکاپولیس و از اورشلیم و از یهودیه و از ماوراء اردن آمده بودند به دنبال او رفتند.



موعظه روی کوه

^۱ عیسی با دیدن انبوه مردم به کوه بالا رفت و چون نشست شاگردانش نزد او آمدند. ^۲ و دهان خود را گشوده به آنان آموزش داده می گفت:

خوشا به حال ها

^۳ «خوشا به حال بینوایان در روح، زیرا ملکوت آسمانها از آن ایشان است.

مک ۵:۱۵، جلیل به عنوان سرزمینی خارج از قلمرو اسرائیلیان ذکر شده است. منظور متی نه ترکیب قومی بلکه موقعیت جغرافیائی آن است. ۱۷: ر. ک ۲:۳. موعظه یحیی و تعلیم عیسی شباهت زیادی به هم دارند. ۱۸-۲۲: مر ۱۶:۱-۲۰؛ لو ۱:۵-۱۱.

۲۳-۲۵: (مر ۱:۳۹؛ لو ۴:۴۴؛ ۶:۱۷-۱۸). کنیسه ها یا مکانهای گردهمائی عمومی غالباً ساختمانهای ساده ای بودند که داد و ستد، امور سیاسی و خطابه های مذهبی شهر در آنها صورت می گرفت. ۲۴-۲۵: سوریه، استانی در شمال غربی جلیل. دیکاپولیس ائتلاف ده شهر هلنیستی (دارای زبان و فرهنگ یونانی) بود که بجز اسکایتوپولیس (بیت شان) همگی در شرق رود اردن، درست در جنوب جلیل قرار داشتند. ذکر دیکاپولیس نشان می دهد که عیسی در میان غیریهودیان شهرت می یافت.

۵: ۱-۷: ۲۷: موعظه روی کوه. اولین خطابه از پنج خطابه عیسی در انجیل متی (بابهای ۵-۷، ۱۰، ۱۳، ۱۸، ۲۳-۲۵). روایت بسیاری خلاصه تری از این موعظه در لو ۶: ۱۷-۳۸ وجود دارد. ۵: ۱-۱۲: خوشا به حال ها. ۱-۲: عیسی همانند موسی (خروج ۳: ۱۹) به کوهی بالا می رود تا سخنان خود را به گوش مردم برساند. ۳-۱۱: خوشا به حال، یعنی مبارک باد یا خوشنود باد (مز ۱: ۱). عیسی در این ۹ عبارت «خوشا به

نمی‌آید جز اینکه دور افکنده و پایمال مردم گردد.
 ۱۴ شما نور جهان هستید. شهری که بر فراز کوهی قرار دارد نتوان پنهان کرد. ۱۵ هم چنین چراغ را نمی‌افروزند تا آن را زیر پیمانه گذارند بلکه بر چراغدان، تا برای تمام کسانی که در خانه هستند بدرخشد. ۱۶ به همین گونه نور شما بر انسانها بدرخشد تا کارهای نیک شما را دیده شکوه پدر شما را که در آسمانها است بستانند.

عیسی و شریعت

۱۷ «خیال نکنید که من آمده‌ام تا تورات و [کتابهای] پیامبران را باطل کنم. نیامده‌ام تا باطل کنم بلکه تا تحقق بخشم. ۱۸ زیرا آمین به شما می‌گویم پیش از آن که زمین و آسمان درگذرد، همه یا حتی نقطه‌ای از تورات از بین نخواهد رفت تا همه انجام شود. ۱۹ پس هر که تنها یکی از کوچکترین این احکام را بشکند و به مردمان چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمانها کوچکترین شمرده خواهد شد ولی کسی که عمل کرده و تعلیم دهد در ملکوت آسمانها بزرگ نامیده خواهد شد. ۲۰ زیرا به شما می‌گویم اگر

۴ خوشا به حال ماتمیان، زیرا تسلی خواهند یافت.
 ۵ خوشا به حال نرم‌خویان، زیرا وارث زمین خواهند شد.
 ۶ خوشا به حال گرسنگان و تشنگان برای عدالت، زیرا سیر خواهند شد.
 ۷ خوشا به حال رحم‌کنندگان، زیرا بر آنان رحم خواهد شد.
 ۸ خوشا به حال پاک‌دلان، زیرا خدا را خواهند دید.
 ۹ خوشا به حال آرامش‌دهندگان، زیرا پسران خدا نامیده خواهند شد.
 ۱۰ خوشا به حال رنج‌دیدگان به خاطر عدالت، زیرا ملکوت آسمانها از آن ایشان است.
 ۱۱ خوشحال باشید هنگامی که به خاطر من شما را ناسزا گویند، شکنجه دهند و به دروغ هر سخن بدی گویند. ۱۲ خوش باشید و شادی کنید زیرا اجر شما در آسمان بزرگ است، چون پیامبران پیش از شما را همین گونه اذیت و آزار داده‌اند.

ملک و نور

۱۳ شما نمک جهان هستید اما اگر نمک بی مزه شود با چه چیزی نمکین خواهد شد؟ دیگر به کاری

حال» ویژگی‌های ایده‌آل اعضای جامعه ایمانداران متی را توصیف می‌کند و وعده آرامش خدا در آینده را اعلام می‌نماید (اش ۲: ۶۱). ۵: مز ۳۷: ۱۱. نرم‌خو به معنی «مطیع» یا «بی‌منطق» نیست، بلکه کسی که از وضعیت خاص خود در ملکوت آگاهی دارد، نه سرمست غرور. ۶، ۱۰: عدالت یا انصاف برای شاگردان عیسی حیاتی است (مز ۷۲: ۱-۲؛ خنوخ ۹۶: ۵). ۸: پاک‌دل یعنی صاف و صادق، عاری از انگیزه‌های متعدد؛ مز ۲۴: ۴؛ ۵۱: ۱۰. ۱۱: گفتاری که احتمالاً بازتاب موقعیت سختی است که جامعه ایمانداران پیرامون متی در آن بسر می‌بردند (۱۰: ۱۸، ۳۹؛ ۱۶: ۲۵). ۱۲: جفا کردن بر پیامبران، ر. ک ۱- پاد ۱۹: ۱۰؛ نج ۹: ۲۶. ۵: ۱۳-۱۶: شاگردان در دنیا (مر ۹: ۵۰؛ ۴: ۲۱؛ لو ۱۴: ۳۴-۳۵؛ ۸: ۱۶؛ ۱۱: ۳۳). ۱۳: نمک، ماده نگهدارنده و نیز طعم‌دهنده. ۱۵: چراغ، اصطلاحی در کتاب مقدس عبری برای داود و نسل او (۱- پاد ۱۱: ۳۶؛ مز ۱۳۲: ۱۷). اعضای جامعه ایمانداران نقشه خدا برای اسرائیل را به کمال می‌رسانند (اش ۶: ۴۲؛ ۶: ۴۹).

۵: ۱۷-۴۸: عیسی و شریعت. این بخش، درک جامعه از تورات یا شریعت را مورد بحث قرار می‌دهد. ۱۷-۱۹: در انجیل متی، عیسی و پیروانش شریعت را از طریق تعلیم عیسی به تحقق می‌رسانند، هر چند متهم به نادیده گرفتن شریعت می‌شدند (۲: ۱۲). پیامبران، بخش دوم کتاب مقدس عبری که شامل کتابهای یوشع، داوود، سموئیل، پادشاهان و همچنین کتب نبوتی است. ۲۰: کاتبان، مفسران شرعی و قانونی شریعت.

آن را برکن و از خود دور انداز زیرا به سود تو است که یکی از اعضایت از بین برود تا اینکه تمام بدنت به جهنم افکنده شود.^{۳۰} و اگر دست راست تو را به لغزش وامی دارد آن را قطع کن و از خود دور انداز، زیرا به سود تو است که یکی از اعضایت از بین برود تا اینکه تمام بدنت به جهنم برود.

طلاق

^{۳۱}گفته شده است: «هر کس زنش را طلاق می دهد به او طلاق نامه ای بدهد.»^{۳۲} و من به شما می گویم: هر کس زنش را، غیر از دلیل روسپیگری طلاق دهد او را وادار به زنا می کند و کسی که با مطلقه ازدواج کند مرتکب زنا می شود.

سوگند

^{۳۳} باز شنیده اید که به پیشینیان گفته شده است: «سوگند دروغ مخور بلکه در برابر خداوند به سوگندهایت وفا کن.»^{۳۴} و من به شما می گویم: هرگز قسم مخورید، نه به آسمان زیرا که تخت خدا است؛^{۳۵} نه به زمین زیرا که پله زیر پای او است، نه به اورشلیم زیرا که شهر پادشاه بزرگ است.^{۳۶} به سرت هم قسم مخور زیرا قدرت نداری حتی یک مو را سفید یا سیاه کنی.^{۳۷} سخن شما آری و خیر خیر باشد؛ بیش از این از شریر می آید.

عدالت شما بر [عدالت] کاتبان و فریسیان فزونی نگیرد به ملکوت آسمانها وارد نخواهید شد.

خشم و آشتی

^{۲۱} شنیده اید که به پیشینیان گفته شده است: قتل مکن؛ هر که قتل کند سزاوار محکومیت است.^{۲۲} و من به شما می گویم: هر که بر برادرش خشم گیرد سزاوار محکومیت باشد. کسی که به برادرش بگوید: راقا، مستوجب داوری شورا است. آن کس که بگوید: ایله! مستوجب جهنم آتشین باشد.^{۲۳} پس اگر قربانی خود را به قربانگاه تقدیم می کنی و در آنجا به یاد می آوری که برادرت چیزی علیه تو دارد،^{۲۴} قربانی خود را آنجا بر قربانگاه بگذار و اول برو و با برادرت آشتی کن و آنگاه بیا و قربانی خود را تقدیم کن!^{۲۵} با مدعی خود در مدتی که با او در راه هستی آشتی کن مبادا مدعی تو را به قاضی و قاضی به زندانبان تسلیم کند و به زندان افکنده شوی.^{۲۶} آمین به تو می گویم که از آنجا خارج خواهی شد تا اینکه آخرین پیشیز را پردازی.

زنا و لغزش

^{۲۷} «شنیده اید که گفته شده است: «زنا مکن».^{۲۸} و من به شما می گویم: هر که با نظر شهوت به زنی نگاه کند همانا در قلب خود با او زنا کرده باشد.^{۲۹} اگر چشم راست تو را به لغزش وامی دارد

۵: ۲۱-۲۶: نفرت و آشتی (مر ۱۱: ۲۵؛ لو ۱۲: ۵۷-۵۹). عیسی به ده فرمان و دیگر جوانب شریعت موسی می پردازد. تعلیم او هدف خدا در اعطای شریعت را آشکار می سازد (۱۹: ۳-۹). ۲۱: خروج ۲۰: ۱۳؛ تث ۱۷: ۵. داوری یا محکومیت، توسط دادگاه محلی. ۲۲: شورا یعنی شورای سانهدرین. ۵: ۲۷-۳۰: زنا و لغزش (مر ۹: ۴۲، ۴۷-۴۸؛ ر. ک مت ۱۸: ۸-۹). خروج ۲۰: ۱۴؛ تث ۵: ۱۸. ۳۰: ۱۸: ۸-۹؛ مر ۹: ۴۳-۴۸.

۵: ۳۱-۳۲: طلاق (مر ۱۰: ۴-۵، ۱۰-۱۲؛ لو ۱۶: ۱۸). تث ۱: ۲۴-۴. ۳۲: غیر از... روسپیگری، این استثنا در مر ۱۰: ۱۱-۱۲ و لو ۱۸: ۱۶ دیده نمی شود، اما ر. ک مت ۱۹: ۹. ۵: ۳۳-۳۷: سوگند لا و لا ۱۲: ۱۹؛ اعد ۲: ۳۰؛ تث ۲۳: ۲۱. ۳۵: اش ۶۶: ۱؛ مز ۴۸: ۲.

قصاص

به کسانی محبت کنید که شما را محبت می کنند چه اجری خواهید داشت؟ آیا باجگیران نیز همین را نمی کنند؟^{۴۷} و اگر جز به برادران خود سلام نکنید چه [کار] زیادتری می کنید؟ آیا ملت ها نیز همین را نمی کنند؟^{۴۸} پس شما کامل باشید چنان که پدر آسمانی شما کامل است.



صدقه

^۱ برحذر باشید که عدالت خود را پیش چشم انسانها بجا نیاورید تا شما را ببینند و اگر نه مسلماً نزد پدرتان که در آسمان است اجری نخواهید داشت.
^۲ پس هنگامی که صدقه می دهی آن را پیش خود کرنا مزن چنان که ریاکاران در کنیسه ها و کوچه ها می کنند تا مردمان آنها را تحسین نمایند. آمین به شما می گویم که ایشان اجر خود را دریافت کرده اند.
^۳ اما تو چون صدقه می دهی دست چپ تو نداند دست راست چه می کند:^۴ تا صدقه تو پنهان بماند و پدر نهان بین تو پاداش آن را به تو خواهد داد.

^{۳۸} شنیده اید که گفته شده است: «چشم به عوض چشم و دندان به عوض دندان.»^{۳۹} و من به شما می گویم: در برابر شریر مقاومت نکنید بلکه اگر کسی برگونه راست تو سیلی زند دیگری را نیز به سوی او برگردان.^{۴۰} و به کسی که می خواهد تو را به دادگاه بکشد و جامه تو را بگیرد ردا را نیز به او واگذار.^{۴۱} و کسی که تو را به یک فرسنگ وادار کند دو برابر با او برو.^{۴۲} به کسی که از تو درخواست می کند بده و از هر کسی که از تو وام می خواهد روی مگردان.

محبت به دشمن

^{۴۳} شنیده اید که گفته شده است: «به همسایه خود محبت کن و از دشمنت متنفر باش.»^{۴۴} و من به شما می گویم: دشمنان خود را محبت نمائید و برای کسانی که بر شما جفا می کنند دعا کنید،^{۴۵} تا پسران پدر خود که در آسمانها است شوید زیرا او آفتاب خود را بر شریران و نیکان طالع می سازد و باران را بر عادلان و ناعادلان می باراند.^{۴۶} زیرا اگر

۳۸-۴۲: قصاص (لو: ۲۹-۳۰). این آیات، هسته مرکزی تعلیم ضد خشونت عیسی را شکل می دهد. ۳۸: خروج ۲۱: ۲۳-۲۴؛ لاو: ۱۹: ۲۰-۲۱؛ تث: ۱۹: ۲۱. ۴۰: بخشیدن ردا یا لباس روئی باعث عریانی شخص می شد. شریعت، گرفتن ردای مرد فقیر در طی شب را منع می کند (خروج ۲۲: ۲۶-۲۷؛ تث: ۲۴: ۱۲-۱۳). ۴۱: سربازان می توانستند مردمان عادی را مجبور نمایند که بارهایشان را حمل کنند (۲۷: ۳۲): رفتن فرسنگ دوم، شاید فرد دیگری را از این کار اجباری نجات دهد.
۴۳-۴۸: محبت و کاملیت (لو: ۲۷-۲۸، ۳۲-۳۶). ۴۳: به همسایه خود محبت کن، نقل قول از لاو: ۱۹: ۱۸ است اما از دشمنت متنفر باش در اینجا حکم نشده است. ۴۸: کامل (ر. ک ۱۹: ۲۱) یا رحیم (لو: ۳۶) بیانگر فرمان به اطاعت کامل (تث: ۱۸: ۱۳) و تقدس (لاو: ۱۹: ۲) است.
۴-۱۶: درباره صدقه. ۱: عدالت اصطلاحی است که می توان «ترجم» یا «انصاف» نیز ترجمه کرد. ۲: صدقه یا هدایای خیریه جزو اولین واجبات مذهبی یهودیان بشمار می رفت (طو: ۷). ریاکار، در اصل در اشاره به هنرپیشه ها بکار می رفت (ارسطو، بوتیقا ۱۴۵۶ الف). اخلاق گرایان این واژه را برای کسانی بکار می بردند که اعمالشان با گفتارشان همخوانی ندارد (بنسی: ۱: ۲۹). ۳-۴: اعمال عدالت مانند دعا، بین خدا و فاعل آنها هستند نه برای تحسین عمومی، برخلاف بشردوستی رومیان که منجر به نمایش عمومی اعمال نیکو می شد.

دعا

^۵ و چون دعا می‌کنید همچون ریاکاران نباشید که دوست دارند ایستاده در کنیسه‌ها و در گوشه میدانها دعا کنند تا خود را به انسانها بنمایانند. آمین به شما می‌گویم که ایشان اجر خود را دریافت کرده‌اند. ^۶ اما تو چون دعا می‌کنی به خلوتگاه خود برو، در را ببند و نزد پدر خود که در نهان [حاضر] است دعا کن و پدر نهان بین تو پاداش آن را به تو خواهد داد. ^۷ چون دعا می‌کنید تکرار بیهوده نکنید، مانند ملتها که می‌پندارند به زور سخنان بسیار مستجاب خواهند شد. ^۸ پس چون آنان نباشید زیرا پدر شما پیش از آن که از او بخواهید می‌داند به چه چیزی احتیاج دارید.

نیایش «ای پدر ما»

^۹ پس شما چنین نیایش کنید:
ای پدر ما که در آسمانی،
تقدیس شود نام تو!
^{۱۰} فرارسد فرمانروائی تو!
اراده تو چنان که در آسمان
بر زمین نیز انجام شود!
^{۱۱} نان روزانه ما را امروز به ما بده!

۱۲ و دیون ما را ببخش

چنانکه ما نیز مدیونان خود را بخشیده ایم.

۱۳ و ما را در وسوسه میاور

بلکه از شریر ما را رهایی ده!

^{۱۴} زیرا اگر شما خطاهای انسانها را به ایشان ببخشید، پدر آسمانی شما نیز به شما خواهد بخشید. ^{۱۵} ولی اگر انسانها را نبخشید پدر شما نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید.

روزه

^{۱۶} چون روزه می‌گیرید ترشو مباحشید مانند ریاکارانی که چهره خود را تغییر می‌دهند تا در نظر انسانها روزه دار نمایند. آمین به شما می‌گویم که آنان اجر خود را دریافت کرده‌اند. ^{۱۷} اما تو چون روزه می‌گیری سرت را معطر کن و صورتت را بشوی؛ ^{۱۸} تا خود را برای انسانها روزه دار نمائی بلکه برای پدرت که در نهان [حاضر] است و پدر نهان بین تو پاداش آن را به تو باز خواهد داد.

گنج آسمانی

^{۱۹} بر روی زمین گنج‌ها نیندوید که موریانه و کرم از بین می‌برند و دزدان سوراخ کرده

۶:۹-۱۵: دعای خداوند (لو ۱۱: ۲-۴). روایت متی از این دعا مشهورتر از بقیه است. ۹: پدر، اش ۱۶:۶۳؛ ۸:۶۴. ۱۰: دعا برای آمدن ملکوت خدا یعنی دعا برای فرمانروائی خدا نه رهبران بیگانه یا دروغین. بر زمین چنانکه در آسمان است سه دعای اول را در برمی‌گیرد و بیانگر اشتیاق جامعه ایمانداران برای اولویت خدا در اعمال و روابط آنها است. ۱۱: نان روزانه یعنی نیازهای اولیه و اساسی؛ در مورد نان فردا، شاید اشاره به ضیافت مربوط به زمان آخر باشد. ۱۲: دیون استعاره‌ای برای گناهان است (ر. ک ۱۸: ۲۳-۳۵). ۱۳: جامعه ایمانداران در زمان جفا و مخالفت بسر می‌برند. ۱۴-۱۵: عمل متقابل نقشی مهم در ساختار ملکوت خدا دارد.

۶: ۱۸-۱۶: روزه. عیسی به سومین نمونه از اعمال دینداری برمی‌گردد. روزه که اغلب با جشن‌ها و روزهای مقدس مربوط به دوران معبد دوم ذکر شده، به عنوان نشانه‌ای از پرهیزکاری فردی در نظر گرفته می‌شد (مر ۲: ۱۸-۲۰؛ لو ۱۲: ۱۲).

۶: ۱۹-۲۱: گنج واقعی (لو ۱۲: ۳۳-۳۴). آیات ۱۹-۳۴ حاوی تعلیمی کلی در باب دارائی و اموال هستند.

می دزدند.^{۲۰} در آسمان گنج ها بیندوزید که در آن نه موریا نه و نه کرم از بین می برند و نه دزدان دیوارها را سوراخ کرده و نه می دزدند.^{۲۱} زیرا جایی که گنج توست دل تو نیز آنجا خواهد بود.

چراغ بدن

^{۲۲} چشم، چراغ بدن است. پس اگر چشم تو سالم است جسم تو درخشان خواهد بود.^{۲۳} ولی اگر چشم تو بد است تمام بدن تو تاریک خواهد بود. پس اگر نوری که در توست تاریکی باشد، چه تاریکی بزرگی است!

یا خدا یا پول

^{۲۴} هیچ کس نمی تواند دو ارباب را خدمت کند. درواقع یا از یکی نفرت داشته دیگری را محبت خواهد نمود یا به یکی توجه داشته دیگری را خوار خواهد شمرد. شما نمی توانید خدا و ممونا را خدمت کنید.

نگرانی ها

^{۲۵} به این سبب به شما می گویم برای جان خود نگران نباشید که چه خواهید خورد و نه برای بدن خود که با چه آن را خواهید پوشانید. آیا جان برتر از خوراک و بدن برتر از پوشاک نیست؟^{۲۶} به پرندگان آسمان بنگرید، نه بذر می افشانند، نه درو می کنند و نه در انبارها جمع می کنند و پدر آسمانی

شما به آنها روزی می رساند. آیا شما خیلی بیشتر از آنها ارزش ندارید؟^{۲۷} کدام یک از شما به زور نگرانی ها می تواند یک ذراع به قامت خود بیفزاید؟^{۲۸} و برای پوشاک چرا نگرانید؟ به سوسن های کشتزارها نگاه کنید. چگونه رشد می کنند: نه به خود زحمت می دهند و نه می بافند.^{۲۹} باری به شما می گویم که حتی سلیمان با تمام شکوهش مانند یکی از آنها پوشیده نشد.^{۳۰} اگر علف کشتزارها که امروز هست و فردا به تنور افکنده خواهد شد، خدا به این گونه آن را می پوشاند، آیا برای شما، ای کم ایمانان خیلی بیشتر نخواهد کرد؟^{۳۱} پس نگران نباشید و نگوئید چه بخوریم؟ یا چه بنوشیم؟ یا چه بپوشیم؟^{۳۲} در واقع همه اینها را ملتها جستجو می کنند- زیرا پدر آسمانی شما می داند که به همه اینها احتیاج دارید.^{۳۳} اول در جستجوی ملکوت و عدالت آن باشید و همه اینها برای شما افزوده خواهد شد.^{۳۴} پس نگران فردا نباشید زیرا فردا نگرانی خود را دارد، بدی هر روز برای آن روز کافی است.



کاه و تیر چوبی

^۱ داوری نکنید تا داوری نشوید.^۲ زیرا با همان داوری که داوری می کنید داوری خواهید شد و با همان پیمانانه ای که می پیمائید برای شما پیموده

۲۱: دل یعنی مرکز اراده. ۲۲-۲۴: (لو ۱۱: ۳۴-۳۶: ۱۳). تمرکز بیش از حد بر اموال می تواند داوری را منحرف سازد. ۲۵-۳۲: (لو ۱۲: ۲۲-۳۱). هشداری در خصوص انحراف توجه از تقدم فرمانروائی خدا به سوی نیازهای اساسی. ۲۹: سلیمان، ر. ک ۱ پاد ۱۰. ۳۳-۳۴: شرح خلاصه متی از چگونگی ایجاد تعادل بین نیازهای انسانی و اولویتهای خدمت به خدا، نشان دهنده ایمان و اعتماد شاگرد به خدا است (۶: ۱۱). ۷-۱: ۶: نحوه داوری در جامعه ایمانداران (لو ۳۷-۴۲). ۱-۲: پرهیز از داوری در میان اعضای جامعه همچنین در باب ۱۸ نیز تأکید شده است. ۶: آنچه مقدس است یعنی گوشت قربانی. چنین گوشتی

دریافت می کند و هر که جستجو کند می یابد و بر کسی که می کوید گشوده خواهد شد.^۹ یا در بین شما کدام انسانی است که پسرش از او نان درخواست کند و او سنگی دهد؟^{۱۰} یا باز اگر ماهی درخو است کند به او ماری دهد؟^{۱۱} پس اگر شما که شریر هستید می دانید چیزهای نیکو به فرزندانان بدهید، پدر آسمانی شما چقدر بیشتر چیزهای نیکو به کسانی خواهد داد که از او درخواست می کنند.

خواهد شد.^۳ چرا پر کاهی را که در چشم برادرت هست می بینی و تیر چوبی را که در چشم تو است نگاه نمی کنی؟^۴ یا چگونه به برادرت می گوئی: بگذار پر کاه را از چشمت بیرون آورم و اینک تیر چوبی در چشم تو است؟^۵ ای ریاکار! اول تیر چوبی را از چشمت بیرون آور، آنگاه بهتر خواهی دید تا پر کاه را از چشم برادرت بیرون آوری.

مرورید پیش خوکان

^۶ آنچه مقدس است به سگان ندهید و مروریدهای خود را پیش خوکان میندازید، مبادا آنها را زیر پاهایشان لگدمال کنند و برگشته شما را بدرند.

قانون طلائی

^{۱۲} پس هر چه می خواهید انسانها برای شما بکنند به همین گونه شما نیز برای ایشان انجام دهید زیرا این است تورات و پیامبران.

نیایش به درگاه پدر آسمانی

^۷ درخواست کنید و به شما داده خواهد شد.^{۱۳} از در تنگ وارد شوید زیرا فراخ است آن در و جستجو کنید و خواهید یافت. بکوید و بر شما گشوده خواهد شد.^۸ زیرا هر که درخواست کند

می بایست توسط کاهن یا شخص قربانی کننده مصرف می شد و دادن آن به سگها، توهین به مقدسات محسوب می شد. سگ (به خاطر رفتار گستاخانه اش) و همچنین خوک (چون شریعت خوردن گوشت آن را منع کرده بود)، تصاویری عمیقاً مشمئز کننده از خارجیان بی ارزش یا دشمن بودند. این آیه بعدها در کتاب دیداکه ۴:۹ از کتب یهودی مسیحی قرن دوم که از متی بسیار نقل قول کرده به عنوان دلیلی منطقی برای دور نگه داشتن بی ایمانان از مشارکت در عشاء ربانی آمده است.

۷:۷-۱۹: نتیجه گیری موعظه روی کوه. این بخش نهائی شامل اندرزهای عملی برای جامعه کنونی و همچنین جامعه آینده است.

۷:۷-۱۱: دعا به پدر آسمانی (لو ۹:۱۱-۱۳). جامعه ایمانداران نباید توجه و نگرانی بیش از حد درباره نیازهای مادی داشته باشد، اما می تواند برای به دست آوردن آنها دعا کند. ۹-۱۰: قرص نان شبیه سنگ است و ماهی خشک بی شباهت به پوست مار نیست.

۷:۱۲: قانون طلائی (لو ۳۱:۶). این «قانون طلائی» دعوت به فعالیت به نفع دیگران است. گفتاری مشابه همین به ربی هیلل (قرن اول قبل از میلاد) نسبت داده شده است: «آنچه در نظر تو ناپسند است به همسایه ات مکن؛ این است تمامی تورات... برو و آن را بیاموز»؛ ر. ک طو ۴:۱۵؛ دیداکه ۲:۱. پیامبران، ر. ک ۵:۱۷-۱۹ و توضیح.

۷:۱۳-۱۴: دو راه (لو ۱۳:۲۳-۲۴). در آیات ۱۳-۲۷ به شاگردان گفته می شود که نباید خام و ساده لوح باشند، بلکه دانا، باهوش و مهربان (مت ۱۶:۱۰). در مورد استعاره دو راه که مکرر بکار رفته به عنوان مثال ر. ک امث ۷:۲۷؛ ۱۵:۲۴؛ ار ۲۱:۸.

در و چه باریک است آن راهی که به زندگی هدایت می‌کند و چه اندکند کسانی که آن را می‌یابند!

چنین درختی، چنین میوه هائی

^{۱۵} برحذر باشید از پیامبران دروغین که در لباس گوسفند به سوی شما می‌آیند و از درون گرگهای درنده هستند. ^{۱۶} آنان را از میوه‌هایشان خواهید شناخت. آیا انگور را از خار می‌چینند یا انجیر را از خس؟ ^{۱۷} بدین سان هر درخت خوب میوه‌های خوب می‌آورد و درخت بد میوه‌های بد می‌آورد. ^{۱۸} درخت خوب نمی‌تواند میوه‌های بد به بار آورد و نه درخت بد میوه‌های خوب. ^{۱۹} هر درختی که میوه خوب نیاورد بریده شده در آتش افکنده می‌شود. ^{۲۰} بنابراین آنها را از میوه‌هایشان خواهید شناخت.

شاگردان واقعی

^{۲۱} نه همه کسانی که مرا خداوند، خداوند می‌گویند به ملکوت آسمانها وارد خواهند شد بلکه آن کس که اراده پدر آسمانی مرا انجام دهد. ^{۲۲} چه بسیاری در آن روز به من خواهند گفت: خداوند، خداوند! مگر به نام تو پیامبری نکردیم؟ و به نام تو دیوها را بیرون نراندیم؟ و به نام تو اعمال مقتدرانه بسیار نکردیم؟ ^{۲۳} و آنگاه به آنان خواهم گفت: هرگز شما را نشناختم. از من دور شوید ای بدکاران!



شفای يك جذامی

^۱ چون از کوه فرود آمد، انبوه بسیاری به دنبال او آمدند. ^۲ و اینک یک جذامی پیش آمده در برابر او سجده کرده می‌گفت: «خداوند! اگر بخواهی می‌توانی مرا پاک گردانی.» ^۳ و او دست خود را دراز کرده وی را لمس نموده گفت: «می‌خواهم.

۷:۱۵-۲۰: درخت خوب و درخت بد (لو: ۴۳-۴۴؛ ر. ک مت ۱۲:۳۳). پیامبران دروغین، معلمانی که آموزه‌های غلط تعلیم می‌دهند: گرگهای درنده، ر. ک حزق ۲۲:۲۷؛ صف ۳:۳. این نکته بازتاب وضعیت کلیسای اولیه است. ۱۷-۲۰: ر. ک ۸:۳-۱۰. ۲۲: نبوت به نام تو، ر. ک ار ۱۴:۱۴؛ ۱۵:۲۷.

۷:۲۱-۲۳: شاگرد واقعی (لو: ۴۶:۶؛ ۲۷:۱۳) دور شوید ای بدکاران، نقل قول از مز ۸:۲۸-۲۴:۷: بنا کردن بر صخره یا شن (لو: ۴۷-۴۹؛ مر ۱:۲۲؛ لو: ۳۲:۴). بنا کردن، متی موعظه روی کوه را به عنوان «بنیان» یا «قانون اساسی» کلیسا توصیف می‌کند. عبارت پایانی «چون عیسی این سخنان را تمام کرد» در پایان دیگر خطابه‌های عیسی نیز آمده است (۱:۱۱؛ ۱۳:۵۳؛ ۱۹:۱۶؛ ۲۶:۱).

۸:۱-۴: شفای جذامی (مر ۴۰-۴۴؛ لو: ۵۲-۱۴). عیسی در ادامه تعلیم خود به شفای مردمان می‌پردازد. جذامی، کسی که مبتلا به بیماری پوستی است و به همین علت ناپاک محسوب می‌شود (لاو ۱۳:۱-۵۹؛

و با ابراهیم و اسحاق و یعقوب در ملکوت آسمانها بر سر سفره خواهند نشست.^{۱۲} در حالی که پسران ملکوت در بیرون به ظلمت افکنده خواهند شد، جائی که گریه ها و فشردن دندانها خواهد بود.^{۱۳} و عیسی به سنتوریون گفت: «برو، همان گونه که ایمان داری برایت انجام شود!» و خادم در همان ساعت شفا یافت.

شفای مادر زن پطرس

^{۱۴} و چون عیسی به خانه پطرس رفت مادر زن او را دید که دراز کشیده تب دارد.^{۱۵} و دست او را لمس نمود و تب او را رها کرد و برخاسته او را خدمت می کرد.

شفای بیرون راندن دیوها

^{۱۶} چون شامگاه فرا رسید دیوانگان زیادی را به حضورش آوردند و او ارواح را با یک سخن می راند و تمام کسانی را که مریض بودند شفا می داد.^{۱۷} تا پیشگوئی اشعیای نبی تحقق یابد که «بیماریهای ما را برگرفت و ناتوانی های ما را برداشت.»

پاک شو! و همان دم جذام او پاک شد.^۴ و عیسی به او گفت: «مواظب باش این را به کسی نگوئی بلکه برو خود را به کاهن نشان بده و قربانی را که موسی امر کرده به عنوان شهادتی برای آنان تقدیم کن.»

ایمان سنتوریون

^۵ چون وارد کفرناحوم شد سنتوریونی نزد وی آمده از او درخواست کرده گفت: «خداوندا! خادم من در خانه ام بستری است، فلج شده و به سختی عذاب می کشد.»^۷ به او گفت: «می آیم تا او را شفا دهیم.»^۸ سنتوریون در پاسخ گفت: «خداوندا! شایسته آن نیستم که تو به زیر سقف خانه من وارد شوی بلکه فقط سخنی بگو و خادم من شفا خواهد یافت.^۹ زیرا من هم که مرئوس هستم به زیر دست خود سربازانی دارم و به یکی می گویم: برو! و او می رود و به دیگری: بیا! و می آید و به برده ام: این کار را بکن! و آن را می کند.»^{۱۰} با شنیدن این، عیسی وی را تحسین نمود و به کسانی که به دنبال او می آمدند گفت: «آمین، به شما می گویم: در اسرائیل نزد هیچ کس چنین ایمانی نیافته ام.^{۱۱} به شما می گویم بسیاری از مشرق و مغرب خواهند آمد

اعد۵: ۱-۴). پاک، کسی که می تواند بار دیگر وارد جامعه گردد. «به کاهن نشان بده» لاو ۱۴: ۲-۳۲. قربانی، لاو ۱۴: ۱۰.

۵: ۸-۱۳: شفای پسر سنتوریون (لو ۷: ۱-۱۰؛ ۱۳: ۲۸-۳۰؛ ر. ک یو ۴: ۴۶-۵۴). در سپاه روم، سنتوریون فرمانده گروهی از نظامیان تا صد نفر بود. ۶: خادم یا «فرزند» (یونانی pais)؛ واژه معمول برای بنده یا برده (doulos) در آیه ۹ بکار رفته است. ۸-۱۰: سنتوریون ایمان دارد همان طور که او می تواند به خادمان و سربازان فرمان دهد، عیسی نیز قدرت فرمان یا کنترل بر بیماری ها را دارد. ۱۱-۱۲: شرق و غرب، یعنی کسانی که خارج از سرزمین اسرائیل هستند، غیریهودیان؛ ر. ک اش ۵۹: ۱۹؛ ملا ۱: ۱۱. «در ملکوت... خواهند نشست» یعنی ضیافت مسیحائی؛ ر. ک ۱۰: ۲۲.

۸: ۱۴-۱۵: شفای مادر زن پطرس (مر ۲۹: ۳۱-۳۱؛ لو ۴: ۳۸-۳۹).

۸: ۱۶-۱۷: شفای مردمان بسیار (مر ۳۲: ۳۴-۳۴؛ لو ۴۰: ۴۱). دایره کسانی که شفا می یابند در طی روز وسیع تر می شود. ۱۷: اش ۵۳: ۴؛ تحقق یکی دیگر از نبوت های پیامبران.

شرایط پیروی از عیسی

حیرت افتاده می گفتند: «این کیست که حتی بادهای و دریا از او اطاعت می کنند؟»

^{۱۸} عیسی با دیدن انبوهی در اطراف خود، دستور داد به کرانه دیگر روند. ^{۱۹} و کاتبی پیش آمده به او گفت: «استاد! به هر جا روی به دنبال تو خواهم آمد.» ^{۲۰} و عیسی به او گفت: «روباهان را لانه و پرندگان آسمان را آشیانه ها است، ولی پسرانسان را جایی برای سر نهادن نیست.» ^{۲۱} یکی دیگر از شاگردان به او گفت: «خداوندا! اجازه بده اول بروم و پدرم را دفن کنم.» ^{۲۲} و عیسی به او گفت: «به دنبال من بیا و بگذار مردگان مردگان خود را دفن کنند.»

فرو نشاندن طوفان

^{۲۸} و چون به کرانه دیگر رسید در سرزمین جدریان دو دیوانه از قبرها بیرون شده نزد وی آمدند. آنان به حدی وحشی بودند که کسی نمی توانست از آن راه بگذرد. ^{۲۹} و اینک شروع به فریاد کردند: «از ما چه می خواهی ای پسر خدا؟ آیا به اینجا آمده ای که پیش از زمان ما را عذاب دهی؟» ^{۳۰} دور از آنان گله ای از خوکان بسیار در حال چرا بودند. ^{۳۱} دیوها از او درخواست کرده گفتند: «اگر ما را بیرون می کنی ما را به گله خوکان بفرست.» ^{۳۲} و به آنها گفت: «بروید!» چون بیرون شدند به داخل خوکان رفتند و اینک تمام گله از فراز پرتگاه به دریا پریده در آنها مردند. ^{۳۳} خوک چرانان فرار کردند و به شهر رفته همه چیز از جمله موضوع دیوانگان را اعلام کردند. ^{۳۴} و اینک تمام شهر نزد عیسی خارج شدند و چون او را دیدند از او درخواست کردند که قلمرو ایشان را ترک کند.

^{۲۳} و چون درقایق سوار شده بود شاگردانش به دنبال او آمدند. ^{۲۴} ناگهان دریا به شدت توفانی شد چنان که قایق از امواج پوشیده می شد. با این همه عیسی خوابیده بود. ^{۲۵} و شاگردان پیش آمده او را بیدار ساخته گفتند: «خداوندا! ما را نجات بده که هلاک می شویم.» ^{۲۶} و به آنان گفت: «چرا هراسان هستید ای کم ایمانان؟» آنگاه برخاسته بادهای و دریا را نهیب زد و آرامش بزرگی پدید آمد. ^{۲۷} آنان به

۸: ۱۸-۲۲: شرایط شاگردی (لو: ۹: ۵۷-۶۰). عیسی از دریای جلیل عبور می کند و به ساحل دیگر می رود. ۱۸: ساحل دیگر، یعنی ساحل شرقی. ۱۹: کاتب، فردی باسواد و احتمالاً تحصیل کرده در شریعت موسی. ۲۰: پسرانسان، عنوانی که عیسی خود را مخصوصاً به آن معرفی می کرد. این لقب دارای ابهام است و می تواند هم به معنی «انسان» (ر. ک. مز: ۸: ۴؛ حزق: ۲: ۱) یعنی بیان غیرمستقیم «من» یا اشاره ای به شخصیت مکاشفه ای در دان: ۷: ۱۳-۱۴ باشد. ۲۲: اولویت و فوریت در شاگردی، در این سناریوی سخت و اغراق آمیز دیده می شود (ر. ک. دعوت الیشع، ۱۹: ۱۹-۲۱).

۸: ۲۳-۲۷: آرام کردن طوفان (مر: ۴: ۳۱-۴۱؛ لو: ۸: ۲۲-۲۵). کم ایمان، در حالی که در انجیل مرقس شاگردان به خاطر نفهمی و سخت دلی شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته اند، متی آنان را در وضعیتی توصیف می کند که باید بیشتر رشد کنند و درباره زندگی شاگرد مسیح بیشتر یاد بگیرند. ۲۷: حتی بادهای و دریا اطاعت می کنند، شاید اشاره ای به مز: ۱۰۷: ۲۹ باشد؛ ر. ک. مز: ۱۰۴: ۷؛ ۱۰۶: ۹.

۸: ۲۸-۳۴: شفای دو دیوانه (مر: ۵: ۱-۲۰؛ لو: ۸: ۲۶-۳۹). جدره، ام القیس کنونی در شمال ماوراء اردن، یکی از شهرهای دیکاپولیس که زیارتگاهی در آنجا وجود داشت که مشهور بود شفا می دهد. ۳۱-۳۳: مخاطبان یهودی متی به خوبی می توانستند طنز و استهزای نهفته در این صحنه با خوکهای موجود در آن را درک کنند.

گرفت و خدا را تجلیل کردند که چنین اقتداری به انسان داده است.



شفای يك مفلوج

^۱ و به قایقی سوار شده عبور کرد و به شهر خود آمد. ^۲ و اینک مفلوجی خوابیده بر بستری را به حضورش آوردند و عیسی با مشاهده ایمان آنان به مفلوج گفت: «فرزندم، اعتماد داشته باش، گناهانت بخشیده شد.» ^۳ و اینک چند نفر از کاتبان با خود گفتند: «این مرد کفر می گوید.» ^۴ و عیسی با دانستن افکارشان گفت: «چرا این افکار بد در دلهای شما است؟ ^۵ زیرا کدام یک آسانتر است: گفتن اینکه گناهانت بخشیده شد یا گفتن اینکه برخیز و راه برو؟ ^۶ پس برای اینکه بدانید پسر انسان بر روی زمین اقتدار بخشیدن گناهان را دارد - آنگاه به مفلوج گفت: «برخیز! بستر خود را بردار و به خانه ات برو.» ^۷ و او برخاسته به خانه خود رفت. ^۸ با دیدن این، جماعت را ترس فرا

دعوت از متی

^۹ و عیسی جلوتر رفته مردی مسمی به متی را در باجگاه نشسته دید و به او گفت: «به دنبال من بیا» و او برخاسته به دنبال او رفت. ^{۱۰} باری چون در خانه او بر سر سفره بود اینک بسیاری از خراجگیران و گناهکاران آمده با عیسی و شاگردانش بر سر سفره نشستند. ^{۱۱} و فریسیان دیده به شاگردانش می گفتند: «چرا استاد شما با خراجگیران و گناهکاران می خورد؟» ^{۱۲} ولی او چون شنید گفت: «تندرستان به پزشک نیاز ندارند بلکه مریضان. ^{۱۳} پس رفته و یاد گیرید که معنای این چیست: «من رحمت می خواهم نه قربانی» زیرا من نیامده ام تا عادلان را دعوت کنم بلکه گناهکاران را.»

۹:۱-۸: شفای مرد مفلوج (مر ۲:۱-۱۱؛ لو: ۱۷-۲۶). در این باب شاهد اعمال مقترانه عیسی و افزایش مخالفت و تنش هستیم. ۱: شهر خود، کفرناحوم نه ناصره؛ ر. ک ۴:۱۳. با شفاهایی که عیسی انجام می دهد، حالت تنش بین او و مقامات محلی به وجود می آید. ۶: پسر انسان، ر. ک توضیح ۸:۲۰. بر زمین، عیسی ادعا می کند که این اقتدار، نه فقط در ایام آخر، بلکه هم اکنون و همین جا در کار است (ر. ک ۳۱:۲۵-۴۶). ۹:۹-۱۳: دعوت از متی خراجگیر (مر ۲:۱۳-۱۷؛ لو: ۲۷-۳۲). کفرناحوم، نزدیک مرز بین جلیل و جولان، احتمالاً یکی از مراکز جمع آوری مالیات بود. در انجیل لوقا این شاگرد لاوی نامیده شده است (لو: ۲۷). ۱۰-۱۳: مر ۲:۱۵-۱۷؛ لو: ۲۹-۳۲. ۱۰: بر سر سفره، غذائی که شخص می خورد و نیز کسانی که همراه او بر سر سفره می نشستند دو جنبه مهم در خصوص توصیف دوستان وی بودند. خراج گیر یا مأمور جمع آوری مالیات، نظام حکومتی روم که به «مالیات سازی» معروف بود، حق جمع آوری مالیاتها (از جمله عوارض کالاها) را در برخی مناطق در قبال مبلغی مشخص اجاره می داد. فرد اجاره کننده که معمولاً از اشراف محلی بود و این امتیاز را به دست می آورد، سعی می کرد بسیار بیش از مبلغ قرارداد مالیات بگیرد تا سود بیشتری ببرد و از این رو بالقوه جای سوءاستفاده زیادی داشت. جمع آوری مالیات توسط مزدورانی انجام می شد که همواره تحت فشار بودند تا هر چه ممکن است مالیات بیشتری بگیرند و به همین خاطر منفور جامعه بودند. اکثر اشاراتی که به خراجگیران شده احتمالاً در مورد این گروه است. ۱۲-۱۳: جواب عیسی، درک وی از هدف و مأموریت خود را آشکار می سازد. ۱۳: متی دو بار از متن هو: ۶ استفاده کرده در حالی که در انجیل دیگر اصلاً دیده نمی شود. همین متن در سند ربی ناتان بکار رفته و توضیح می دهد که بعد از ویرانی معبد چگونه مراسم قربانی انجام خواهد شد.

بحث دربارهٔ روزه، نو و کهنه

۴ آنگاه شاگردان یحیی نزد او آمده گفتند: «چرا ما و فریسیان روزه می‌گیریم و شاگردان تو روزه نمی‌گیرند؟» ۱۵ و عیسی به ایشان گفت: «آیا دوستان داماد تا زمانی که داماد با ایشان است می‌توانند ماتم بگیرند؟ روزهایی فرا خواهد رسید که داماد از آنان گرفته خواهد شد و آن وقت روزه خواهند گرفت. ۱۶ و هیچکس پارچهٔ نشسته را به جامه کهنه وصله نمی‌زند زیرا وصله جامه را می‌کشد و پارگی بدتر می‌شود. ۱۷ همچنین شراب تازه را در مشکهای کهنه نمی‌ریزند و گرنه مسلماً مشکها دریده شده شراب می‌ریزد و مشکها از بین می‌روند، بلکه شراب تازه را در مشکهای نو می‌ریزند تا هر دو محفوظ باشند.»

۲۰ و اینک زنی که دوازده سال خونریزی داشت از پشت سر نزدیک شده حاشیه ردایش را لمس کرد. ۲۱ زیرا با خود می‌گفت: «اگر فقط ردایش را لمس کنم نجات خواهم یافت.» ۲۲ عیسی برگشته او را دید و گفت: «ای دختر! اعتماد داشته باش! ایمانت تو را نجات داده است.» و آن زن همان ساعت بهبود یافت. ۲۳ و چون عیسی به خانهٔ رئیس رسید نوازندگان نی و ازدحام مردم را دید که هیاهو می‌کردند. ۲۴ گفت: «کنار بروید زیرا دخترک نمرده بلکه خوابیده است» و آنان او را ریشخند می‌کردند. ۲۵ چون انبوه مردم به بیرون رانده شدند، او داخل شده دست دختر را گرفت و او برخاست. ۲۶ و خبر این در سراسر آن سرزمین شایع شد.

شفای زن مبتلا به خونریزی

و زنده شدن دختر يك رئيس

۱۸ در حالی که عیسی این سخنان را به آنان می‌گفت اینک رئیسی پیش آمده در برابر او زانو زده گفت: «دخترم همین الان مرده ولی بیا و دست را بر او بگذار و زنده خواهد شد.» ۱۹ و عیسی برخاسته به دنبال او رفت و همچنین شاگردانش.

شفای دو کور

۲۷ و چون عیسی از آنجا می‌گذشت دو کور به دنبال او رفتند و فریاد زنان گفتند: «به ما رحم کن! ای پسر داود.» ۲۸ وقتی عیسی به خانه رسید کوران نزد وی آمدند و او به آنان گفت: «آیا ایمان دارید که من قدرت دارم این کار را بکنم؟» به او گفتند: «آری ای خداوند!» ۲۹ آنگاه چشمانشان را لمس

۹: ۱۴-۱۷: درباره روزه (مر ۲: ۱۸-۲۲؛ لو ۵: ۳۳-۳۹). جشن عروسی، استعاره‌ای مکرر برای زمان آخر است؛ ر. ک ۲۲: ۱۴-۲۵؛ ۱۳: ۱-۲۵؛ اش ۶۲: ۵؛ مکا ۲: ۲۱. دو گفتار مذکور در آیات ۱۶-۱۷ که در انجیل لوقا به صورت جداگانه در باب روزه آمده‌اند، بر تازگی تعلیم عیسی تأکید دارند.

۹: ۱۸-۲۶: شفای زن مبتلا به خونریزی و زنده کردن دختر یائیروس (مر ۵: ۲۱-۴۳؛ لو ۸: ۴۰-۵۶). رئیسی نزد عیسی می‌آید. در مر ۵: ۲۲ رئیس کنیسه آمده است. در هر صورت منظور فردی صاحب منصب یا رهبر است. ۲۰-۲۲: در اینجا به پیروی از مرقس (۵: ۲۱-۴۳) داستان زن مبتلا به خونریزی در درون واقعه شفای دختر رئیس قرار می‌گیرد. بیماری خونریزی باعث می‌شد که زن همواره ناپاک بماند (لاو ۱۵: ۲۵-۳۰)، ۲۱: بهبود یافت تحت اللفظی یعنی نجات یافت. ۲۳: نوازندگان نی، آوازهای غمناک شیون و زاری را همراهی می‌کردند.

۹: ۲۷-۳۱: شفای دو نابینا ر. ک ۲۰: ۲۹-۳۴. ۲۷: پسر داود، شجره نامه عیسی در ابتدای انجیل را به مخاطبان یادآوری می‌کند.

زیرا خسته و کوفته مانند گوسفندان بی‌شبان بودند. ۳۷ نگاه به شاگردانش گفت: «محصول فراوان است ولی کارگران اندک. ۳۸ پس از خداوند محصول خواهش کنید تا کارگرانی برای محصول خود بفرستد.»

کرده گفت: «برابر ایمانتان برای شما انجام شود.» ۳۰ و چشمانشان باز شد و عیسی با تأکید به آنان گفت: «توجه کنید! کسی این را نداند.» ۳۱ ولی ایشان همین که بیرون رفتند خبر آن را در سراسر آن سرزمین شایع کردند.

شفای لال دیو زده

۳۲ چون بیرون می‌آمدند اینک لال دیوانه‌ای را به حضورش آوردند. ۳۳ و چون دیو را بیرون کرد لال به حرف در آمد و جمعیت در حیرت افتاده می‌گفتند: «هرگز چنین چیزی در اسرائیل دیده نشده است!» ۳۴ ولی فریسیان می‌گفتند: «به وسیله رئیس دیوها است که دیوها را بیرون می‌کند.»

عیسی و جماعت بی‌شبان

۳۵ و عیسی تمام شهرها و روستاها را می‌گشت در حالی که در کنیسه‌هایشان آموزش می‌داد و انجیل ملکوت را ندا داده هر نوع بیماری و ناتوانی را شفا می‌داد. ۳۶ چون جمعیت را دید بر آنان ترحم نمود

رسالت دوازده تن

۱ عیسی دوازده شاگرد خود را فرا خوانده به آنان اقتدار بر ارواح ناپاک داد تا آنها را بیرون کنند و هر بیماری و ناتوانی را شفا دهند. ۲ اینک نام‌های دوازده رسول: اول شمعون که پطرس نامیده شد و برادرش آندریاس و یعقوب پسر زبدی و برادرش یوحنا، ۳ فیلیپس و برتولما، توما و متی خراجگیر، یعقوب پسر حلفی و تدی، ۴ شمعون غیور و یهودای اسخریوطی، همان که او را تسلیم کرد. ۵ عیسی این دوازده [تن] را با دستورهای زیر فرستاد:

۳۲-۳۴: شفای لال دیوانه (لو ۱۴: ۱۱-۱۵). ر. ک ۱۲: ۲۲-۲۴. ۳۴: به وسیله رئیس دیوها، فریسیان با متهم کردن عیسی به انجام جادوگری می‌خواهند او را بی اعتبار سازند (نیز ۱۲: ۲۴).
۳۵-۳۸: عیسی و جمعیت بی‌شبان (مر ۶: ۶؛ لو ۱۰: ۲). خلاصه‌ای داستان گونه از فعالیت و مأموریت عیسی در پنج باب قبلی. او معلم، شفا دهنده و مبشر انجیل برای تمام مردم است. مانند گوسفندان بی‌شبان، تصویری سنتی که از کتاب مقدس عبری اخذ شده است (اعد ۲۷: ۱۷؛ ۱ پاد ۲۲: ۱۷؛ حزق ۳۴: ۵). ۳۷-۳۸: این گفتار (ر. ک لو ۱۰: ۲) نشان می‌دهد که جامعه متی به امر مأموریت و بشارت نمی‌پردازد. این متن همچون مقدمه‌ای بر باب ۱۰ ایفای نقش می‌کند.
۱: ۴۲-۱۰: ۱: فرستادن شاگردان و دستورات عیسی درباره مأموریت آنان. خطابه دوم عیسی (۵: ۱۰-۴۱) به مأموریت و اتفاقاتی می‌پردازد که شاگردان در دنیا با آنها روبرو خواهند شد.
۱: ۱۰-۵: الف: دوازده رسول (مر ۳: ۱۶-۱۹؛ لوقا ۹: ۱۴-۱۶). دوازده [رسول] که نماینده دوازده قبیله اسرائیل هستند، نشان می‌دهد که پیروان عیسی می‌گویند آنان باقیمانده اسرائیل حقیقی هستند (یک گروه دوازده نفره به طور نماین رهبری فرقه اسنیا را به عهده داشتند). در مورد فهرست اسامی دوازده رسول ر. ک مر ۳: ۱۶-۱۹؛ لوقا ۹: ۱۴-۱۶.
۵: ۱۰-۱۵: مأموریت رسولان (مر ۷: ۱۱-۱۶؛ لوقا ۹: ۲-۵؛ ر. ک لو ۱۰: ۳-۱۲). ۵-۶: تنها در انجیل متی است که عیسی به دوازده رسول دستور می‌دهد مأموریت خود را به اسرائیل محدود کنند. جامعه متی البته به

مأموریت توأم با جفا

^{۱۶} اینک شما را چون گوسفندان به میان گرگان می فرستم پس مانند مارها هوشیار و چون کبوتران ساده باشید. ^{۱۷} از مردمان بر حذر باشید زیرا شما را به شوراها تسلیم خواهند کرد و در کنیسه های خود شما را تازیانه خواهند زد. ^{۱۸} و به خاطر من برای شهادت به ایشان و امتها نزد حاکمان و پادشاهان برده خواهید شد. ^{۱۹} چون شما را تسلیم کنند پروای آن نداشته باشید که چه و چگونه بگوئید. زیرا در آن ساعت آنچه باید بگوئید به شما داده خواهد شد. ^{۲۰} درواقع شما نیستید که سخن خواهید گفت بلکه روح پدر شما در شما سخن خواهد گفت. ^{۲۱} برادر برادر خود را به مرگ تسلیم خواهد کرد و پدر فرزند خود را و فرزندان علیه والدین خود بر خواهند خاست و آنان را به مرگ خواهند سپرد. ^{۲۲} و به خاطر نام من منفور همگان خواهید شد ولی کسی که تا پایان بایستد او نجات خواهد یافت. ^{۲۳} چون در شهری به شما جفا کنند به دیگری فرار کنید زیرا آمین به شما می گویم پیش از آنکه پسرانسان بیاید شهرهای اسرائیل را تمام نخواهید کرد. ^{۲۴} شاگرد برتر از استاد نیست و نه برده بالاتر از خداوند خود. ^{۲۵} برای شاگرد کافی است مانند استادش شود و برده مانند خداوندش. اگر ارباب خانه را بعزبول خوانده اند چقدر بیشتر اهل خانه اش را!

«راه امتها را در پیش نگیرید و در هیچ شهر سامریان وارد نشوید. ^۶ بلکه به سوی گوسفندان گمشده خاندان اسرائیل بروید. ^۷ در راه خود ندا دهید که فرمانروائی آسمانها خیلی نزدیک است. ^۸ بیماران را شفا دهید، مردگان را برخیزانید، جذامیان را پاک گردانید، دیوها را بیرون کنید. رایگان یافته اید، رایگان بدهید. ^۹ نه طلا فراهم آورید نه نقره، نه سکه های مسی در کمر بندهایتان. ^{۱۰} نه خورجین برای راه، نه دوردا، نه کفش، نه چوبدستی، زیرا کارگر سزاوار خوراک خود است. ^{۱۱} در هر شهر و روستائی که وارد می شوید بپرسید در آنجا چه کسی شایسته است و تا وقتی که عزیمت می کنید در آنجا بمانید. ^{۱۲} چون به خانه وارد می شوید بر آن سلام کنید. ^{۱۳} اگر خانه شایسته باشد آرامش شما بر آن آید و اگر شایسته نباشد آرامش شما به سوی شما باز گردد. ^{۱۴} اما کسی که شما را نپذیرد و سخنان شما را گوش ندهد، چون از آن خانه یا از آن شهر بیرون می آید گرد و خاک پاهایتان را بتکانید. ^{۱۵} آمین! به شما می گویم در روز داوری برای سرزمین سدوم و عموره قابل تحمل تر خواهد بود تا برای آن شهر.

غیریهودیان نیز توجه داشت (۱۹:۲۸) اما ابتدا روی سخن او با یهودیان است (ر. ک اع ۲۸:۱۰). در میان امتها، منظور محدودیت جغرافیائی است و نه قومی. ^۵: سامریان ساکن ناحیه سامره واقع در منطقه بین جلیل و یهودیه بودند. اکثر یهودیان با دیده دشمنی به آنها نگاه می کردند، هر چند این دو مشترکات زیادی با هم داشتند (به عنوان مثال تورات). ^{۱۲}: سلام کنید یعنی بگوئید «صلح و سلامتی بر این خانه باد». ^{۱۴}: گرد و خاک پاهایتان را بتکانید، ر. ک لو ۱۱:۱۰. ^{۱۵}: سدوم و عموره، پید ۱۸:۱۶-۱۹، ۲۹. ^{۱۰}: ۱۶-۲۵: (مر ۹:۱۳-۱۳؛ لو ۱۲:۱۹-۱۷). ^{۱۷}: شوراها و کنیسه ها یعنی دادگاههای محلی و مراکز گردهمائی های عمومی. تازیانه به عنوان مجازات تخطی از تورات (تث ۱:۲۵-۳)؛ ر. ک ۱۹:۲۰؛ ۲۳:۳۴. ^{۱۸}: حاکم (فرماندار)، همان عنوانی که برای پیلاطس بکار می رفت (۲:۲۷). ^{۲۳}: پیش از آمدن پسر انسان، زمان ماقبل داوری کوتاه است و مسئولیت بسیار فوری و ضروری. ^{۲۴}: ر. ک یو ۱۶:۱۳؛ ۱۵:۲۰. ^{۲۵}: یادآوری از اتهامات قبلی فریسیان (۳۴:۹). بعزبول که در اصل لقب بعل، خدای کنعانیان بود (ر. ک ۲:۱۰) در اناجیل مترادف شیطان بکار رفته است (ر. ک ۲۴:۱۱).

از هیچ مترسید

^{۲۶} پس از آنان مترسید زیرا هیچ پنهانی نیست که آشکار نگردد و هیچ پوشیده‌ای نیست که عیان نشود. ^{۲۷} آنچه در تاریکی به شما می‌گویم در روشنایی بگویید و آنچه به گوش می‌شنوید بر روی بامها ندا دهید. ^{۲۸} و هیچ از آنان مترسید که جسم را می‌کشند ولی نمی‌توانند جان را بکشند. بیشتر از آن کس بترسید که می‌تواند هم جان و هم جسم را در جهنم تباه سازد. ^{۲۹} آیا دو گنجشک به یک فلس فروخته نمی‌شوند؟ و یکی از آنها بدون اجازه پدر شما به زمین نخواهد افتاد. ^{۳۰} اما شما، حتی موهای سرتان هم شمرده شده است. ^{۳۱} پس مترسید! شما از انبوه گنجشکان برتر هستید. ^{۳۲} پس هر آنکه در برابر انسانها مرا اقرار کند من هم در برابر پدرم که در آسمان‌ها است او را اقرار خواهم کرد ^{۳۳} ولی کسی که در برابر انسانها مرا انکار کند من هم در برابر پدرم که در آسمان‌ها است او را انکار خواهم کرد.

شمشیر به جای آرامش

(لوقا ۱۲: ۵۱-۵۳)

^{۳۴} گمان مبرید که من آمده‌ام تا آرامش را بر زمین بیاورم. نیامده‌ام آرامش بیاورم بلکه شمشیر را.

^{۳۵} زیرا من برای جدا کردن مرد بر ضد پدرش و دختر بر ضد مادرش و عروس بر ضد مادر شوهرش آمده‌ام. ^{۳۶} و دشمنان انسان اهل خانه او خواهند بود.

انکار خویشتن برای پیروی از عیسی

^{۳۷} کسی که پدر یا مادرش را بیش از من دوست دارد شایسته من نیست و کسی که پسر یا دختر خود را بیش از من دوست دارد شایسته من نباشد. ^{۳۸} و کسی که صلیب خود را بر ندارد و به دنبال من نیاید شایسته من نباشد. ^{۳۹} کسی که جان خود را دریابد آن را از دست خواهد داد و کسی که جان خود را به خاطر من از دست دهد آن را خواهد یافت.

هر که شما را می‌پذیرد مرا می‌پذیرد

^{۴۰} هر که شما را می‌پذیرد مرا می‌پذیرد و هر که مرا می‌پذیرد فرستنده مرا می‌پذیرد. ^{۴۱} هر که پیامبری را به عنوان پیامبر می‌پذیرد اجر پیامبر را دریافت خواهد کرد و هر که عادل را به عنوان عادل می‌پذیرد اجر عادل را دریافت خواهد کرد. ^{۴۲} کسی که به یکی از این کوچکان به عنوان شاگرد فقط یک پیاله آب خنک برای نوشیدن بدهد آمین به شما می‌گویم اجر خود را از دست نخواهد داد.»

۱۰: ۲۶-۳۳: نگران نباشید (مر ۸: ۳۸؛ لوقا ۹: ۲۶؛ ۱۲: ۲-۹). ۲۷: رد هر گونه تعلیم سری و رازآلود.
 ۱۰: ۳۴-۳۶: جدائی به جای پیوند (لوقا ۱۲: ۵۱-۵۳). حضور عیسی نیز باعث تفرقه می‌شود، رک میک ۶: ۷.
 ۱۰: ۳۷-۳۹: انکار خود (مر ۸: ۳۴-۳۵؛ لوقا ۱۴: ۲۶-۲۷؛ ۹: ۲۳-۲۴).
 ۱۰: ۴۰-۴۲: پذیرفتن فرستاده به جای فرستنده (مر ۹: ۳۷-۴۱؛ لوقا ۹: ۴۸؛ ۱۰: ۱۶؛ یوحنا ۱۳: ۲۰) حمایت و یاری متقابل، نشانه خاص مردمانی است که پیرامون عیسی جمع می‌شوند. هر که پیامبری را بپذیرد، پیامبر معادل خدائی است که او را فرستاده (خروج ۱۶: ۸؛ سمو ۷: ۷). شاگردان عیسی مانند پیامبران هستند (۱۲: ۵؛ ۱۱: ۹؛ ۱۳: ۱۷). کوچکان، شاگردان نوایمان یا آسیب‌پذیر، ر. ک ۱۸: ۶.



^۱ چون عیسی دستورهای خود به دوازده شاگردش را به پایان رسانید روانه شد تا در شهرهایشان آموزش داده موعظه کند.

پرسش یحیی و پاسخ عیسی

^۲ یحیی که در زندان اعمال مسیح را شنیده بود شاگردان خود را نزد او فرستاد تا از او بپرسند: ^۳ «آیا تو همان کسی هستی که باید بیاید یا بایستی منظر دیگری باشیم؟» ^۴ و عیسی در پاسخ به آنان گفت: «بروید و یحیی را از آنچه می شنوید و می بینید خبر دهید: ^۵ کوران می نگرند و لنگان راه می روند، جذامیان پاک می شوند و کران می شنوند و مردگان قیام می کنند و به درماندگان بشارت داده می شود؛ ^۶ و خوشا به حال آن که درباره من دچار لغزش نشود.»

^۷ و چون ایشان می رفتند عیسی به انبوه مردم درباره یحیی آغاز سخن نموده گفت: «چرا به صحرا بیرون رفتید؟ آیا برای دیدن شاخه ای نی که در باد لرزان است؟ ^۸ پس برای چه بیرون رفتید؟ برای دیدن مردی که لباس فاخر پوشیده است؟ اینک کسانی که لباس فاخر دارند در خانه های پادشاهان هستند. ^۹ اما برای چه بیرون رفتید؟ تا پیامبری را

بینید؟ آری به شما می گویم و حتی بیش از یک پیامبر. ^{۱۰} این همان کسی است که درباره اش نوشته شده است: اینک من مبشر خود را پیش روی تو می فرستم تا راه تو را پیش پایت هموار کند. ^{۱۱} آمین به شما می گویم در میان کسانی که از زنان زاده شده اند کسی بزرگتر از یحیی تعمید دهنده برنحاسته است اما کوچکترین در ملکوت آسمان ها بزرگتر از او است. ^{۱۲} از روزگار یحیی تعمید دهنده تاکنون ملکوت آسمان ها متحمل زور بوده و زورمندان آن را می ربایند ^{۱۳} زیرا همه پیامبران و تورات تا یحیی پیامبری کرده اند. ^{۱۴} و اگر بخواهید بپذیرید این همان الیاس است که باید بیاید. ^{۱۵} هر که گوش دارد بشنود. ^{۱۶} این نسل را به چه کسی می توانم تشبیه کنم، به مانند کودکانی است که در میدان ها نشسته به سوی دیگران فریاد برآورده می گویند:

^{۱۷} برای شما نی زدیم و شما نرقصیدید!

نوحه سرایی کردیم و شما سینه نزدید.

^{۱۸} درواقع یحیی آمده است که نه می خورد و نه می نوشید و می گویند: او دیو دارد! ^{۱۹} پسر انسان آمده که می خورد و می نوشد و می گویند: اینک مردی پرخور و میخواره، دوست خراجگیران و گناهکاران! حکمت خدا به وسیله اعمالش، عدالت شناخته شده است.»

۱۱:۱۹-۱:۱۱ عیسی و یحیی تعمید دهنده (لو: ۷:۱۸-۳۵). یحیی به اتهام آشوب دستگیر شد و به دستور هیرودیس آنتیپاس به قتل رسید (یوسفوس، جنگها ۱۸: ۱:۱۴-۱۲: ۱۴:۶؛ مر: ۶:۲۹-۲). ماسیح یا مسیح، در آن دوران برخی فرقه ها نظیر جامعه قمران که طومارهای بحرالमित را درست کردند در انتظار شخصیتی مسیحائی یا نجات دهنده بودند. در قرن اول چندین رهبر مشهور به عنوان چهره های «مسیحائی» شناخته شده بودند. در چنین حال و هوائی، سؤال یحیی از عیسی قابل درک است. ۴-۶: ۱۸-۱۹؛ اش: ۳۵:۵-۶؛ ۴۲:۱۸؛ ۶۱:۱؛ ر.ک لو: ۴:۱۷-۲۱. ۱۰: ۱:۱۳ (مشابه اش: ۳:۴۰). ۱۳: پیامبران و تورات، دو بخش اول از کتاب مقدس عبری. ۱۴: در روایات مربوط به دوران یهودیت معبد دوم، الیاس به عنوان منادی ایام مسیحائی شناخته می شد (ملا: ۴:۵). ۱۹: اعمالش، به «آنچه مسیح انجام می داد» اشاره دارد (۲:۱۱). در ۱۱:۲۸-۳۰ عیسی و حکمت یکی دانسته می شوند.

ما تم برای شهرهای جلیل

^{۲۰} آنگاه آغاز به نکوهش شهرهایی کرد که در آنها بیشتر اعمال مقتدرانه اش انجام شده بود زیرا توبه نکرده بودند. ^{۲۱} «وای بر تو ای خورزین، وای بر تو ای بیت صیدا زیرا اگر اعمال مقتدرانه ای که در شما انجام شده در صور و صیدون می شد از مدتها پیش زیر پلاس و بر خاکستر توبه کرده بودند. ^{۲۲} لیکن به شما می گویم در روز داوری برای صور و صیدون قابل تحمل تر خواهد بود تا برای شما.

^{۲۳} و تو ای کفرناحوم!

آیا تا به آسمان افراشته خواهی شد؟

به وادی مردگان نزول خواهی کرد،

زیرا اگر اعمال مقتدرانه ای که در تو انجام شد در سدوم شده بود امروز هنوز اینجا می بود. ^{۲۴} همچنین به شما می گویم که در روز داوری برای سرزمین سدوم قابل تحمل تر خواهد بود تا برای تو.»

پدر و پسر

^{۲۵} در آن وقت عیسی به سخن درآمده گفت: «تو را سپاس می گویم ای پدر! ای خداوند آسمان و زمین زیرا این را از حکیمان و عاقلان پنهان داشته و به بچه ها آشکار کرده ای. ^{۲۶} آری! ای پدر، زیرا خوشنودی تو چنین بوده است. ^{۲۷} همه چیز به وسیله پدرم به من سپرده شده و هیچکس پسر را نمی شناسد مگر پدر و هیچکس پدر را نمی شناسد مگر پسر و کسی که پسر بخواهد بر او مکشوف گرداند.

یوغ مرا بر خود گیرید

^{۲۸} ای همه تمام زحمتکشان و گرانباران نزد من آیید و من به شما آرامش خواهم داد. ^{۲۹} یوغ مرا بر خود گیرید و از من تعلیم یابید زیرا من نرم خو و فروتن هستم و برای جانهای خود آرامش خواهید یافت. ^{۳۰} زیرا یوغ من سهل و بار من سبک است.»

۲۰:۲۴-۲۰:۲۴: نکوهش شهرهای جلیل. (لو ۱۲:۱-۱۵؛ ر. ک مت ۱۵:۱۰). نکوهش روستاها و شهرهای بیت صیدا، خورزین و کفرناحوم که در شمال دریای جلیل واقع اند (ر. ک اش ۱۴:۱۴-۱۵) و ستایش از شهرهای ساحلی صور و صیدون که خارج از سرزمین اسرائیل هستند، بار دیگر بر اولویت جایگاه اسرائیل در مأموریت عیسی تأکید می کنند. شهرهای واقع در منطقه جلیل که موطن عیسی بشمار می رفتند و اولین فعالیت بشارتی او در آنها صورت گرفت، فرصتی استثنائی یافتند تا از سخنان و اعمال عیسی آگاهی یابند (ر. ک ۱۵:۱۰). با این وجود مردم ساکن در شهرها و مناطقی که در نظر عیسی در درجه دوم بودند بیشتر تأثیر پذیرفتند و واکنش بهتری نشان دادند.

۲۵:۲۷-۲۵:۲۷: ستایش پسر از پدر (لو ۲۱:۱-۲۲). در انجیل متی، ماهیت حکمت واقعی از اهمیت خاصی برخوردار است. در این انجیل، گروه مخالفان عیسی از مردمان قدرتمند و بانفوذی تشکیل شده بود. به شیوه ای سراسر طنزآلود، این شاگردان بی نفوذ، تعلیم ندیده و فاقد قدرت بودند که پیام را شنیدند و درک نمودند. حکمت یعنی دانائی، ر. ک ایوب ۱:۱۲، ۲۴-۲۵؛ اش ۱۹:۱۱-۱۲؛ ارم ۸:۸-۹؛ امث ۳:۷. ۲۸:۳۰-۲۸:۳۰: یوغ عیسی. در هفتاد تنان، نسخه یونانی کتاب مقدس عبری که متی از آن نقل قول می کند، تصویر یوغ حاوی وفاداری و اطاعت و همچنین حکمت، عدالت و تبعیت سیاسی است (۲ تو ۱:۴؛ امث ۱:۱۶، ۶:۱۱؛ حزق ۴۵:۱۰). در مورد مقایسه یوغ با تعلیم حکیمانه ر. ک بنسی ۲۳:۵۱-۲۷. نزد من آئید، ر. ک امث ۹:۵؛ بنسی ۱۹:۲۴.

❖ ۱۲ ❖

چیدن خوشه های گندم

۱ در آن وقت عیسی در یک روز سبت از میان کشتزارها می گذشت. شاگردان او گرسنه شدند و شروع به کندن سنبله ها و خوردن آنها کردند. ۲ فریسیان با دیدن این به او گفتند: «اینک شاگردان تو کاری می کنند که در روز سبت مجاز نیست.» ۳ به ایشان گفت: «آیا نخوانده اید که داود وقتی گرسنه بود چه کرد، او و همچنین همراهانش؟ ۴ چگونه وارد خانه خدا شد و نان های تقدیمی را خوردند که خوردن آنها برای او و همراهانش مجاز نبود بلکه فقط برای کاهنان. ۵ یا در تورات نخوانده اید که در روز سبت کاهنان در معبد سبت را بی حرمت می دارند و مقصر نیستند؟ ۶ باری به شما می گویم که در اینجا بزرگتر از معبد هست. ۷ اگر می دانستید معنای «من رحمت می خواهم و نه قربانی» چیست، بی گناهان را محکوم نمی کردید. ۸ زیرا پسرانسان خداوند سبت نیز هست.»

شفای مردی با دست خشکیده

۹ و آنجا را ترک کرده به کنیسه ایشان آمد. ۱۰ و مردی که دست خشکیده داشت حاضر بود و از عیسی پرسیده گفتند: «آیا در روز سبت شفا دادن جایز است؟» و این به منظور متهم کردن او بود. ۱۱ به ایشان گفت: «در بین شما کدام است که فقط یک گوسفند داشته باشد و روز سبت در گودالی بیفتد و نرود آن را گرفته بلند کند؟ ۱۲ باری چقدر ارزش انسان بیشتر از گوسفند است! بنابراین کار نیکو کردن در روز سبت جایز است.» ۱۳ آنگاه به آن مرد گفت: «دست را دراز کن!» و او آن را دراز کرد و مثل دیگری به حالت اول برگشته بهبود یافت. ۱۴ وقتی فریسیان خارج شدند علیه او شورا کردند که چگونه او را از بین ببرند.

عیسی خادم خدا

۱۵ عیسی چون این را دانست از آنجا کناره گرفت و بسیاری به دنبال او رفتند و همه را شفا داد. ۱۶ و آنان را ملزم نمود که او را نشناسانند. ۱۷ تا آنچه

۱۲:۱-۴۲: عیسی و فریسیان. این بخش به روایت کشمکش عیسی با رهبران محلی و در رأس آنها فریسیان می پردازد که به خاطر تفسیر بسیار جزئی نگر شریعت مشهور بودند (یوسفوس، جنگها ۲: ۱۶۲؛ زندگی ۱۹۱). ۱۲:۸-۱:۱۲: خوشه چینی در سبت (مر ۲: ۲۳-۲۸؛ لو ۱۱: ۵-۶). این داستان بیانگر اقتدار عیسی و تفسیر مشروع او است. ۲: خروج ۲۰: ۸-۱۱. ۳-۴: ۱ سمو ۱: ۲۱-۶. نان تقدیمی، دوازده قرص نان که هر سبت به عنوان قربانی شکرگزاری در معبد گذاشته می شد (لاو ۲۴: ۵-۹). ۵-۶: این نکوهش کاهنان در معبد اورشلیم، خاص انجیل متی است و شاید به اعدا ۲۸: ۹-۱۰ اشاره دارد. ۷: دومین نقل قول از هو ۶: ۶ (ر. ک ۹: ۱۳ توضیح). هر وقت عیسی تفسیر مشروع خود را ارائه می دهد یا وارد مناقشه با دیگر رهبران مذهبی می شود، معمولاً برای استدلال خود از کتب مقدس نقل قول می کند.

۱۲: ۹-۱۴: شفای مردی در روز سبت (مر ۳: ۱-۶؛ لو ۶: ۱۱). کنیسه، واژه ای یونانی برای محل گردهمائی های عمومی غیررسمی یا ساختمانی که در آنجا موضوعات مدنی یا سیاسی مورد بحث قرار می گرفت و هنوز به صورت نهاد مذهبی رسمی در نیامده بود. عیسی استدلال خود را با استفاده از قانون منطقی «از جزء به کل» بیان می کند که هم در منطق کلاسیک و هم در مباحث شرعی ربی های اولیه شناخته شده بود. کدامیک از شما... بلند کند، کاری که در زمان عیسی بسیار معمول بود (هر چند اسنیا با این دیدگاه مخالف بودند). این روایت با اولین اشاره به از بین بردن عیسی خاتمه می یابد.

۱۲: ۱۵-۲۱: عدالت و شفای جماعتی بسیار. ۱۷-۲۱: اش ۴۲: ۱-۹، هدف از این نقل قول، پاسخ به این سؤال پیروان آینده است: چرا عیسی بیشتر از آنچه بود شهرت نیافت و چرا در طی زندگی زمینی اش پیروان

اشعیای پیامبر گفته بود تحقق یابد:
 ۱۸ «اینک خادم من که برگزیده ام،
 محبوب من که خشنودی جان من است.
 روح خود را بر او خواهم گذاشت.
 و او عدالت را به امت ها نوید خواهد داد،
 ۱۹ مباحثه نخواهد کرد
 و فریاد بر نخواهد آورد
 و صدای او را کسی در میدان ها نخواهد شنید.
 ۲۰ نی خرد شده را نخواهد شکست
 و فتیله نیم سوز را خاموش نخواهد کرد
 تا عدالت را به پیروزی برساند
 ۲۱ و امت ها به نام او امید خواهند بست.»

عیسی و بعزبول

۲۲ آنگاه دیوانه ای کور و لال را به حضورش
 آوردند و او را شفا داد به طوری که حرف می زد و
 می دید. ۲۳ و تمام جماعت حیرت زده می گفتند:
 «آیا این پسر داود نیست؟» ۲۴ فریسیان چون
 شنیدند گفتند: «این مرد دیوها را بیرون نمی راند
 مگر به وسیله بعزبول، رئیس دیوها.»

۲۵ او افکار آنان را دانسته به آنان گفت: «هر
 مملکتی که بر ضد خود تجزیه شود ویران گردد و هر
 شهر و خانه ای که بر ضد خود تجزیه شود پایدار
 نخواهد ماند. ۲۶ و اگر شیطان را شیطان می راند بر

ضد خود تجزیه شده است، پس چگونه مملکت او
 پایدار خواهد ماند؟ ۲۷ و اگر من به وسیله بعزبول
 دیوها را می رانم پسران شما به وسیله چه کسی آنها
 را می رانند؟ به این سبب ایشان بر شما داوری
 خواهند کرد. ۲۸ ولی اگر من به وسیله روح خدا
 دیوها را می رانم پس فرمانروائی خدا بر شما
 فرار سیده است. ۲۹ یا چگونه کسی می تواند به خانه
 مردی توانا وارد شود و اموال او را بر باید اگر قبلاً
 آن توانا را نبسته باشد؟ و آنگاه خانه اش را تاراج
 کند. ۳۰ کسی که با من نیست بر ضد من است و آن
 که با من جمع نمی کند پراکنده می سازد. ۳۱ به این
 سبب به شما می گویم هر گناه و هر کفرگوئی بر
 آدمیان بخشیده خواهد شد ولی کفرگوئی علیه
 روح القدس بخشیده نخواهد شد. ۳۲ و آن که سخنی
 علیه پسر انسان بگوید بر او بخشیده خواهد شد ولی
 کسی که علیه روح القدس سخن بگوید بر او
 بخشیده نخواهد شد، نه در این جهان و نه در جهان
 آینده.

سخنان و دلها

۳۳ «فرض کنید درخت خوب باشد میوه اش خوب
 است، یا فرض کنید درخت بد باشد میوه اش بد
 است زیرا درخت را از میوه می شناسند. ۳۴ ای افعی
 زادگان! شما که بد هستید چگونه می توانید

بیشتری را به سوی خود جذب نکرد؟ پاسخ این است که چنین وضعیتی جزو نقشه خدا نبود. به علاوه، خدمت
 عیسی برای همه مردم است. امتهای، احتمالاً اشاره ای به ملتها است و نه غیریهودیان.

۲۲:۲۲-۳۲: عیسی و بعزبول (مر ۳: ۲۳-۳۰؛ لو ۱۱: ۱۴-۲۳؛ ۱۲: ۱۰). این روایت مربوطه به بیرون
 راندن دیوها فرصتی برای فریسیان فراهم می آورد تا عیسی را متهم سازند (۳۴: ۹). ۲۴: بعزبول، ر. ک
 ۱۰: ۲۵ توضیح. ۳۰: این موضوع همچنین در انجیل لوقا (۲۳: ۱۱) نیز یافت می شود، اما در مرقس وجود
 ندارد و شاید در اصل گفتاری مستقل بوده است. ۳۱-۳۲: سخن گفتن علیه روح القدس یعنی نسبت دادن
 اقتدار الهی به کسی غیر از روح خدا.

۳۳: ۳۷-۳۳: ۱۲: سخنان و نیات (لو ۴: ۴۴-۴۵؛ ر. ک مت ۷: ۱۶-۱۷). گفتار به عنوان شاهی بر شخصیت
 فرد، انسان را در معرض داوری و محکومیت قرار می دهد (ر. ک ۵: ۲۱-۲۲).

هجوم مجدد روح ناپاک

^{۴۳} «چون روح ناپاک از انسان بیرون آید در جاهای بی آب سرگردان است در حالی که آرامش می‌جوید و آن را نمی‌یابد. ^{۴۴} آنگاه می‌گوید به خانه خود بازخواهم گشت، از آنجایی که بیرون آمده‌ام و چون می‌آید آن را خالی، جاروب شده و آراسته می‌یابد. ^{۴۵} آنگاه می‌رود و هفت روح شریرتر از خود را با خود برداشته به آن وارد می‌شوند و در آنجا خانه می‌کنند و واپسین این انسان بدتر از اول می‌شود. برای این نسل شریر چنین خواهد بود.»

خویشاوندان واقعی عیسی

^{۴۶} در حالی که هنوز به جماعت سخن می‌گفت اینک مادرش و برادرانش در بیرون ایستاده می‌خواستند با او حرف بزنند. ^{۴۷} کسی به او گفت: «اینک مادرت و برادرانت در بیرون ایستاده می‌خواهند با تو حرف بزنند.» ^{۴۸} او در پاسخ به کسی که این را می‌گفت فرمود: «مادر من کیست و برادرانم کیستند؟» ^{۴۹} و دست خود را به سوی شاگردانش دراز کرده گفت: «اینک مادرم و برادرانم. ^{۵۰} زیرا هر که اراده پدر آسمانی مرا انجام می‌دهد او برادر و خواهر و مادر من است.»

چیزهای خوب بگویید؟ زیرا زبان از فزونی قلب سخن می‌گوید. ^{۳۵} آدم خوب از گنجینه خوب خود چیزهای خوب بیرون می‌کشد و آدم بد از گنجینه بد خود چیزهای بد بیرون می‌کشد. ^{۳۶} به شما می‌گویم هر سخن بی حاصل که آدمیان بگویند در روز داوری حسابش را خواهند داد. ^{۳۷} زیرا از سخنان عادل شناخته شده و از سخنان محکوم خواهی گردید.»

نشانه یونس

^{۳۸} آنگاه چند تن از کاتبان و فریسیان به او خطاب کرده گفتند: «استاد! می‌خواهیم نشانه‌ای از تو ببینیم.» ^{۳۹} او در پاسخ گفت: «نسل شریر و زناکار که در جستجوی نشانه‌ای است! . . . و نشانه‌ای به او داده نخواهد شد مگر نشانه یونس پیامبر. ^{۴۰} زیرا همان گونه که یونس سه شبانه روز در شکم ماهی بوده همچنین پسر انسان سه شبانه روز در بطن زمین خواهد بود. ^{۴۱} مردم نینوا به هنگام داوری با این نسل برخوانند خاست و او را محکوم خواهند نمود زیرا آنان به ندای یونس توبه کردند، در اینجا کسی برتر از یونس است. ^{۴۲} بلکه جنوب به هنگام داوری با این نسل قیام خواهد کرد و او را محکوم خواهد نمود زیرا او از اقصای زمین آمده بود تا حکمت سلیمان را بشنود، در اینجا کسی برتر از سلیمان است.»

۲۸:۴۲-۳۸:۱۲ در جستجوی یک نشانه (مر: ۸:۱۱-۱۲؛ لو: ۱۱:۱۶، ۲۹-۳۲؛ ر. ک مت ۱۶:۱-۴). ۳۹: زناکار، در کتاب مقدس عبری استعاره‌ای برای بی‌ایمانی و بی وفائی است (ار: ۸:۳؛ حزق: ۲۳:۳۷؛ هو: ۲:۲-۱۰). ۴۰: یون: ۱۷:۱. ۴۱: یون: ۳:۵. ۴۲: ملکه جنوب یعنی ملکه سبا (۱ پاد: ۱۰:۱-۱۰). ۴۳-۴۵: بازگشت روح ناپاک (لوقا: ۱۱:۲۴-۲۶). ۴۳: جاهای بی آب، یا بیابان که غالباً مسکن دیوها شمرده می‌شدند (لاو: ۱۶:۱۰؛ اش: ۱۳:۲۱-۲۲؛ ۳۴:۱۴). ۴۴: خانه، یعنی شخصی که قبلاً در تسخیر ارواح ناپاک بوده است. خالی، یعنی روح نیکو جای روح پلید را نگرفته است. ۴۶:۵۰-۴۶:۱۲ خانواده واقعی عیسی (مر: ۳۱-۳۵؛ لو: ۸:۱۹-۲۵). درک این سخن عیسی به عنوان نادیده گرفتن خانواده‌اش به خاطر شاگردانش، در تضاد عمیق با ارزشهای سنتی است.



چرا عیسی به مثل ها سخن می گوید

۱۰ و شاگردان پیش آمده به او گفتند: «چرا به مثل ها با آنان سخن می گویی؟» ۱۱ او در پاسخ به ایشان گفت: «زیرا دانستن رازهای ملکوت آسمان به شما داده می شود ولی به ایشان داده نشده است. ۱۲ زیرا به کسی که دارد خواهند داد و فراوان خواهد داشت ولی آن که ندارد حتی آنچه دارد از او گرفته خواهد شد. ۱۳ بدین سبب با ایشان با مثل ها سخن می گویم زیرا با نگاه کردن نمی بینند و با شنیدن نمی شنوند و نمی فهمند. ۱۴ و برای ایشان پیامبری اشعیا تحقق می یابد که «با گوشهای خود خواهید شنید و نخواهید فهمید و با چشمهای خود نگاه خواهید کرد و نخواهید دید. ۱۵ زیرا قلب این قوم سخت و گوششان سنگین شده است. و چشمان خود را بسته اند مبدا به چشمان خود ببینند و به گوشهای خود بشنوند و به قلب خود بفهمند و توبه کنند و من آنان را شفا دهم. ۱۶ اما شما، خوشا به چشمانتان زیرا می بینند و گوشهائیتان زیرا می شنوند. ۱۷ زیرا آمین به شما می گویم بسیاری از پیامبران و عادلان می خواستند آنچه را شما می بینید ببینند و ندیدند و آنچه را شما می شنوید بشنوند و نشنیدند.»

مثل های ملکوت

۱ در همان روز عیسی از خانه بیرون آمده در کنار دریا نشست. ۲ و جماعت بسیاری نزد او اجتماع کردند به طوری که سوار قایقی شده در آن نشست و جماعت در ساحل ایستاده بودند.

مثل بذر افشان

۳ و با آنان درباره چیزهای بسیاری به مثل ها صحبت کرده می گفت: «اینک برزگری برای بذر افشانی بیرون رفت. ۴ و چون بذر می افشانند دانه هایی در کنار راه افتادند و پرندگان آمده آنها را خوردند. ۵ و بعضی دیگر بر سنگلاخ افتادند که در آنجا خاک زیادی نبود و همان دم رشد کردند زیرا خاک عمق نداشت. ۶ آفتاب طلوع کرده سوختند و چون ریشه نداشتند خشک شدند. ۷ بعضی دیگر بر خارها افتادند و خارها رشد کرده آنها را خفه نمودند. ۸ بعضی دیگر بر زمین خوب افتادند و ثمر دادند، یکی صد، یکی شصت و یکی سی تا. ۹ هر که گوش دارد بشنود.»

۱۳:۵۲-۱: تعلیم به مثل ها. در این خطابه که سومین موعظه عیسی است، متی مثل های متعددی درباره حضور ملکوت در یک باب را گردآوری کرده است.

۱۳:۲-۱:۱۳: مثل های ملکوت (مرقس ۴:۱؛ لوقا ۸:۴). ۱: دریا، منظور دریای جلیل است.
۱۳:۹-۳:۱۳: مثل بذر افشان (مرقس ۴:۲-۹؛ لوقا ۸:۵-۸). ۳: منظور از مثل ها (عبری «مَثَل») ممکن است داستانها یا حکایات (حزق ۲۴:۲-۵)، ضرب المثل ها (۱ سمو ۲۴:۱۳) یا معما و چیستان (حزق ۱۷:۲) باشد. در مثل های داستانی، وضعیت موجود و موضوع مورد بحث مقایسه می شود (۲ سمو ۱۲:۱-۷؛ اش ۵:۱-۷). بذر استعاره ای برای شریعت خدا (۲ عزرا ۹:۳۱) و کسی است که آن را دریافت می کند (۲ عزرا ۸:۴۱-۴۴). برخی صد، بیانگر محصولی فوق العاده پر ثمر است (پید ۲۶:۱۲؛ یوئیل ۲۴:۱۵) که برای بذر گمشده در نظر گرفته شده است.

۱۳:۱۴-۱۷: دلیل سخن گفتن به مثل ها (مرقس ۴:۱۰-۱۲؛ لوقا ۱۰:۹-۱۰). اش ۶:۹-۱۰.

تفسیر مثل بذرافشان

پیش آمده به او گفتند: "خداوندا! مگر بذر خوب در مزرعه ات نیفشانده ای؟ پس از کجا تلخه دارد؟" ^{۱۸} به آنان گفت: "دشمن این کار را کرده است." ^{۱۹} بردگان به او گفتند: "آیا می خواهی برویم آنها را برچینیم؟" ^{۲۰} به ایشان گفت: "خیر! مبادا در برچیدن تلخه گندم را هم با آن از ریشه درآورید. ^{۲۱} بگذارید هر دو با هم تا وقت درو رشد کنند و آن وقت به دروکنندگان خواهیم گفت اول تلخه را برچینید و برای سوزاندن آنها را دسته دسته کنید و اما گندم را در انبار من بگذارید." ^{۲۲}

دانه خردل

^{۲۳} برایشان مثل دیگری آورده گفت: «ملکوت آسمان ها مانند دانه خردلی است که انسانی گرفته در مزرعه اش می کارد. ^{۲۴} این کوچکترین تمام بذرها است ولی چون رشد کرد در بین سبزی ها بزرگترین آنها است و درختی می شود به طوری که پرندگان آسمان می آیند و در شاخه هایش آشیانه می گیرند.» ^{۲۵}

خمیرمایه

^{۲۶} به ایشان مثل دیگری گفت: «ملکوت آسمان ها مانند خمیرمایه ای است که زنی آن را گرفته در سه پیمانه آرد پنهان می کند تا اینکه همه آن تخمیر شود.» ^{۲۷}

^{۱۸} «پس شما مثل بذرافشان را بشنوید. ^{۱۹} هر بار که کسی کلام ملکوت را می شنود و نمی فهمد، شریر آمده آنچه را در دلش بذرافشانی شده می رباید و او کسی است که در کنار راه بذرافشانی شده است. ^{۲۰} او که بر سنگلاخ بذرافشانی شده کسی است که کلام را می شنود و همان دم آن را با شادی می پذیرد ^{۲۱} ولی در خود ریشه ندارد بلکه موقتی است و اگر مصیبت یا شکنجه ای به خاطر کلام فرارسد همان دم دچار لغزش می شود. ^{۲۲} آن که در خارها بذرافشانی شده کسی است که کلام را می شنود و نگرانی این جهان و فریب ثروت، کلام را خفه می کند و بی ثمر می شود. ^{۲۳} آن که بر زمین خوب بذرافشانی شده کسی است که کلام را شنیده و می فهمد، او ثمر می آورد: یکی صد، یکی شصت و یکی سی ثمر می دهد.»

مثل تلخه

^{۲۴} و برای ایشان مثل دیگری آورده گفت: «ملکوت آسمان ها به انسانی می ماند که در مزرعه خود بذر خوب افشاند. ^{۲۵} ولی به هنگامی که مردم خوابیده بودند دشمنش آمده بذر تلخه در میان گندم افشاند و رفت. ^{۲۶} چون گیاه رشد کرد و ثمر آورد آنگاه تلخه نیز پدیدار شد. ^{۲۷} بردگان صاحب خانه

۱۳:۱۸-۲۳: تفسیر مثل بذرافشان (مر ۴: ۱۳-۲۰؛ لو ۸: ۱۱-۱۵). توضیحی که تنها برای شاگردان داده می شود.

۱۳: ۲۴-۳۳: سه مثل در مورد ملکوت پنهان.

۱۳: ۲۴-۳۰: مثل تلخه و گندم خاص انجیل متی است که به مخاطبان متی یادآوری می کند که محال است بتوان افراد نیک و بد را از هم جدا کرد (۷: ۱-۱۵، ۵-۲۰). ۳۰: دسته هایی که سوزانده می شوند، برزگر با تیزهوشی از دشمنانش به عنوان منبع سوخت استفاده می کند. ر.ک آیات ۳۶-۴۳.

۱۳: ۳۱-۳۲: مثل دانه خردل (مر ۴: ۳۰-۳۲؛ لو ۱۳: ۱۸-۱۹). پرندگان آسمان... شاخه ها، تصویری از فرمانروائی خدا بر سلطنت های زمینی است (حزق ۱۷: ۲۳-۲۴).

۱۳: ۳۳: مثل خمیرمایه (لو ۱۳: ۲۰-۲۱). پنهان می کند یعنی مخلوط می سازد، این تصویر غیرمعمول از استعاره پختن نان، بر حضور ملکوت در دنیا تأکید دارد. سه پیمانه، در حدود ۲۳ لیتر؛ ر.ک پید ۱۸: ۱۶.

گنج پنهانی و مروارید

^{۴۴} ملکوت آسمان ها مانند گنجی است که در مزرعه ای پنهان شده است. مردی آن را یافته پنهان می کند و با شادی می رود و هر آنچه دارد می فروشد و این مزرعه را می خرد. ^{۴۵} باز ملکوت آسمان ها مانند تاجری است که مروارید های زیبا می جوید. ^{۴۶} چون مروارید بسیار گرانبهائی یافت، رفته هر چه داشته فروخت و آن را خرید.

تور ماهیگیری

^{۴۷} «باز ملکوت آسمان ها مانند تور ماهیگیری است که به دریا افکنده شده هر نوع ماهی جمع می کند. ^{۴۸} وقتی پر شد آن را به ساحل بالا می کشند و نشسته در میان سبدها هر چه خوب است برمی دارند ولی هر چه بد است دور می اندازند. ^{۴۹} در پایان جهان چنین خواهد بود. فرشتگان خواهند رسید و شریران را از عادلان جدا خواهند کرد. ^{۵۰} و آنان را در کوره آتش خواهند افکند، جایی که گریه ها و فشردن دندان ها خواهد بود.

نتیجه

^{۵۱} آیا همه اینها را فهمیدید؟ ایشان به او گفتند: «آری!» ^{۵۲} به ایشان گفت: «بدین سبب هر کاتبی که برای ملکوت آسمان ها تعلیم یابد مانند

دلیل دیگری برای سخن گفتن به مثل ها

^{۳۴} عیسی تمام اینها را به مثل ها به جماعت گفت و بدون مثل چیزی به آنان نمی گفت. ^{۳۵} تا آنچه پیامبر گفته بود تحقق یابد: «دهانم را به مثل ها باز خواهم کرد، چیزهایی که از بنیاد جهان پنهان بوده است آشکار خواهم نمود.»

توضیح مثل تلخه

^{۳۶} آنگاه جماعت را ترک کرده به خانه آمد و شاگردانش نزد وی آمده گفتند: «مثل تلخه در مزرعه را برایمان شرح بده!» ^{۳۷} وی در پاسخ گفت: «آن که بذر خوب می افشاند پسر انسان است. ^{۳۸} مزرعه جهان است، بذر خوب پسران ملکوت هستند و تلخه پسران شریر می باشند. ^{۳۹} دشمنی که آن را افشانده ابلیس است، فصل درو پایان جهان و درو کنندگان فرشتگانند. ^{۴۰} پس همچنان که تلخه برچیده شده در آتش سوخته می شود به همین گونه در پایان جهان خواهد بود. ^{۴۱} پسر انسان فرشتگان خود را خواهد فرستاد و آنها همه لغزش دهندگان و بدکاران را از ملکوت او جمع خواهند کرد. ^{۴۲} و آنان را در کوره آتش خواهند افکند، جایی که گریه ها و فشردن دندان ها خواهد بود. ^{۴۳} آنگاه عادلان در ملکوت پدرشان چون خورشید خواهند درخشید. هر که گوش دارد بشنود.

۱۳: ۳۴-۳۵: (مر ۳۳-۳۴). مز ۷۸: ۲. پیامبر، منظور آساف نویسنده مزمور ۷۸ است که در ۲ تو ۲۹: ۳۰ «رویابین» نامیده شده است.

۱۳: ۳۶-۴۳: توضیح مثل تلخه. عیسی تفسیری مکاشفه ای از مثل تلخه و گندم ارائه می دهد (ر. ک ۲ بار ۷۰: ۲). ۳۷: پسر انسان، ر. ک ۸: ۲۰ توضیح. ۳۹: پایان جهان، شکاف قطعی و نهائی بین یک دوره و دوره بعد از آن، یا پایان دنیا در هنگام داوری نهائی. ۴۳: دان ۱۲: ۳.

۱۳: ۴۴-۵۰: سه مثل دیگر درباره ملکوت. دو مثل اول - گنج و مروارید - بیانگر ارزش خارج از حساب ملکوت هستند و سومی نیز مثل مکاشفه ای دیگری است. ۵۱-۵۳: کاتبی که برای ملکوت تعلیم یافته، شاید



ارباب خانه ای است که از گنجینه خود چیزهای نو و کهنه بیرون می کشد.»

قتل یحیی تعمید دهنده

(مرقس ۶: ۱۴-۲۹؛ لوقا ۹: ۷-۹؛ ۳: ۱۹-۲۰)

^۱ در آن وقت هیروдіس تیتزارک درباره عیسی شنید. ^۲ و به اطرافیان خود گفت: «این یحیی تعمید دهنده است که از میان مردگان برخاسته و برای همین قدرتها از او ظهور می کنند.» ^۳ درواقع هیروдіس به خاطر هیروдіا، زن برادرش فیلیپس، یحیی را دستگیر و او را بند نهاده به زندان انداخته بود. ^۴ زیرا یحیی به او می گفت: «برای تو جایز نیست او را داشته باشی.» ^۵ و با این که می خواست او را بکشد از جمعیت می ترسید، چون او را پیامبر می دانستند. ^۶ چون سالروز تولد هیروдіس شد، دختر هیروдіا در میان رقصید و هیروдіس را خوش آمد. ^۷ لذا با سوگند متعهد شد آنچه بخواهد به او بدهد. ^۸ و او تحت تأثیر مادرش گفت: «همین جا سر یحیی تعمید دهنده را بر روی یک سینی به من بده.» ^۹ پادشاه هر چند غمگین شد به علت سوگندهایش و میهمانان دستور داد آن را به او بدهند. ^{۱۰} و فرستاد تا سر یحیی را در زندان ببرند. ^{۱۱} سر او را بر روی سینی آورده به دختر جوان دادند

نپذیرفتن عیسی در ناصره

(مرقس ۶: ۱-۶؛ لوقا ۴: ۱۶-۲۴)

^{۵۳} پس چون عیسی این مثل ها را به پایان رسانید آنجا را ترک نمود. ^{۵۴} و به موطن خود آمده در کنیسه هایشان به ایشان تعلیم می داد به نحوی که حیرت زده می گفتند: «این حکمت و اعمال مقتدرانه از کجا به او می رسد؟ ^{۵۵} آیا او پسر آن نجار نیست؟ مگر مادرش مریم نامیده نمی شود؟ و برادرانش یعقوب و یوسف و شمعون و یهوذا نیستند؟ ^{۵۶} و آیا خواهرانش همگی نزد ما نیستند؟ پس همه اینها از کجا به او می رسد؟» ^{۵۷} و درباره او دچار لغزش می شدند ولی عیسی به ایشان گفت: «هیچ پیامبری بی حرمت نباشد مگر در موطن خود و خانه خویش.» ^{۵۸} و در آنجا به سبب بی ایمانی ایشان معجزات زیادی نکرد.

اشاره ای به سابقه خود انجیل نگار باشد (در مورد کاتبان مسیحی ر. ک ۲۳: ۳۴). تازه یعنی تعلیم عیسی و کهنه یعنی تورات.

۵۴: ۵۸-۵۹: ۱۳: نپذیرفتن عیسی در ناصره (مرقس ۶: ۱-۶؛ لوقا ۴: ۱۶-۳۰؛ یوحنا ۴: ۴۴). رد کردن عیسی در موطن خود ناصره، واقعه ای مهم در انانجیل بشمار رفته است. جریان به گونه ای است که باعث مخالفت با عیسی و جنبش او در جلیل می گردد. خصومت آشکار به زودی فرامی رسد.

۱۴: ۱۲-۱۱: ۱۴: مرگ یحیی تعمید دهنده (مرقس ۶: ۱۴-۲۹). جزئیات مرگ یحیی به طور مفصل در اثر یوسفوس، جنگها ۱۸: ۱۰۹-۱۱۹ آمده است. همچنین طبق توصیف یوسفوس، جدائی هیروдіس از همسرش به خاطر ازدواج با هیروдіا موجب جنگی خونین بین هیروдіس و پدر زن سابقش آرتاس چهارم، پادشاه نبطیه گردید، جنگی که هیروдіس در آن شکست خورد. ۱: هیروдіس آنتیپاس، پسر هیروдіس کبیر. تیتزارک یا فرماندار، قلمرو هیروдіس کبیر پس از مرگ وی به چند قلمرو کوچکتر تجزیه شد و آنتیپاس فرماندار جلیل و پره گردید. ۴: ازدواج با زن برادر در شریعت منع شده است (لاوا ۱۸: ۱۶؛ ۲۰: ۲۱). ۶: دختر، یعنی سالومه

که برای مادرش بُرد. ^{۱۲} و شاگردان یحیی پیش آمده جسد را برداشته دفن کردند و سپس به عیسی خبر دادند.

عیسی پنج هزار مرد را خوراك می دهد

^{۱۳} چون عیسی این را شنید با قایق آنجا را ترک نموده، به جانب صحرا کناره گرفت و جماعت که آن را شنیده بودند از شهرهای مختلف پیاده به دنبالش آمدند. ^{۱۴} و چون بیرون آمد جمعیت بسیاری را دید و بر آنان ترحم نمود و دردمندان را شفا داد. ^{۱۵} چون شب فرارسید شاگردان نزد او آمده گفتند: «اینجا صحرا است و هم اکنون وقت گذشته است، پس جماعت را روانه کن تا به روستاها رفته برای خود خوراکی بخرند.» ^{۱۶} عیسی به ایشان گفت: «نیازی نیست مردم بروند، خودتان چیزی به ایشان بدهید تا بخورند.» ^{۱۷} به او گفتند: «در اینجا غیر از پنج نان و دو ماهی چیزی نداریم.» ^{۱۸} گفت: «آنها را اینجا نزد من بیاورید.» ^{۱۹} و پس از آن که به جماعت دستور داد بر روی سبزه زار بنشینند، پنج نان و دو ماهی را گرفته به سوی آسمان نگریست و دعای برکت خواند، آنها را پاره

کرده آنها را به شاگردان داد و شاگردان به جماعت. ^{۲۰} و همه خوردند و سیر شدند و پاره های مانده را که دوازده سبد پُر می شد برداشتند. ^{۲۱} آنان که خوردند در حدود پنج هزار نفر، بدون احتساب زنان و کودکان بودند.

عیسی بر روی دریا راه می رود

^{۲۲} و همان دم به شاگردانش دستور داد سوار قایق شده و در مدتی که او جماعت را روانه می کند به سوی ساحل دیگر بروند. ^{۲۳} و چون جماعت را روانه کرد برای نیایش به تنهایی به کوه بالا رفت. شب فرارسید و او در آنجا تنها بود. ^{۲۴} در این هنگام قایق به فاصله زیادی از خشکی دور شده تماماً گرفتار امواج بود زیرا باد مخالف می وزید. ^{۲۵} در پاس چهارم شب، عیسی بر روی دریا راه رفته نزد ایشان آمد. ^{۲۶} شاگردان چون او را دیدند که بر دریا پیش می آید ترسان شده می گفتند: «شبحی است» و از ترس فریاد برآوردند. ^{۲۷} ولی همان دم عیسی به سخن درآمده به ایشان گفت: «شجاع باشید! من هستم، مترسید.» ^{۲۸} پطرس در پاسخ به او گفت: «خداوند! اگر تو هستی دستور بده که بر آبها نزد

(یوسفوس، جنگها ۱۸:۱۳۶). ^{۱۲}: شجاعت شاگردان یحیی برای درخواست جسد معلم خود به جهت دفن کردن درست برعکس رفتار پیروان عیسی است (متی ۲۷:۵۷ از یوسف رامة ای به عنوان شاگرد عیسی نام می برد).

^{۱۴}:۱۳-۲۱: خوراك معجزه آسا (مر ۳۰:۴۴؛ لو ۱۰:۱۷؛ یو ۱:۱۵؛ ر. ک مت ۱۵:۳۲-۳۹). در اینجا مخاطب انجیل ناخودآگاه، انتظار برای ضیافت مسیحائی را با جشن هیرودیس مقایسه می کند. ^{۱۳}: مرگ یحیی تأثیری عمیق بر عیسی نهاد. ^{۱۹}: به سوی آسمان نگریست، برکت داد، پاره کرد و داد، بیانگر زمینه ای جمعی و نیایشی از همان ابتدا برای کلیسای اولیه است. عیسی این اعمال را بار دیگر در شام آخر انجام می دهد (۲۶:۲۶). ^{۲۱}: پنج هزار مرد، به شیوه شمارش بنی اسرائیل در بیابان اشاره دارد (خروج ۱۲:۳۷). ^{۱۴}:۲۲-۳۳: اقتدار و تسلط عیسی بر طبیعت (مر ۴۵:۵۲؛ یو ۶:۱۵-۲۱). ^{۲۵}: در پاس چهارم شب، یعنی صبح خیلی زود بین ساعت ۳ و ۶ صبح. ^{۲۷}: من هستم، اشاره ای به نام خدا (خروج ۳:۱۴) و یکی بودن عیسی با خدا است. ^{۲۸}: ۳۱-۳۱: متی با روایت این واقعه، یادی از پطرس می کند. فریاد پطرس نیز انعکاس مز ۶۹:۱-۳ است. ^{۳۱}: ر. ک ۸:۲۶؛ ۶:۳۰.

تو بیایم.»^{۲۹} گفت: «بیا!» و پطرس از قایق پایین آمده، بر آبها راه رفته نزد عیسی آمد.^{۳۰} ولی با دیدن باد ترسید و چون شروع به فرو رفتن می کرد فریاد کشید: «خداوندا! مرا نجات ده.»^{۳۱} همان دم عیسی دست خود را دراز کرده او را گرفت و به او گفت: «ای کم ایمان! چرا شک کردی؟»^{۳۲} و چون سوار قایق شدند باد فرو نشست.^{۳۳} کسانی که در قایق بودند در برابر او زانو زده گفتند: «به راستی تو پسر خدا هستی!»

شفای در جنیسارت

^{۳۴} و پس از عبور از دریا، در جنیسارت به خشکی قدم گذاشتند.^{۳۵} و اهالی آن محل با شناختن او فرستاده به تمام آن سرزمین خبر دادند و تمام مریضان را نزد وی آوردند.^{۳۶} و از او درخواست می کردند فقط اجازه دهد حاشیه ردایش را لمس کنند و همه کسانی که آن را لمس کردند بهبودی کامل یافتند.

۱۵

مجادله درباره سنت

^۱ آنگاه فریسیان و کاتبانی از اورشلیم نزد عیسی آمده گفتند: ^۲ «چرا شاگردان تو از سنت مشایخ

تخلف می کنند، زیرا وقتی غذا می خورند دستهای خود را نمی شویند.»^۳ در پاسخ به ایشان گفت: «و شما چرا به خاطر سنت خودتان از حکم خدا تخلف می کنید؟^۴ زیرا خدا گفته است: به پدر و مادر احترام بگذار» و «هر که به پدر یا مادرش توهین کند البته کشته شود.^۵ اما شما می گوئید: "هر کسی به پدر یا مادرش بگوید: هر بهره ای که می توانستی از من ببری همان قربانی است." و دیگر موظف به احترام پدر یا مادرش نخواهد بود و شما کلام خدا را به خاطر سنت خود باطل کرده اید.^۷ ریاکاران! اشعیا چه خوب در مورد شما پیامبری کرده است:

^۸ این قوم مرا به زبان احترام می کند ولی دلشان از من بسیار دور است.
^۹ بیهوده مرا عبادت می کنند زیرا تعلیمی که می دهند احکام انسانها است.»

پاکی و ناپاکی

^{۱۰} و جماعت را به سوی خود خوانده به ایشان گفت: «گوش کنید و بفهمید.^{۱۱} نه آنچه به دهان وارد می شود انسان را آلوده می کند بلکه آنچه از دهان برمی آید انسان را آلوده می سازد.»^{۱۲} آنگاه شاگردان پیش آمده به او گفتند: «آیا می دانی که با شنیدن این سخن فریسیان دچار لغزش می شوند؟»

۱۴:۳۶-۳۴: شفاهای متعدد در جنیسارت (مر ۵۳:۵۶). جنیسارت، منطقه ای در ساحل شمال غربی دریای جلیل (که گاهی دریاچه جنیسارت نامیده می شود).

۱۵:۹-۱:۷: مجادله بر سر سنت (مر ۱۳:۱-۷). عیسی وارد مباحثه ای شرعی می گردد. چنین مباحثاتی تا دوران متی نیز ادامه یافت.^۲ سنت مشایخ، قوانین و دستوراتی که نوشته های تورات وجود ندارند (یوسفوس، جنگها ۱۳:۲۹۷). شستن، مر ۴:۷؛ لو ۱۱:۳۸. ۴: خروج ۱۲:۲۰؛ تث ۵:۱۶؛ لاو ۲۰:۹. ۵: سنت متأخر ربی ها اذعان می دارد که ضرورت حمایت از والدین، چنین تعهدی را مردود می شمارد. ۸-۹: اش ۱۳:۲۹ (در متن هفتاد تنان).

۱۵:۲۰-۱۰:۷: بحث درباره پاکی و ناپاکی (مر ۷:۱۴-۲۳). ۱۱: آلوده می کند، یعنی ناپاک می سازد و از این رو نمی تواند در پرستش قوم در معبد شرکت نماید. فهرست غذاهای ناپاک (نجس) در لاو ۱۱ آمده

پشت سر ما فریاد می‌زند.»^{۲۴} در پاسخ گفت: «من جز برای گوسفندان گمشده خاندان اسرائیل فرستاده نشده‌ام.»^{۲۵} اما زن آمده در برابرش زانو زده می‌گفت: «خداوندا! به من کمک کن.»^{۲۶} در پاسخ گفت: «خوب نیست که نان فرزندان را گرفته جلوی سگها انداخت.»^{۲۷} او گفت: «آری ای خداوندا! اما البته سگها خرده نانهای را که از سفره اربابشان می‌افتد می‌خورند.»^{۲۸} آنگاه عیسی به سخن درآمده گفت: «ای زن! ایمان تو عظیم است! آنچه می‌خواهی برای تو انجام شود!» و دخترش از آن ساعت شفا یافت.

شفا یافتن در کنار دریاچه

^{۲۹} و عیسی آنجا را ترک کرده به ساحل دریای جلیل آمد و به کوه بالا رفته در آنجا نشست.^{۳۰} و انبوه مردمان بسیاری به سویش آمده و لنگان، علیلان، کوران، لالان و بسیاری دیگر را با خود آوردند و آنان را به پاهای او انداختند و آنان را شفا داد.^{۳۱} به طوری که جماعت حیرت زده بودند چون می‌دیدند که لالان حرف می‌زنند، علیلان بهبود می‌یابند، لنگان راه می‌روند و کوران می‌بینند و خدای اسرائیل را تجلیل کردند.

^{۱۳} در پاسخ گفت: «هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته است ریشه کن خواهد شد.^{۱۴} ایشان را واگذارید. اینان کورانی راهنمای کورانند. و البته اگر کوری راهنمای کوری باشد هر دو در گودالی خواهند افتاد.»^{۱۵} پطرس شروع به سخن کرده به او گفت: «این مثل را برای ما توضیح بده.»^{۱۶} او گفت: «آیا هنوز شما نیز بی ادراک هستید؟^{۱۷} آیا درک نمی‌کنید هر چه به دهان وارد می‌شود از شکم گذشته به مبرز افکنده می‌شود؟^{۱۸} ولی آنچه از دهان خارج می‌شود از دل برمی‌آید و این است که انسان را آلوده می‌کند.^{۱۹} زیرا نیات بد، قتل‌ها، زناها، روسپیگری‌ها، دزدی‌ها، شهادت‌های دروغ و کفرگویی‌ها از قلب بیرون می‌آید.^{۲۰} این است که انسان را آلوده می‌کند، ولی غذا خوردن با دستهای ناشسته انسان را آلوده نمی‌کند.»

ایمان زن کنعانی

^{۲۱} و عیسی از آنجا بیرون شده به ناحیه صور و صیدون رفت.^{۲۲} و اینک زنی کنعانی از این قلمرو بیرون آمده فریاد می‌زد: «خداوندا! ای پسر داود! بر من رحم کن، دخترم سخت دیوانه است.»^{۲۳} به او یک کلمه جواب نداد و شاگردانش پیش آمده از او تقاضا کرده می‌گفتند: «او را روانه کن! زیرا

است. ۱۳: اش ۶۰:۲۱. ۱۵: مثل، به مفهوم گفتار یا فرمان. ۱۹: عیسی قبلاً (آیه ۴) به فرمان پنجم از ده فرمان (خروج ۲۰:۱۲) اشاره کرده بود؛ در اینجا بعد از ذکر «نیات پلید» به فرمان ششم (قتل، خروج ۲۰:۱۳): هفتم (زنا یا روسپیگری، خروج ۲۰:۱۴): هشتم (دزدی، خروج ۲۰:۱۵): و نهم (شهادت دروغ یا تهمت، خروج ۲۰:۱۶) اشاره می‌کند.

۲۱: ۲۸-۲۱: ۱۵: زن کنعانی و دخترش (مر ۷: ۲۴-۳۰). ۲۱: ناحیه صور و صیدون، فنیقیه، بخشی از استان رومی سوریه. ۲۲: پسر داود، عنوانی مسیحائی. حتی اگر چه این زن یهودی نیست اما عیسی را به عنوان مسیح موعود یهودیان خطاب می‌کند. ۲۴: ر. ک ۱۰: ۶ توضیح. ۲۵-۲۸: این زن با اصرار و التماس که حاکی از ذکاوت او است از عیسی دست برنمی‌دارد. سگها، واژه‌ای توهین آمیز است، ر. ک ۷: ۶ توضیح. انجام شود، همانند مورد سنتوریون (۸: ۵-۱۳)، عیسی فردی غیریهودی را از فاصله دور شفا می‌دهد. ۱۵: ۲۹-۳۱: شفاهای دیگر (مر ۷: ۳۱).

﴿ ۱۶ ﴾

نشانه های زمان

۱ و فریسیان و صدوقیان پیش آمده برای اینکه او را امتحان کنند از او خواستند نشانه ای از آسمان به ایشان نشان دهد. ۲ وی در پاسخ آنان گفت: «شامگاه می گوید هوا خوب است زیرا آسمان سرخ فام است. ۳ و بامداد می گوئید امروز هوا طوفانی، زیرا آسمان سرخ و گرفته است. شما می دانید چهره آسمان را به خوبی تشخیص دهید ولی نشانه های زمانها را نمی توانید. ۴ نسل شریر و زناکار که نشانه ای می جوید...! و هیچ نشانه ای جز نشانه بونس به او داده نخواهد شد.» و آنان را ترک کرده رفت.

خمیرمایه فریسیان و صدوقیان

۵ و چون به ساحل دیگر رفتند، شاگردانش فراموش کردند با خود نان بردارند. ۶ عیسی به ایشان گفت: «زنهار! از خمیرمایه فریسیان و صدوقیان برحذر باشید!» ۷ و ایشان با خود استدلال کرده می گفتند: «برای آن است که نان نیاورده ایم.» ۸ عیسی متوجه شده گفت: «چرا با خود بحث می کنید ای کم ایمانان! درباره این که نان ندارید؟ ۹ هنوز درک نمی کنید و آن را به خاطر

عیسی به چهار هزار مرد غذا می دهد

۳۲ عیسی شاگردانش را نزد خود فراخوانده گفت: «برای این مردمان به رحم آمده ام زیرا اکنون سه روز است که نزد من مانده اند و چیزی برای خوردن ندارند و نمی خواهم آنان را روزه دار روانه کنم مبادا در راه ضعف کنند.» ۳۳ و شاگردان به او گفتند: «چگونه می توانیم در صحرا نان کافی داشته باشیم تا چنین جمعیتی را سیر کنیم؟» ۳۴ و عیسی به ایشان گفت: «چند تا نان دارید؟» گفتند: «هفت نان و چند ماهی کوچک.» ۳۵ و پس از آن که به جمعیت دستور داد بر روی زمین بنشینند، ۳۶ هفت نان و ماهی ها را گرفت و شکرگزاری کرده آنها را پاره کرد و به شاگردانش می داد و شاگردان به جماعت. ۳۷ و همگی خوردند و سیر شدند و پاره هایی که مانده بود جمع کردند: هفت سبد پر! ۳۸ باری آنان که خوردند، بدون احتساب زنان و کودکان، چهار هزار مرد بودند. ۳۹ و پس از روانه کردن جماعت سوار قایق شده به قلمرو مجدل آمد.

۳۲-۳۹: دومین خوراک معجزه آسا (مر: ۸: ۱-۱۰؛ ر. ک مت ۱۴: ۱۳-۲۱). این روایت همانند روایت اولین خوراک معجزه آسا در ۱۴: ۱۳-۲۱ است و همان بیان پرستشی را دارد. چنین تکراری که در ادبیات قدیم رایج بود به منظور تأکید بر موضوع است. این دو غذا دادن در صحرا، پژواک دو روایت غذا دادن به بنی اسرائیل در بیابان است (خروج ۱۶: اعدا ۱۱). ۳۹: مجدل، بر ساحل غربی دریای جلیل واقع بود؛ ر. ک مر: ۸: ۱۰ توضیح.

۱۶: ۴-۱: مجادله با فریسیان و صدوقیان (مر: ۸: ۱۱-۱۳؛ من ۱۲: ۳۸-۳۹؛ لو: ۱۶: ۱۶، ۲۹؛ ۵۴: ۵۶). ۱: فریسیان و صدوقیان، ر. ک ۳: ۷ توضیح. ۳: نشانه های زمانها، شاید اشاره به چیزهایی که در ۱۵: ۲۹-۳۱ آمده است. ۴: ۱۲: ۳۹-۴۱؛ یو: ۴: ۵.

۱۶: ۵-۱۲: خمیرمایه فاسد (مر: ۸: ۱۴-۲۱؛ لو: ۱۲: ۱-۶). ۵: ساحل دیگر، ساحل شرقی دریای جلیل. ۶: خمیرمایه، در سنت کتاب مقدس تصویری از ضایع شدن و از این رو به مفهوم شریر است. در لاو: ۱۱: ۲ تقدیم هر گونه نان آلوده به خمیرمایه منع شده است. ۹: ۱۴: ۱۵-۲۱. ۱۰: ۱۵: ۳۲-۳۸.

نمی‌آورید؟ پنج نان برای پنج هزار نفر و چند سبد که برداشتید؟^{۱۰} یا آن هفت نان برای چهار هزار نفر و چند سبد که جمع کردید؟^{۱۱} چگونه درک نمی‌کنید؟ در مورد نانها نیست که به شما گفتم از خمیر مایه فریسیان و صدوقیان برحذر باشید.»^{۱۲} آنگاه فهمیدند که نگفته بود از خمیرمایه نان بلکه از تعلیم فریسیان و صدوقیان برحذر باشند.

پطرس، عیسی را پسر خدا می‌داند

^{۱۳} چون عیسی به ناحیه قیصریه فیلیپس آمد از شاگردانش سؤال کرده گفت: «به گفته مردم پسر انسان کیست؟»^{۱۴} گفتند: «بعضی می‌گویند یحیی تعمید دهنده، بعضی الیاس و بعضی دیگر ارمیا یا یکی از پیامبران.»^{۱۵} به آنان گفت: «اما در نظر شما من کیستم؟»^{۱۶} شمعون پطرس به سخن درآمده گفت: «تو مسیح، پسر خدای زنده هستی.»^{۱۷} عیسی در جواب او گفت: «خوشا به حال تو ای شمعون پسر

یونا! زیرا جسم و خون این را بر تو مکشوف نکرده بلکه پدرم که در آسمان است.^{۱۸} و من به تو می‌گویم که تو پطرس [صخره] هستی و بر این صخره کلیسای خود را بنا خواهم کرد و درهای وادی مردگان بر آن استیلا نخواهد یافت.^{۱۹} کلیدهای ملکوت آسمان را به تو خواهم داد و آنچه را بر زمین ببندی در آسمان بسته خواهد بود و آنچه را بر زمین باز کنی در آسمان باز خواهد شد.»^{۲۰} آنگاه به شاگردان سفارش کرد به کسی نگویند که او مسیح است.

عیسی رنج و مرگ و رستاخیز خود را اعلام می‌کند

^{۲۱} از آن پس عیسی شروع به آگاه کردن شاگردانش نمود که بایستی به اورشلم بروند و از سوی مشایخ و کاهنان اعظم و کاتبان رنج بسیار بکشند و کشته شوند و در روز سوم قیام کنند.^{۲۲} و پطرس او را کنار کشیده سرزنش کنان به او گفت:

۱۳:۱۳-۲۰: اعتراف پطرس در قیصریه فیلیپس (مر: ۲۷:۸-۳۳؛ لو: ۹:۱۸-۲۲). ۱۳: قیصریه فیلیپس، بانیاس کنونی که در ابتدا توسط هیروودیس کبیر در منتهی‌الیه شمال وادی هولاً در نزدیکی مرز کنونی اسرائیل و سوریه ساخته شد. در قرن اول در این شهر زیارتگاهی برای خدای پان و معبدی برای آگوستوس امپراتور روم وجود داشت. پسر انسان، ر.ک ۸:۲۰ توضیح. ۱۴: منظور شاگردان این است که مردم عمدتاً عیسی را به دیده پیامبر می‌نگریستند. ۱۶: جواب پطرس ترکیبی از یک عنوان سنتی یهودی و یک لقب مرسوم یونانی است. ماشیح (مسیح) در زبان عبری به معنی «مسح شده» و عنوانی برای پادشاه است (۱ پاد: ۳۹). پسر خدا، لقبی یونانی برای حاکمان یا رهبران دینی بود که مخصوصاً مورد علاقه آگوستوس، اولین امپراتور روم و حامی هیروودیس کبیر بود. به هر صورت در سنت عبری نیز این عنوان، لقب دیگری برای پادشاهان بشمار می‌رفت (مز: ۷:۷). ۱۷: جسم و خون، یعنی نقش انسان که در تضاد با عمل خدا است (ر.ک غلا: ۱۷). ۱۸: پطرس... صخره، در زبان یونانی، به روشنی پیداست که عیسی با کلمات بازی می‌کند و این موضوع در زبان آرامی حتی بیشتر مشهود است («کیفا» هم برای پطرس و هم برای صخره). ۱۹: کلیدها، نماد اقتدار (ر.ک اش ۲۲:۲۲، «کلید خانه داود»). بستن... باز کردن، اصطلاحات قضائی به معنی «منع کردن» و «اجازه دادن». این طرز بیان، اقتدار تعلیم پطرس را در مقابل تعلیم کاتبان و فریسیان قرار می‌دهد (ر.ک ۱۳:۲۳). در ۱۸:۱۸ همین اقتدار به تمام رسولان داده شده است.

۲۱:۲۱-۲۳: اولین اعلام و سرزنش پطرس (مر: ۳۱-۳۳؛ لو: ۲۲). ۲۱: پطرس، به عنوان نماینده شاگردان، نشان می‌دهد که آنان سختی‌ها و مشکلات شاگردی را درک نمی‌کنند (ر.ک ۵:۱۰-۱۲). ۲۱: اولین اعلام عیسی مبنی بر رنج و مرگ و رستاخیز خود در انجیل متی؛ ر.ک ۱۷:۲۲-۲۳؛ ۲۰:۱۷-۱۹. ۲۲: سرزنش یا



تجلی عیسی

^۱ بعد از شش روز عیسی، پطرس و یعقوب و برادرش یوحنا را برداشته آنان را جداگانه با خود بر کوهی بلند برد. ^۲ و در برابر ایشان تجلی یافت، صورتش چون خورشید می درخشید و لباسش مانند نور سفید شد. ^۳ و اینک موسی و الیاس بر آنان ظاهر شدند در حالی که با عیسی سخن می گفتند. ^۴ پطرس رو به عیسی کرده گفت: «خداوند، بودن ما در اینجا نیکو است. اگر بخواهی در اینجا سه خیمه برپا کنم، یکی برای تو، یکی برای موسی و یکی برای الیاس.» ^۵ در حالی که هنوز سخن می گفت نگاه ابر درخشانی آنان را به زیر سایه خود گرفت و اینک صدایی از ابر آمده می گفت: «این است پسر من، آن محبوب که از او خوشنودم. او را بشنوید.» ^۶ و شاگردان با شنیدن این، به روی درافتاده بسیار ترسیدند. ^۷ و عیسی پیش آمده، آنان را لمس نمود و گفت: «برخیزید و مترسید!» ^۸ و چون چشمها را بلند کردند جز عیسی کسی را ندیدند. ^۹ و چون از کوه پایین می آمدند عیسی به ایشان فرمان داده گفت: «تا هنگامی که پسرانسان

«حاشا ای خداوند! این هرگز بر تو واقع نخواهد شد.» ^{۲۳} ولی عیسی برگشته به پطرس گفت: «برو پشت سر من، ای شیطان! تو باعث لغزش من هستی زیرا افکار تو نه از خدا، بلکه انسانی است.»

شرایط پیروی از عیسی

^{۲۴} آنگاه عیسی به شاگردانش گفت: «اگر کسی می خواهد مرا پیروی نماید بایستی خود را انکار کند و صلیب خود را برداشته به دنبال من بیاید. ^{۲۵} زیرا کسی که می خواهد جان خود را نجات دهد آن را از بین خواهد برد ولی کسی که جان خود را به خاطر من از دست بدهد آن را خواهد یافت. ^{۲۶} و چه نفعی برای انسان دارد اگر همه دنیا را ببرد ولی جان خود را ببازد؟ یا انسان در عوض جان خود چه دارد بدهد؟ ^{۲۷} زیرا پسر انسان در جلال پدر خود با فرشتگانش خواهد آمد و آنگاه به هر کسی برابر رفتارش بازخواهد داد. ^{۲۸} آمین به شما می گویم که در اینجا کسانی حاضر هستند که مرگ را نخواهند چشید پیش از آن که آمدن پسر انسان را با ملکوتش ببینند.»

نهیب، معمولاً در اناجیل برای ارواح پلید و دیوها بکار رفته است. ^{۲۳}: شیطان، دشمن یا وسوسه کننده. ^{۲۴:۲۸-۲۴:۲۸}: شرایط شاگردی (مر ۸:۳۴-۹:۱؛ لو ۹:۲۳-۲۷؛ ر. ک مت ۱۰:۳۳، ۳۸-۳۹). ^{۲۷}: به هر کسی باز خواهد داد، مز ۶۲:۱۲.

^{۱۷:۹-۱۷:۹}: تجلی یا تبدیل هیئت عیسی (مر ۹:۲-۹:۹؛ لو ۹:۲۸-۳۶). ^۱: شش روز، ر. ک خروج ۲۴:۱۶. پطرس، یعقوب و یوحنا اغلب به عنوان حلقه درونی و نزدیک شاگردان نام برده شده اند. کوه بلند، شاید کوه حرمون در نزدیکی قیصریه فیلیس باشد اما سنت کلیسا بیشتر آن را کوه تابور در جنوب ناصره می داند. ^۲: تجلی یافت، یعنی ظاهری الهی پیدا کرد. صورتش درخشید، مانند صورت موسی (خروج ۳۴:۲۹) بعد از دیدار با خدا بر کوه سینا. لباسهایش... سفید، مانند رویای «قدیم الایام» در دان ۷-۹. ^۳: موسی و الیاس، این موضوع بیانگر استمرار عیسی و تعالیم وی در امتداد شریعت و نبوت اسرائیل است (ملا ۴:۵-۶). ^۵: صدا، انعکاس صدائی که به هنگام تعمید عیسی شنیده شد (۱۷:۳) که شنوندگان را به اطاعت از عیسی مسیح فرمان می دهد (ر. ک تث ۱۸:۱۵). ^۶: به روی درافتادند، ر. ک دان ۸:۱۸؛ ۹:۱۰.

از میان مردگان قیام نکند از آنچه دیده اید به هیچ کس چیزی نگویید.»

گفتگو درباره یاس

^{۱۰} و شاگردان از او سؤال کردند: «پس کاتبان چه می گویند که اول یاس باید بیاید؟» ^{۱۱} او در پاسخ گفت: «البته یاس می آید و همه چیز را اصلاح خواهد کرد. ^{۱۲} باری به شما می گویم که اینک یاس آمده ولی او را نشناختند، بلکه هر چه خواستند با او کردند. به همین سان پسر انسان نیز از سوی ایشان رنج خواهد کشید.» ^{۱۳} آنگاه شاگردان پی بردند که وی از یحیی تعمید دهنده با ایشان سخن می گفت.

گفت: «ای نسل بی ایمان و منحرف! تا به کی با شما باشم؟ تا به کی شما را تحمل کنم؟ او را اینجا نزد من آرید.» ^{۱۸} و عیسی او را نهیب زد و دیواز او بیرون آمد که از آن ساعت شفا یافت. ^{۱۹} آنگاه شاگردان نزد عیسی آمده در خلوت از او پرسیدند: «چرا ما نتوانستیم او را بیرون کنیم؟» ^{۲۰} به ایشان گفت: «به دلیل کم ایمانی شما. آمین، به شما می گویم اگر به اندازه یک دانه خردل ایمان داشته باشید چنانچه به این کوه بگویید: از اینجا حرکت کن، البته خواهد رفت و هیچ چیز برایتان غیرممکن نخواهد بود. ^{۲۱} و اما این نوع بیرون نمی رود جز به دعا و روزه.»

عیسی بار دیگر رنج و مرگ و رستاخیز خود را اعلام می کند

^{۲۲} چون در جلیل دور هم جمع شده بودند عیسی بدیشان گفت: «به زودی پسر انسان به دست انسانها تسلیم می شود. ^{۲۳} و او را خواهند کشت و در روز سوم قیام خواهد کرد.» و ایشان بسیار اندوهگین شدند.

شفای مصروع

^{۱۴} و چون به نزدیک انبوه مردم رسیدند مردی پیش آمده در برابر او به زانو افتاد ^{۱۵} و گفت: «خداوند! بر پسر من ترحم نما چونکه مصروع و بسیار بدحال است، زیرا بارها در آتش یا اغلب در آب می افتد. ^{۱۶} و او را نزد شاگردانت آوردم و نتوانستند او را شفا دهند.» ^{۱۷} عیسی در پاسخ

۱۷:۹-۱۳: اهمیت یحیی تعمید دهنده (مر ۹:۹-۱۳). این انتظار که یاس پیش از آمدن مسیح موعود ظهور خواهد کرد (ملا ۴:۵-۶) در اناجیل نظیر این گونه تفسیر شده که یحیی تعمید دهنده همان یاس بود. رنجهای و زحماتی که یحیی کشید، پیشگویی رنج و مرگ مسیح است (۱۴:۱-۲).
۱۷:۱۴-۲۱: ایمان و اعمال معجزه آسا (مر ۹:۱۴-۲۹؛ لو ۹:۳۷-۴۳). شفای پسر مصروع، تعلیمی درباره ارتباط انجام کارهای بزرگ و داشتن ایمانی کوچک به مخاطبین می دهد. ۱۷: نسل بی ایمان و منحرف، تث ۳۲:۵، ۲۰. ۲۰: دانه خردل، لو ۱۷:۶. به این کوه بگوئید حرکت کن، «کاری غیرممکن» که تنها خدا قادر به انجام آن است.

۱۷:۲۲-۲۳: دومین اعلام عیسی مبنی بر تسلیم و مرگ خود (مر ۹:۳۰-۳۲؛ لو ۹:۴۳-۴۵)، ر. ک ۱۶:۲۱؛ ۲۰:۱۷-۱۹. ۲۲: جمع بودند، به منظور مسافرت به اورشلیم برای عید فصح. تسلیم می شود، فعل به صورت مفعول است و نشان می دهد که رنج و مرگ مسیح خارج از اراده و اجازه خدا نیست (ر. ک اش ۵۳:۶، ۱۰).

عیسی و پطرس مالیات می پردازند

نشوید و مانند کودکان نگردید وارد ملکوت آسمان نخواهید شد.^۴ پس هر که خود را مانند این کودک فروتن سازد، او در ملکوت آسمان بزرگتر است.^۵ و هر که به خاطر نام من چنین کودکی را بپذیرد مرا پذیرفته است.

هشدار

۶ «هر که سنگ لغزش یکی از این کوچکان شود که به من ایمان دارند به سود او است که سنگ آسیابی به گردنش آویخته در اعماق دریا غرق گردد.^۷ وای بر دنیا به سبب این لغزش ها! البته ناگزیر لغزش ها روی دهد، اما وای بر کسی که لغزش بوسیله او روی می دهد.^۸ اگر دست یا پای تو را می لغزاند آن را قطع کن و از خود دور انداز؛ برای تو بهتر است علیل یا لنگ به زندگی وارد شوی تا اینکه با دو دست یا دو پایت به آتش ابدی انداخته شوی.^۹ و اگر چشم تو تو را می لغزاند، آن را بر کن و از خود دور انداز؛ برای تو بهتر است با یک چشم به زندگی وارد شوی تا این که با دو چشم در جهنم آتش انداخته شوی.

۲۴ چون به کفرناحوم رسیدند گیرندگان مالیات معبد نزد پطرس آمده گفتند: «آیا استاد شما مالیات نمی پردازد؟»^{۲۵} گفت: «البته می پردازد» و چون پطرس وارد خانه شد عیسی پیشدستی کرده گفت: «شمعون! چه فکر می کنی؟ پادشاهان زمین از چه کسانی مالیات یا عوارض می گیرند؟ از پسران خود یا از بیگانگان؟»^{۲۶} چون پطرس جواب داد: «از بیگانگان» عیسی به او گفت: «پس پسران معافند.^{۲۷} ولی برای اینکه موجب لغزش آنان نشویم به دریا برو! قلاب بینداز و اولین ماهی را که بیرون می آید گرفته، دهانش را باز کن و یک سکه خواهی یافت. آن را بگیر و برای من و خودت به ایشان بده!»



در ملکوت چه کسی بزرگتر است؟

۱ در همان ساعت شاگردان نزد عیسی آمده گفتند: «چه کسی در ملکوت آسمان بزرگتر است؟»^۲ و او کودکی را نزد خود خوانده، او را در میان ایشان قرار داد.^۳ و گفت: «آمین به شما می گویم اگر دگرگون

۱۷:۲۴-۲۷: سؤال درباره مالیات. اولین مورد از دو متن در انجیل متی که راجع به موضوع پرداخت مالیات است (نیز ر. ک ۱۷:۲۲). در سال ۶۶ میلادی شورشی علیه دولت روم در یهودیه در گرفت و پرداخت مالیات یا خراج به روم، یکی از عوامل اصلی در ایجاد آن شورش بود. ۲۴: مالیات معبد، هر یهودی مذکر می بایست سالانه مبلغ نیم شکل برای حمایت از معبد پرداخت کند (خروج ۳۰:۱۳). بعد از شورش علیه روم، یهودیان مجبور شده بودند که این مالیات را به معبد ژوپیتر در رم پردازند (یوسفوس، جنگها ۷:۲۱۸). ۲۶: پسران آزاد هستند، یعنی عیسی معتقد است که پرداخت مالیات در اسرائیل ضرورتی ندارد. ۲۷: تا موجب لغزش آنان نشویم، متی با ذکر این روایت مسیحیان یهودی تبار را تشویق می کند که در همبستگی با اکثریت جامعه یهودیان بمانند.

۱۸-۳۵: چهارمین موعظه.

۱۸:۱-۵: سؤال درباره بزرگی واقعی (مر ۳۳:۹-۳۷؛ لو ۴۶:۹-۴۸). مانند کودکان شدن، موقعیت اجتماعی کودکان تفاوت چندانی با وضعیت بردگان نداشت (غلا ۴:۱). ۶: سنگ لغزش، استعاره ای برای کسی که دیگران را به گناه می اندازد (بنسی ۹:۵؛ ۲۱:۲۵؛ ۷:۳۴؛ اسناد قمران ۱۲:۲؛ تلمود روبن ۷:۴). ۱۸:۶-۹: هشدار (مرقس ۹:۴۲-۴۸؛ لوقا ۱۷:۱-۲). لنگ وارد زندگی شدن، شاید اشاره به شهیدان یهودی باشد (۲ مک ۷:۱۱؛ ۴ مک ۱۰:۲۰). همچنین ر. ک ۵:۲۹-۳۰.

گوسفند گمشده

نیز گوش ندهد در نظر تو مانند بیگانه یا باجگیر باشد.^{۱۰} آمین به شما می‌گویم هر چه بر زمین ببندید در آسمان بسته خواهد شد و هر چه بر زمین باز کنید در آسمان باز خواهد شد.

با هم دعا کنید

^{۱۹} «باز به شما می‌گویم هر گاه دو نفر از شما در زمین درباره هر چه بخواهند، تفاهم کنند از جانب پدر من که در آسمان است برایشان انجام خواهد شد.^{۲۰} زیرا جایی که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من آنجا در بین آنان هستم.»

بخشش در بین برادران

^{۲۱} آنگاه پطرس پیش آمده به او گفت: «خداوندا! چند بار برادرم برضد من گناه کند تا او را ببخشم؟ آیا تا هفت بار؟»^{۲۲} عیسی به او گفت: «به تو نمی‌گویم تا هفت بار بلکه تا هفتاد و هفت بار.»

بدهکاری رحمت

^{۲۳} «بنابراین ملکوت آسمان مانند پادشاهی است

^{۱۰} «زنهار هیچیک از این کوچکان را خوار شمارید زیرا به شما می‌گویم که فرشتگان ایشان در آسمان مدام چهره پدرم را که در آسمان است می‌نگرند.^{۱۱} زیرا پسرانسان آمده تا گمشده را نجات دهد.^{۱۲} چه می‌پندارید؟ اگر شبانی صد گوسفند داشته باشد و فقط یکی از آنها گم شود آیا نود و نه گوسفند را بر کوه‌ها رها نمی‌کند تا برود و گمشده را جستجو کند؟^{۱۳} و اگر آن را پیدا کند، آمین به شما می‌گویم به خاطر آن یکی بیشتر خوشحال می‌شود تا به خاطر آن نود و نه که گم نشده‌اند.^{۱۴} همچنین خواست پدر شما که در آسمان است آن نیست که حتی یکی از این کوچکان از بین برود.

تفاهم برادرانه

^{۱۵} «اگر برادرت به تو گناه کند برو و خطایش را بین خود و او در خلوت گوشزد کن، اگر به تو گوش دهد برادرت را باز یافته‌ای.^{۱۶} اگر به تو گوش ندهد بار دیگر با خود یک یا دو نفر بردار تا همه چیز با گفتن دو یا سه شاهد ثابت شود.^{۱۷} اگر به ایشان گوش ندهد آن را به کلیسا بگو، اگر به کلیسا

۱۸:۱۰-۳۵: زندگی و روابط درونی کلیسا.

۱۸:۱۰-۱۴: گوسفنده گمشده (لو ۱۵:۱-۷). ۱۰: کوچکان، آن دسته از اعضای کلیسا که از دیدگاه اجتماعی حقیر یا کم ارزش بشمار می‌آیند. فرشتگان ایشان، بیان این عقیده که فرشته محافظ هر شخص نماینده او در آسمان است (اع ۱۵:۱۲). ۱۲: شبان، تصویری رایج برای رهبر جامعه (اعد ۲۷:۱۷؛ ار ۳:۱۵) که بایستی مواظب حتی کوچکترین فرد باشد؛ ر.ک لو ۱۵:۳-۷.

۱۸:۱۵-۱۸: رفتار برادرانه. مراحل انضباطی اعضای کلیسا. مشابه همین روند در فرقه اسنیان نیز بکار می‌رفت (ر.ک اسناد قمران ۶ و ۹). ۱۶: تث ۱۹:۱۵. ۱۷: متی تنها انجیل نگاری است که واژه «کلیسا» (یونانی ekklesia) را ذکر کرده است. ۱۸: بستن... باز کردن، ر.ک ۱۶:۱۶ توضیح. اقتدار تفسیر تعالیم عیسی به تصمیم جمعی ایمانداران نیز داده می‌شود.

۱۸:۱۹-۲۰: قدرت دعای جمع.

۲۱:۱۸-۲۲: بخشش برادرانه (لو ۱۷:۴). ۲۱: بخشش، اصل اساسی در روابط کلیسا و حل منازعات است؛ در مورد اعداد هفت و هفتاد ر.ک پید ۴:۲۴؛ لو ۱۷:۴.

۱۸:۲۳-۳۵: داستان بدهکاری بی‌گذشت. در مثل بدهکار از روش اغراق استفاده شده تا موضوع بخشش را

که من به تو رحم کردم؟^{۳۴} و اربابش خشمگین شده او را به دست جلادان سپرد تا تمام بدهی اش را باز پس دهد.^{۳۵} پدر آسمانی من نیز با شما به همین گونه رفتار خواهد کرد اگر هر کدام از شما برادرش را از صمیم دل نبخشید.»

﴿ ۱۹ ﴾

ازدواج و طلاق

^۱ پس چون عیسی این سخنان را به پایان رسانید از جلیل روانه شده به سرزمین یهودیه در آن طرف اردن آمد.^۲ و گروه بسیاری به دنبال او آمدند و در آنجا آنان را شفا داد.^۳ و فریسیانی نزد او آمده برای اینکه او را امتحان کنند گفتند: «آیا جایز است به هر علتی مرد زن خود را طلاق دهد؟»^۴ در پاسخ گفت: «آیا نخوانده اید که آفریدگار در ابتدا آنها را نر و ماده آفرید؟^۵ و گفت به همین سبب مرد پدر و مادر خود را ترک خواهد کرد و به زنش خواهد پیوست و هر دو یک تن خواهند شد.^۶ به طوری که ایشان دیگر نه دو تن بلکه یک تن هستند. پس آنچه را خدا به هم پیوسته انسان از هم جدا نکند.»^۷ به او گفتند: «پس چرا موسی فرمان داده که

که خواست حساب خود را با بندگانش تسویه کند.^{۲۴} چون شروع به تسویه کرد، یکی را نزد وی آوردند که ده هزار تالان بدهکار بود.^{۲۵} چون چیزی نداشت که باز دهد اربابش دستور داد خود و زنش و فرزندان و هر چه داشت بفروشند تا طلبش وصول گردد.^{۲۶} بنده به پاهای او افتاده در برابرش زانو زد و می گفت: به من مهلت بده و من همه را به تو پس خواهم داد.^{۲۷} ارباب این بنده ترحم نموده رهایش کرد و بدهی او را بخشید.^{۲۸} این خدمتکار به هنگام خارج شدن، یکی از همقطاران خود را یافت که به او صد دینار بدهکار بود و او را گرفته گلویش را می فشرد و می گفت: بدهی ات را بپرداز.^{۲۹} پس همقطارش به پاهای او افتاد و به او التماس کرده می گفت: به من مهلت بده و به تو پس خواهم داد.^{۳۰} او قبول نکرد بلکه او را به زندان انداخت تا بدهی خود را پس دهد.^{۳۱} چون همقطاران او این واقعه را دیدند بسیار غمگین شدند و مواقع را برای ارباب خود بازگو کردند.^{۳۲} نگاه اربابش او را خوانده به او گفت: ای بنده شیریر! چون از من خواهش کردی، من تمام بدهی ات را بخشیدم.^{۳۳} آیا تو هم نمی بایست به همقطارت رحم کنی چنان

برجسته نماید. ^{۲۴}: ده هزار تالان، مبلغی فوق العاده زیاد بود (هر تالان بیش از مزد پانزده سال یک کارگر ارزش داشت) و بازپرداخت چنین قرضی برای آن خدمتکار غیرممکن بود. ^{۲۵}: بفروشد، طبق شریعت چنین امری جایز بود (لاو ۱۵: ۳۹؛ ۲ پاد ۴: ۱). ^{۲۸}: صد دینار، مزد سه چهار ماه یک کارگر (معمولاً مزد روزانه یک کارگر یک دینار بود). ^{۳۴}: به جلاد سپردن، حربه ای که پادشاهان و فرمانروایان بکار می بستند تا به زور آن از خانواده محکوم پول بگیرند.

۱۹: ۱-۱۲: ادامه منازعات شرعی با برخی از فریسیان.

۱۹: ۱-۹: ازدواج، طلاق (مر ۱۰: ۱-۱۲؛ لو ۱۶: ۱۸). ۱: از جلیل... به یهودیه در ماوراء اردن، مسافرت مستقیم از جلیل به یهودیه مستلزم عبور از سامره است که یهودیان تا آنجا که می توانستند از آن اجتناب می کردند، زیرا یهودیان و سامریان از لحاظ مذهبی دشمن محسوب می شدند (ر. ک ۱۰: ۵ توضیح). در اینجا عیسی نیز با سفر به سوی شرق از طریق اردن به پره و سپس به سوی جنوب، از مسیر سامره دوری می کند. ۳: علت... طلاق، تورات طلاق دادن زن توسط مرد را جایز می شمارد (تث ۲۴: ۱)، اما دلیلی برای آن ذکر نمی کند. بنابراین دلایل طلاق به موضوعی برای مباحثه در میان ربی ها تبدیل شده بود. ۴-۶: پید ۱: ۲۷؛ ۲: ۲۴. اشاره به جریان آفرینش به منظور اثبات هدف ازدواج، در متون اسنیا نیز دیده می شود و چند

نهیب زدند.^{۱۴} عیسی گفت: «بگذارید کودکان نزد من آیند و مانع آنان نشوید زیرا ملکوت آسمان از آن چنین کسانی است.»^{۱۵} و دستها بر ایشان گذاشته از آنجا رفت.

جوان ثروتمند

^{۱۶} و اینک کسی نزد وی آمده گفت: «ای استاد! چه نیکوئی باید بکنم تا زندگی جاودانی داشته باشم؟»^{۱۷} به او گفت: «چرا درباره نیکوئی از من می‌پرسی؟ تنها یکی نیکو است. اگر می‌خواهی به زندگانی وارد شوی فرمانها را رعایت کن.»^{۱۸} به او گفت: «کدامین؟» عیسی گفت: «قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده.»^{۱۹} به پدر و مادرت احترام بگذار و همسایه خود را مانند خود محبت نما.»^{۲۰} مرد جوان به او گفت: «همه اینها را رعایت کرده‌ام، دیگر چه کم دارم؟»^{۲۱} عیسی به او گفت: «اگر می‌خواهی کامل شوی، برو اموال خود را بفروش و به بینوایان بده و در آسمانها گنجی خواهی داشت، سپس آمده مرا پیروی کن.»^{۲۲} مرد جوان با شنیدن این سخن، اندوهگین شده برفت زیرا ثروت بسیار داشت.

طلاق نامه ای به زن داده او را طلاق دهند؟»^۸ به ایشان گفت: «به سبب سنگدلی شماست که موسی به شما اجازه داد زنان خود را طلاق دهید، ولی در ابتدا چنین نبود.^۹ به شما می‌گویم کسی که زن خود را جز به سبب روسپیگری طلاق گوید و با زن دیگری ازدواج نماید زنا می‌کند.»

ازدواج و تجرد

^{۱۰} شاگردان به او گفتند: «اگر وضع مرد با زن چنین است ازدواج نکردن بهتر است.»^{۱۱} به آنان گفت: «همه این سخن را درک نمی‌کنند مگر کسانی که به ایشان عطا شده است.»^{۱۲} زیرا خواجگانی هستند که از شکم مادر خود چنین زاییده شده‌اند و خواجگانی هستند که به دست انسان خواجه شده‌اند و خواجگانی که خود را به خاطر ملکوت آسمانها خواجه کرده‌اند. هر که می‌تواند درک کند دریابد!»

عیسی و کودکان

^{۱۳} آنگاه کودکانی را نزد او آوردند تا دستهایش را بر آنان بگذارد و دعا کند اما شاگردان آنان را

همسری نیز منع شده است.^۹ در انجیل متی برخلاف انجیل مرقس (۲:۱۰-۱۱)، عیسی برای ممنوعیت طلاق یک استثنا قائل می‌شود (نیز ر. ک ۵:۳۲) که در اینجا روسپیگری ترجمه شده که ممکن است به معنی زنا یا ازدواج بین خویشاوندان نزدیک باشد. در متی ۱۹:۱ تصریح شده که هر یهودی پرهیزکاری، همسر زناکار خود را طلاق می‌داد.

۱۹:۱۰-۱۲: ازدواج و تجرد. ۱۰: ازدواج نکرد بهتر است، تجرد حالتی غیرمعمول در یهودیت آن زمان بود که ازدواج و زاد و ولد را هم برکت و هم وظیفه می‌دانستند (پیدا: ۲۸). ۱۱-۱۲: خواجگان، مردان اخته شده‌ای که منفور یهودیان بودند (یوسفوس، آپیون ۲: ۲۷۰-۲۷۱).

۱۹:۱۳-۳۰: سؤالاتی در خصوص زندگی جاودان.

۱۹:۱۳-۱۵: کودکان (مر ۱۰:۱۳-۱۶؛ لو ۱۵:۱۷-۱۷). بچه‌های کوچک، تکرار ۱:۱۸-۵ است و توضیحی شفاف درباره موضوع بعدی را ارائه می‌دهد.

۱۹:۱۶-۳۰: جوان ثروتمند و چگونگی ورود به ملکوت (مر ۱۰:۱۷-۳۱؛ لو ۱۸:۱۸-۳۰؛ ۳۰:۳۰).

۱۶:۱۸-۵. این سؤال نشان می‌دهد که عیسی به عنوان معلمی مذهبی از احترام خاصی برخوردار بود (اع ۲:۳۷). ۱۷: تنها یکی نیکو است، تث ۶:۴. ۱۸-۱۹: خروج ۱۲-۱۶؛ تث ۵:۱۶؛ لاو ۱۹:۱۸. ۲۱: کامل شدن، مت ۵:۴۸. ۲۲: طرز رفتار این فرد می‌تواند بیانگر نکاتی درباره زندگی سخت و فقیرانه



کارگران یازدهمین ساعت

^۱ «زیرا ملکوت آسمان مانند صاحب خانه ای است که اول صبح بیرون رفت تا کارگرانی برای تاکستان خود اجیر کند. ^۲ با کارگران روزی یک دینار قرار گذاشت و آنان را به تاکستان خود فرستاد. ^۳ و در حدود ساعت سوم بیرون رفته کسان دیگری را دید که بیکار در میدان ایستاده بودند. ^۴ و به آنان گفت: "شما هم به تاکستان بروید و آنچه حق شما است به شما خواهم داد." ^۵ پس رفتند. باز در حدود ساعت ششم و نهم بیرون رفت و همچنین کرد. ^۶ در حدود ساعت یازدهم بیرون رفته، کسان دیگری را آنجا بیکار یافت و به ایشان گفت: "چرا تمام روز را در اینجا بیکار ایستاده اید؟" ^۷ به او گفتند: "چون کسی ما را به مزد نگرفته است." به ایشان گفت: "شما هم به تاکستان بروید." ^۸ چون غروب فرا رسید، صاحب تاکستان به مباشر خود گفت: "کارگران را صدا کن و مزد ایشان را بده. از آخرین ها شروع کن تا به اولین ها." ^۹ و یازده ساعتی ها آمده هر کدام یک دینار دریافت کردند. ^{۱۰} سپس اولین ها آمده خیال کردند که بیشتر دریافت خواهند کرد و ایشان نیز هر کدام یک دینار دریافت کردند. ^{۱۱} چون گرفتند بر صاحب خانه

^{۲۳} عیسی به شاگردان خود گفت: «آمین به شما می گویم که ثروتمندان به سختی وارد ملکوت آسمان خواهند شد. ^{۲۴} باز به شما می گویم برای شتر آسان تر است از سوراخ سوزن بگذرد تا اینکه ثروتمندی وارد ملکوت خدا شود.» ^{۲۵} شاگردان با شنیدن این، بسیار متحیر شده گفتند: «پس چه کسی می تواند نجات یابد؟» ^{۲۶} عیسی به ایشان نگریسته گفت: «برای انسانها غیر ممکن است ولی برای خدا همه چیز امکان دارد.»

^{۲۷} آنگاه پطرس به سخن درآمده به او گفت: «اینک ما همه چیز را ترک کرده تو را پیروی می کنیم، پس برای ما چه خواهد بود؟» ^{۲۸} عیسی به ایشان گفت: «آمین! به شما می گویم که شما که مرا پیروی کرده اید، در آفرینش تازه هنگامی که پسر انسان بر تخت جلال خود بنشیند شما نیز بر دوازده تخت خواهید نشست تا دوازده قبیله اسرائیل را داوری کنید. ^{۲۹} و هر که خانه ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا فرزندان یا کشتزارها را به خاطر نام من ترک کند چندین برابر بیشتر دریافت خواهد کرد و وارث زندگی جاودان خواهد شد. ^{۳۰} بسیاری از اولین ها، آخرین و آخرین ها، اولین خواهند بود.

اولین پیروان عیسی باشد (۲۴:۶؛ ۱۰:۸-۱۱). ^{۲۴}: ضرب المثلی که به مفهوم ناممکن بودن است. ^{۲۵}-
^{۲۶}: شاگردان متوجه نکته مورد نظر عیسی نمی شوند که همان توکل و اطمینان کامل به خدا است. خدا...
 امکان، پید ۱۸:۱۴؛ ار ۳۲:۱۷. ^{۲۸}: بر دوازده تخت، شاگردان در نقش دوازده پدر قوم بنی اسرائیل. ^{۳۰}:
 اولویتها و الزامات ملکوت آسمان، مطابق مثلی که در ادامه می آید برعکس شده اند.
^{۲۰}: ۱-۱۶: کارگران در تاکستان. این مثل که تنها در انجیل متی آمده، تضادی عمیق با دیدگاههای سنتی در خصوص پاداش عادلانه دارد. ۱: اول صبح، ساعت ۶ بامداد. ۲: دینار، مزد معمول یک روز، این مبلغ برای تهیه مایحتاج یک روز خانواده کافی بود. ۸: غروب، طبق شریعت یهود (لاو ۱۹:۱۳؛ تث ۲۴:۱۴-۱۵) می بایست

بزرگی و خدمت

آنگاه مادر پسران زبیدی با پسرانش نزد وی آمده در برابر او زانو زد تا از او چیزی درخواست کند.^{۲۱} از او پرسید: «چه می‌خواهی؟» گفت: «بفرما این دو پسر من، یکی به دست راست تو و دیگری به دست چپ تو در ملکوت تو بنشینند.»^{۲۲} عیسی در پاسخ گفت: «نمی‌دانید چه چیزی می‌خواهید. آیا می‌توانید بنوشید جامی را که من خواهم نوشید؟» به او گفتند: «می‌توانیم.»^{۲۳} به ایشان گفت: «جام مرا خواهید نوشید. اما در مورد نشستن به دست راست و چپ من، از آن من نیست که بدهم، بلکه برای آنانی است که پدرم برایشان آماده کرده است.»^{۲۴} و ده شاگرد دیگر با شنیدن این، بر آن دو برادر برآشفته شدند.^{۲۵} عیسی ایشان را نزد خود خوانده گفت: «می‌دانید که رؤسای ملت‌ها بر آنان فرمانروایی می‌کنند و بزرگانشان بر آنان سروری می‌نمایند.»^{۲۶} در بین شما چنین نباشد؛ بلکه در میان شما هر که می‌خواهد بزرگ شود خادم شما گردد.^{۲۷} و هر که در بین شما می‌خواهد اولین باشد غلام شما شود.^{۲۸} چنان که پسر انسان نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و جان خود را فدیهِ بسیاری سازد.»

شکایت کرده^{۱۲} می‌گفتند: «این آخرین‌ها فقط یک ساعت کار کردند و تو آنان را با ما برابر کرده‌ای، ما که سختی و گرمای روز را تحمل کرده‌ایم.»^{۱۳} او در جواب یکی از ایشان گفت: «رفیق! من به تو بی‌انصافی نمی‌کنم. آیا با من یک دینار قرار نگذاشتی؟^{۱۴} حق خود را بگیر و برو! من می‌خواهم به این آخرین به اندازه تو بدهم.^{۱۵} آیا اجازه ندارم با مال خودم هر چه می‌خواهم بکنم؟ یا چشم تو بد است چون من خوب هستم؟»^{۱۶} بدین سان آخرین‌ها، اولین خواهند بود و اولین‌ها، آخرین.»

عیسی سومین بار رنج و مرگ و رستاخیز خود را اعلام می‌کند

^{۱۷} چون عیسی به اورشلیم بالا می‌رفت، دوازده شاگرد خود را جداگانه با خود برداشت و در راه به ایشان گفت: «اینک به اورشلیم می‌رویم و پسر انسان به کاهنان اعظم و کاتبان تسلیم کرده خواهد شد و او را به مرگ محکوم خواهند کرد.^{۱۹} و او را به امتهای تسلیم خواهند نمود تا او را مسخره کنند، تازیانه بزنند، به صلیب بکشند و در روز سوم قیام خواهد کرد.»

حق و حقوق کارگران را در پایان همان روز کاری، قبل از غروب آفتاب پرداخت نمود.^{۱۲} آنان را با ما برابر کرده‌ای، تصور می‌کنند که اجرای عدالت مستلزم تقسیم منافع جامعه بر اساس موقعیت و شایستگی افراد است (ر.ک ارسطو، اخلاق نیکومدی ۵: ۳-۴).^{۱۵} آیا اجازه ندارم هر چه می‌خواهم بکنم، منظور از این گفته، نه حق وی در امور مالی خویش بلکه اجازه داشتن برای رفتاری فراتر از انتظار معمول می‌باشد. چشم بد، به صورت تلویحی گفته می‌شود که شکایت آنان از حسادت و طمع سرچشمه گرفته است (بنسی ۱۴: ۸-۱۰).^{۱۷-۱۹: ۲۰} عیسی مرگ و رستاخیز خود را از قبل اعلام می‌کند (مر ۱۰: ۳۲-۳۴؛ لو ۱۸: ۳۱-۳۴). عیسی برای سومین و آخرین بار (ر.ک ۱۶: ۲۱؛ ۱۷: ۲۲-۲۳) مخصوصاً به شاگردان خاص خود اطلاع می‌دهد که به زودی کشته خواهد شد.^{۱۹} امتهای، اصطلاحی کلی در اشاره به حضور مقامات کشوری و لشکری روم در اورشلیم. تازیانه زدن، ر.ک ۱۰: ۱۷ توضیح.

^{۲۰-۲۸: ۲۸} خدمت و بزرگی (مر ۱۰: ۳۵-۴۵؛ لو ۲۵: ۲۷-۲۷). در متن مشابه انجیل مرقس، خود دو پسر زبیدی این سؤال را می‌پرسند، نه مادرشان.^{۲۲} جام، استعاره‌ای برای آنچه خدا مقرر نموده، چه برکت (مز ۱۶: ۵؛ ۱۱۶: ۱۳) و چه داوری (اش ۵۱: ۱۷؛ مرا ۴: ۲۱). در اینجا به رنج و مرگ عیسی اشاره دارد (ر.ک ۲۶: ۳۹).^{۲۳} اع ۱۲: ۲۸. فدیهِ، خون بها یا رهائی. بسیار، متضاد «اندک» که گاهی به معنی «همه» است، ر.ک اش ۵۳: ۱۰-۱۲.

دو نفر کور در دروازه اریحا

^{۲۹} و چون از اریحا خارج می شدند بسیاری به دنبال او آمدند. ^{۳۰} و اینک دو کور که در کنار راه نشسته بودند چون شنیدند که عیسی عبور می کند، فریاد برآورده می گفتند: «خداوندا، ای پسر داود، بر ما ترحم فرما!» ^{۳۱} مردم آنان را نهیب زدند تا خاموش شوند ولی ایشان بلندتر فریاد زده می گفتند: «خداوندا، ای پسر داود بر ما ترحم فرما!» ^{۳۲} و عیسی ایستاد و ایشان را فراخواند و گفت: «چه می خواهید برای شما بکنم؟» ^{۳۳} به او گفتند: «خداوندا، اینکه چشمان ما باز شود.» ^{۳۴} عیسی ترحم نموده چشمانشان را لمس کرد و همان دم بینایی خود را باز یافتند و به دنبال او رفتند.

۲۱

ورود مسیحایی به اورشلیم

^۱ چون به اورشلیم نزدیک شدند و به بیت فاجی در کوه زیتون آمدند، آنگاه عیسی دو شاگرد را فرستاده ^۲ به ایشان گفت: «به روستایی که پیش

روی شماست بروید و همان دم الاغی را با کره اش بسته خواهید یافت. آنها را باز کرده نزد من آورید. ^۳ و اگر کسی به شما چیزی گوید بگوئید خداوند به آنها نیاز دارد» و او فوراً آنها را خواهد فرستاد. ^۴ این انجام شد تا آنچه پیامبر گفته بود تحقق یابد: ^۵ به دختر صهیون بگوئید اینک پادشاه تو نزد تو می آید، نرمخو و سوار بر حیوان بارکش و بر کره الاغ. ^۶ پس شاگردان رفتند و برابر آنچه عیسی به ایشان دستور داده بود کرده ^۷ الاغ و کره الاغ را آوردند و ردهای خود را بر آنها گسترده و او بر آنها سوار شد. ^۸ جمعیتی بسیار ردهای خود را در راه گسترده و عده ای شاخه های درختان را بریده در راه می گسترده. ^۹ انبوهی که پیشاپیش او می رفتند و گروهی که به دنبال او می آمدند فریادکنان می گفتند: «هوشیانا، پسر داود! مبارک باد آن که به نام خداوند می آید! هوشیانا در برترین آسمانها. ^{۱۰} و چون وارد اورشلیم شد تمام شهر به لرزه درآمده می گفتند: «این کیست؟» ^{۱۱} آن جمعیت می گفتند: «این است همان پیامبر، عیسی از ناصره جلیل.»

۲۰-۲۹:۳۴: در طلب کمک از پسر داود (مر ۱۰:۴۶-۵۲؛ لوقا ۱۸:۳۵-۴۳). در روایت متی از این واقعه، دو مرد کور از عیسی کمک می خواهند نه یکی. ^{۲۹} اریحا، واقع در دره اردن در ۲۱ کیلومتری شمال شرقی اورشلیم. ^{۳۰} پسر داود، عنوانی سلطنتی که در چند روایت شفای دیگر در انجیل متی آمده است (۲۷:۹؛ ۲۳:۱۲).

۲۱:۱-۱۱: و ورود عیسی به اورشلیم. (مرقس ۱۱:۱-۱۱:۱؛ لوقا ۱۹:۲۸-۴۰؛ یوحنا ۱۲:۱۲-۱۶). ^۱ بیت فاجی، روستائی در شرق اورشلیم. کوه زیتون بخشی از ارتفاعات واقع در شرق اورشلیم است. طبق سنتی که در دوران یهودیت معبد دوم شکل گرفت، در زمان آخر جنگی در اینجا روی خواهد داد (زک ۴:۱۴؛ یوسفوس، باستان ۲۰:۱۶۷-۷۲). ^۵ متی با ذکر اش ۱۱:۶۲ و زک ۹:۹ به تحقق یکی از نقل قول های خود اشاره می کند که در متن مشابه مرقس و لوقا نیامده است. اشاره همزمان به الاغ و کره الاغ بیانگر این است که عیسی نبوت زک ۹:۹ را به تحقق می رساند. این صحنه یادآور تصویر ورود پادشاه یا فرمانده پیروز به شهر است (۱ پاد ۳۲:۴۰؛ ۱ مک ۵:۴۵-۵۴؛ یوسفوس، جنگها ۷:۷۰-۷۱). سوار الاغ شدن یعنی نیت صلح و سلامتی داشتن (جنگجویان سوار اسب می شدند). ^۸ گسترده ردهاها... شاخه ها، به نشانه احترام (در مورد شاخه ها ر. ک ۱ مک ۱۳:۴۹-۵۳). ^۹ هوشیانا، برگرفته از مز ۱۱۸:۲۶ به معنی «نجات ده!» و معمولاً فریاد تشویق و تحسین بود، نه لزوماً درخواست نجات.

بیرون راندن فروشندگان از معبد

^{۱۲} و عیسی وارد معبد شده تمام کسانی را که در معبد خرید و فروش می کردند بیرون راند و تختهای صرافان و همچنین میزهای کبوتر فروشان را واژگون کرد. ^{۱۳} و به ایشان گفت: «نوشته شده است: "خانهٔ من خانهٔ نیایش نامیده خواهد شد" ولی شما آن را غار دزدان کرده اید.» ^{۱۴} و در معبد، کوران و لنگان نزد وی آمدند و آنان را شفا داد. ^{۱۵} کاهنان اعظم و کاتبان چون دیدند کارهای عجیب انجام می داد و کودکان را که در معبد فریاد کنان می گفتند «هوشیانا، پسر داود» برآشفتنند. ^{۱۶} و به او گفتند: «آیا می شنوی اینها چه می گویند؟» عیسی به ایشان گفت: «آری؛ مگر هرگز نخوانده اید: ستایش خود را به زبان بچه ها و شیرخوارگان گذاشتی؟» ^{۱۷} و ایشان را ترک کرده از شهر به سوی بیت عنیا بیرون رفت که در آنجا شب را گذرانید.

درخت انجیر بی ثمر

^{۱۸} بامدادان، هنگام بازگشت به شهر گرسنه شد. ^{۱۹} و درخت انجیری در نزدیکی راه دیده به سوی آن رفت و بر آن جز برگ چیزی نیافت و به آن گفت:

«از این پس تا ابد از تو میوه ای برنیاید!» و درخت انجیر همان دم خشک شد. ^{۲۰} شاگردان با دیدن این تعجب کرده گفتند: «چگونه درخت انجیر فوراً خشک شد؟» ^{۲۱} عیسی در پاسخ به ایشان گفت: «آمین! به شما می گویم اگر ایمان داشته باشید و شک نکنید نه فقط این را به درخت انجیر توانید کرد بلکه حتی اگر به این کوه بگویید: حرکت کرده خود را به دریا انداز، چنین خواهد شد. ^{۲۲} و هر چه در دعا با ایمان درخواست کنید آن را خواهید یافت.»

سؤال یهودیان دربارهٔ اقتدار عیسی

^{۲۳} و وارد معبد شده چون تعلیم می داد، کاهنان اعظم و مشایخ قوم نزد وی آمده گفتند: «به چه اقتداری این را می کنی؟ و چه کسی این اقتدار را به تو داده است؟» ^{۲۴} عیسی در جواب ایشان گفت: «من نیز از شما یک سخن می پرسم، اگر آن را به من بگویید من هم به شما خواهم گفت به چه اقتداری این را می کنم. ^{۲۵} تعمید یحیی از کجا بود؟ از آسمان یا از انسانها؟» ایشان در بین خود بحث کرده می گفتند: «اگر بگوییم از آسمان، به ما

۱۷-۱۲:۲۱: عیسی در معبد اورشلیم (لو ۱۹:۴۵-۴۶؛ مر ۱۱:۱۵-۱۹؛ یو ۱۳:۱۷-۱۷). معبد اورشلیم ساختمانی عظیم بود که در سرتاسر امپراتوری روم شناخته شده بود. بازسازی معبدی که در زمان عیسی وجود داشت به دست هیرودیس کبیر شروع شده و بزرگترین پروژه ساختمانی او بشمار می رفت، کاری که در سال ۲۰ ق.م شروع شد و در سال ۶۳ میلادی تکمیل گردید. معبد دارای محوطه های زیادی، از جمله مکانهایی برای خرید و فروش حیوانات قربانی، جاهائی برای بازدید کنندگان خارجی به جهت تبدیل پول کشور خود به پول معبد و همچنین دارای دفاتری برای مقامات محلی و حکومتی بود. ^{۱۳} عیسی با ترکیب متون ارا ۷:۱۱ و اش ۵۶:۷ برخی از حاضرین در معبد را محکوم می کند و آنان را راهزن می نامد، همان واژه ای که در توصیف دو مرد مصلوب کنار عیسی آمده است (۳۸:۲۷). ^{۱۶} مز ۸:۱۷. بیت عنیا، روستائی دیگر در شرق اورشلیم.

۱۸-۲۲:۲۱: درخت انجیر بی میوه (مر ۱۲:۱۲-۱۴، ۲۰-۲۵). مثل درخت انجیر مابین دو روایت مجادله در معبد قرار گرفته که نشانه داوری علیه معبد است (۳۷:۲۳-۳۸:۲۴). ^{۲۱} ۲۱:۱۷. ^{۲۰} ۲۲:۷. ^{۲۲} ۲۷:۲۳-۲۷:۲۱: اقتدار عیسی (مر ۱۱:۲۷-۳۳؛ لو ۱۰:۸-۱۰). دومین خطاب عیسی در معبد مستقیماً به رؤسای معبد است. ^{۲۳} به چه اقتداری، بیانگر این است که آنان عیسی را تحریک کننده عوام می دانند.

باغبانان یاغی

^{۳۳} «مثل دیگری گوش کنید. صاحب خانه ای بود که تاکستانی کاشت و آن را محصور کرد و در آنجا چرخشتی کند و برجی بنا نمود. سپس آن را به باغبانانی اجاره داده و به سفر رفت. ^{۳۴} وقتی فصل میوه فرارسید خادمان خود را نزد باغبانان فرستاد تا میوه هایش را بگیرند. ^{۳۵} و باغبانان خادمان را گرفته، یکی را زدند، یکی را کشتند و دیگری را سنگسار کردند. ^{۳۶} باز خادمان دیگری، بیشتر از اولی ها فرستاد و ایشان با آنان نیز همین کردند. ^{۳۷} بالاخره پسرش را نزد ایشان فرستاده با خود گفت: "پسر مرا حرمت خواهند داشت." ^{۳۸} اما باغبانان، با دیدن پسر بین خود گفتند: "این هم وارث؛ بیائید او را بکشیم و ارثش را تصاحب کنیم." ^{۳۹} و او را گرفته، از تاکستان بیرون انداخته او را کشتند. ^{۴۰} پس وقتی صاحب تاکستان بیاید با این باغبانان چه خواهد کرد؟» ^{۴۱} به او گفتند: «این بدکاران را به سختی هلاک خواهد کرد و تاکستان را به باغبانان دیگری اجاره خواهد داد که میوه ها را در فصل خود به او تحویل دهند.» ^{۴۲} عیسی به

خواهد گفت پس چرا به او ایمان نیاوردید؟ ^{۲۶} اگر بگوییم از انسانها، از مردم می ترسیم زیرا همه یحیی را پیامبر می دانند.» ^{۲۷} پس در جواب عیسی گفتند: «نمی دانیم.» او نیز به ایشان گفت: «من هم به شما نمی گویم با چه اقتداری این کارها را می کنم.»

دو پسر

^{۲۸} «چه می پندارید؟ مردی دو پسر داشت. نزد اولی رفته گفت: "فرزند، امروز به تاکستان من برو و کار کن." ^{۲۹} او در جواب گفت: "نمی روم؛ بعد پشیمان شده رفت. ^{۳۰} نزد دومی رفته همین را نیز به او گفت و این یکی در جواب گفت: "بله سرورم" و نرفت. ^{۳۱} کدام یک از آن دو اراده پدر را انجام داده است؟» به او گفتند: «اولی.» عیسی به ایشان گفت: «آمین! به شما می گویم که باجگیران و فاحشه ها پیش از شما وارد ملکوت خدا می شوند. ^{۳۲} زیرا یحیی در راه عدالت نزد شما آمد و به او ایمان نیاوردید؛ اما باجگیران و فاحشه ها به او ایمان آوردند و شما با دیدن این نیز بالاخره توبه نکردید تا به او ایمان بیاورید.»

^{۲۶}: از جمعیت می ترسیم، ۱۴:۵؛ یوسفوس، باستان ۱۸:۱۱۸. ^{۲۷}: چنان چه رؤسای معبد اقتدار یحیی را تأیید نمی کردند، بی فایده است که از آنان خواسته شود تا بر ادعاهای عیسی صحنه بگذارند. ^{۲۸-۲۹}: ^{۳۲}: باجگیران، فاحشه ها و ملکوت خدا. مثل دو پسر در خصوص این موضوع است که چرا کسانی که در رعایت شریعت موسی بی مبالا و تنبل هستند، ملکوت خدا را می پذیرند. ^{۳۱-۳۲}: باجگیر، ر.ک ۱۰:۹ توضیح. باجگیران همراه با فاحشه ها منفورترین افراد جامعه محسوب می شدند. این مثل، دشمنان عیسی را به خاطر بی ایمانی شان محکوم می کند (در مورد کاربرد مثل برای محکوم کردن قدرتمندان ر.ک ۲ سمو ۱۲:۱-۱۵).

^{۳۳-۳۴}: ^{۴۶}: مثل باغبانان شریر (مر ۱۲:۱-۱۲؛ لو ۲۰:۹-۱۹). ر.ک اش ۵:۱-۷. تاکستان استعاره ای سنتی برای اسرائیل بود. ^{۳۳-۴۶}: این مثل، تمثیلی است که در آن تاکستان، اورشلیم است؛ باغبانان، رؤسای مذهبی (ر.ک آیه ۴۵)؛ خادمان، پیامبران؛ و پسر، خود عیسی مسیح است. ^{۳۳}: کاشت... محصور کرد... چرخشت... برج، تقریباً نقل قولی مستقیم از اش ۵:۲ است. باغبانان قرار بود سهم معین صاحب باغ از محصول را بدهند و بقیه را برای خود نگاه دارند. ^{۳۵-۳۹}: باغبانان امیدوار بودند که همه محصول را تصاحب کنند. ^{۴۱}: پیشگوئی ویرانی اورشلیم. باغبانان دیگر یعنی کلیسا یا شاید رهبران کلیسا. ^{۴۲}:

ایشان گفت: «مگر هرگز در نوشته های مقدس نخوانده اید: "همان سنگی را که بنایان رد کردند، سرزویه گردید. این از جانب خداوند است و به نظر ما عجیب می آید." ۴۳ بدین سبب به شما می گویم که ملکوت خدا از شما گرفته شده به ملتی داده خواهد شد که ثمر آن را بیاورد. ۴۴ و کسی که بر این سنگ بیفتد خرد خواهد شد، و بر کسی که این سنگ بیفتد او را خرد خواهد کرد.» ۴۵ و کاهنان اعظم و فریسیان با شنیدن مثل های او دانستند که درباره ایشان سخن می گوید. ۴۶ و در پی دستگیری عیسی بودند ولی از مردم می ترسیدند چون که او را پیامبر می دانستند.



ضیافت عروسی

۱ و عیسی به سخن درآمده باز به مثل ها ایشان را خطاب کرده گفت: ۲ «ملکوت آسمان مانند پادشاهی است که برای پسرش جشن عروسی برپا کرد. ۳ و خادمان خود را فرستاد تا دعوت شدگان را به جشن عروسی فراخوانند و ایشان نخواستند بیایند. ۴ باز خادمان دیگری فرستاده گفت: "به

دعوت شدگان بگویید اینک سفره را آماده کرده ام. گاوها و پرواری هایم ذبح شده و همه چیز آماده است. به جشن عروسی بیایید." ۵ اما ایشان بی اعتنایی کرده رفتند، یکی به کشتزار خود، یکی به تجارت خود. ۶ دیگران خادمان او را گرفته به ایشان توهین کرده و آنان را کشتند. ۷ پادشاه خشمگین شده لشکریان خود را فرستاد تا این قاتلان را به هلاکت رسانده شهرشان را به آتش کشند. ۸ آنگاه به خادمان خود گفت: "جشن عروسی آماده است ولی دعوت شدگان شایسته نبودند. ۹ پس به سر راهها بروید و هر که را می یابید به عروسی دعوت کنید." ۱۰ و این غلامان به سر راهها بیرون شده تمام هر که را پیدا کردند، از خوب و بد جمع کردند و تالار عروسی پر از میهمان شد. ۱۱ پادشاه برای دیدن میهمانان وارد شده در آنجا مردی را دید که لباس عروسی بر تن نداشت. ۱۲ و به او گفت: "رفیق، چطور بدون لباس عروسی وارد شده ای؟" آن مرد دهان خود را نگشود. ۱۳ آنگاه پادشاه به خادمان گفت: "دست و پای او را ببندید و او را بیرون، در ظلمت خارجی بیندازید؛ جایی که گریه و فشار دندانها خواهد بود." ۱۴ زیرا خواننده شدگان بسیارند و برگزیدگان اندک.»

مز ۱۱۸: ۲۲-۲۳.

۱۴-۱: ۲۲: جشن عروسی (لو ۱۴: ۱۶-۲۴). این مثل نیز مانند مثل قبلی به موضوع ملکوت و عدم ورود دعوت شدگان اولیه به ملکوت می پردازد. ۴: باز... فرستاد، طبق تفسیر سنت کلیسا، دو گروه فرستادگان اولیه (آیات ۳-۴) تمثیلی برای پیامبران و فرستادگان سوم (آیه ۱۰) مبشرین مسیحی هستند (ایرنائوس، بر ضد بدعتها ۴: ۳۶، ۵). ۷: ویرانی اورشلیم توسط سپاهیان روم در سال ۷۰ م. (یوسفوس، جنگها ۶: ۳۵۳-۴۰۸). ۱۰: جایگزینی مسیحیان به جای مخالفان عیسی. ۱۱-۱۴: شاید این موضوع، در اصل مثلی جداگانه بوده که مانند مثل های داوری در بابهای ۲۴-۲۵ راجع به آمادگی است. در غیر این صورت، با توجه به نحوه جمع شدن مهمانان حاضر (آیات ۹-۱۰)، نپوشیدن لباس عروسی توسط این مهمان تعجب آور به نظر

پرداخت خراج به قیصر

^{۱۵} آنگاه فریسیان رفته شورا کردند تا او را با سخنی به دام اندازند. ^{۱۶} و شاگردان خود و هیرودیان را نزد او فرستاده گفتند: «ای استاد، می دانیم که تو صادق هستی و راه خدا را به حقیقت تعلیم می دهی و از کسی باک نداری زیرا به ظاهر انسانها توجهی نداری. ^{۱۷} پس نظر خود را به ما بگو. آیا دادن مالیات به قیصر مجاز است یا خیر؟» ^{۱۸} عیسی شرارت ایشان را درک کرده گفت: «ای ریاکاران، چرا مرا امتحان می کنید؟ ^{۱۹} سکه مالیات را به من نشان بدهید.» ایشان به او سکه ای یک دیناری دادند. ^{۲۰} و او به ایشان گفت: «این تصویر و این نوشته از کیست؟» ^{۲۱} گفتند: «از قیصر.» آنگاه به ایشان گفت: «پس مال قیصر را به قیصر دهید و مال خدا را به خدا.» ^{۲۲} و چون این را شنیدند حیرت کردند و او را ترک کرده رفتند.

رستاخیز مردگان

^{۲۳} در همان روز صدوقیان که رستاخیز را انکار می کنند نزد او آمده سؤال کردند: ^{۲۴} «استاد، موسی

گفته است: "اگر کسی بی اولاد بمیرد، برادرش با بیوه او ازدواج کند تا نسلی برای برادرش باقی بگذارد." ^{۲۵} باری در بین ما هفت برادر بودند و اولی بعد از ازدواج درگذشت و چون نسلی نداشت زن خود را به برادرش وا گذاشت. ^{۲۶} به همین ترتیب دومی و سومی تا هفتمی. ^{۲۷} آخر از همه، آن زن مُرد. ^{۲۸} پس در رستاخیز آن زن متعلق به کدام یک از آن هفت خواهد بود؟ زیرا همگی با او ازدواج کرده بودند.» ^{۲۹} عیسی در پاسخ به ایشان گفت: «شما گمراه هستید زیرا نه از نوشته های مقدس آگاهید و نه از قدرت خدا. ^{۳۰} زیرا در رستاخیز نه زن می گیرند و نه شوهر می کنند بلکه مانند فرشتگان آسمان هستند. ^{۳۱} و درباره رستاخیز مردگان، آیا آن کلامی را که خدا به شما اعلام کرده نخوانده اید؟ ^{۳۲} "من هستم خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب. او خدای مردگان نیست بلکه خدای زندگان." ^{۳۳} و چون آن جماعت این را شنیدند از تعلیم او حیرت کردند.

می رسید. ۱۳: ظلمت خارجی... گریه... فشار دندانها، تصاویری از جهنم هستند (۱خنوخ ۹-۱۰).

۲۲: ۱۵-۴۶: سلسله مباحثاتی با رهبران محلی (مر ۱۲: ۱۳-۳۷: لو ۲۰: ۲۰-۴۴).

۲۲: ۱۵-۲۲: (مر ۱۲: ۱۳-۱۷: لو ۲۰: ۲۰-۲۶). ۱۵: دشمنی رهبران و رؤسای محلی با عیسی و پیروانش علنی می گردد. ۱۶: هیرودیان، حامیان سیاسی هیرودیس. از آنجا که منشأ هیرودیس به ادومیه که منطقه ای غیریهودی بود برمی گشت، بسیاری از یهودیان فرمانروائی او بر اسرائیل را مشروع نمی دانستند آن را قبول نداشتند. ۱۷: تأیید مالیات موجب ناراحتی یهودیان ملی گرا می شد و مخالفت با دادن مالیات، اقدامی خائنانه بشمار می آمد. سرشماری مالیاتی باعث شورش بزرگ سال ۶۶م. گردید (یوسفوس، جنگها ۲: ۱۱۸). ۲۰: تصویر چه کسی، تنها سکه هائی که توسط ضرابخانه امپراتوری ضرب شده بود، شاید دینار نقره، حاوی تصاویر قیصر و نوشته هائی به افتخار او به عنوان خدا بود.

۲۲: ۲۳-۳۳: (مر ۱۲: ۱۸-۲۷: لو ۲۰: ۲۷-۳۸). ۲۳: صدوقیان، ر.ک ۷: ۱۲-۱۲ توضیح. آنان تنها به این دلیل که رستاخیز مردگان در تورات نیامده، آن را قبول نداشتند. ۲۴: قانون ازدواج با برادر شوهر، تث ۲۵: ۵. ۲۶: تا هفتمی، انعکاس طو ۷: ۳-۱۰ است. ۳۱-۳۲: خروج ۳: ۶ (این آیه تلویحاً بیان می کند که

بزرگترین فرمان

^{۴۵} پس اگر داود او را خداوند می خواند چگونه پسر او باشد؟^{۴۶} و هیچ کس نتوانست به او یک کلمه جواب دهد و از آن پس دیگر کسی جرأت نکرد از او سؤالی بکند.

^{۳۴} چون فریسیان شنیدند که عیسی دهان صدوقیان را بسته با هم جمع شدند.^{۳۵} و یکی از ایشان که عالم شریعت بود برای اینکه وی را امتحان کند از او سؤال کرد: ^{۳۶} «ای استاد، در تورات کدام فرمان بزرگتر است؟»^{۳۷} به او گفت: «خداوند، خدای خود را با تمام دل و تمام روح و تمام فهم خود محبت نما. ^{۳۸} همین است اولین و بزرگترین فرمان. ^{۳۹} دومی مثل آن است: همسایه خود را مانند خود محبت نما. ^{۴۰} اساس تمام تورات و کتابهای پیامبران این دو فرمان است.»



انتقاد از فریسیان

^۱ آنگاه عیسی جماعت مردم و شاگردانش را خطاب کرده گفت: ^۲ «کاتبان و فریسیان بر مسند موسی نشسته اند. ^۳ پس هر آنچه به شما گویند عمل کنید و مراعات نمایند ولی مثل ایشان عمل نکنید زیرا می گویند و عمل نمی کنند. ^۴ بارهای سنگین می بندند و بر دوش مردم می گذارند ولی خود نمی خواهند با انگشتی آنها را حرکت دهند. ^۵ تمام کارهایشان برای آن است که انسانها ببینند. زیرا حمایل های خود را بزرگتر و حاشیه های لباس خود را پهن تر می کنند. ^۶ در مهمانی ها صدر مجلس را دوست دارند و در کنیسه ها اولین کرسی ها را. ^۷ در معابر به آنان سلام کنند و مردم ایشان را استاد

پسر داود و خداوند او

^{۴۱} هنگامی که فریسیان دور هم جمع شده بودند عیسی از ایشان سؤال کرده گفت: ^{۴۲} «درباره مسیح چه فکر می کنید؟ او پسر کیست؟» به او گفتند: «پسر داود». ^{۴۳} به ایشان گفت: «پس چگونه داود در روح او را خداوند می خواند؟ چنان که گفت: ^{۴۴} "خداوند به خداوند من گفت به دست راست من بنشین تا دشمنانت را به زیر پاهایت اندازم."

پدران قوم هنوز زنده بودند).

^{۲۲:۳۴-۴۰}: (مر ۲۸:۱۲-۳۴؛ لو ۲۵:۲۰-۲۸). ^{۳۵}: عالم شریعت، محقق تورات یا کاتب. ^{۳۶}: گفته می شود که ربی هیلل در تلمود به این سؤال چنین جواب داده است: «آنچه برای تو ناپسند است به همسایه ات مکن. این است تورات، باقی تفسیر است. برو و آن را بیاموز» (ر. ک ۷:۱۲). ^{۴۰}: تورات و پیامبران، دو بخش اول از سه بخش کتاب مقدس عبری.

^{۲۲:۴۱-۴۶}: **هویت پسر داود** (مر ۳۵:۱۲-۳۷؛ لو ۲۰:۴۱-۴۴) عیسی با پرسیدن سؤالی درباره مسیح موعود، توپ را به زمین مخالفانش می اندازد. ^{۴۳}: داود، به عنوان نویسنده اکثر مزامیر. ^{۴۴}: مز ۱۱۰:۱۰. خداوند اول خدا است و خداوند دوم مسیح. این بحث مؤید این ایمان است که فرزندان شخص نمی توانند بزرگتر از پدر خود باشند.

^{۲۳:۱-۳۹}: **پنجمین موعظه.**

^{۲۳:۱-۳۶}: **نکوهش فریسیان** (مر ۳۸:۱۲-۴۰؛ لو ۴۵:۲۰-۴۷؛ ر. ک لو ۱۱:۳۹-۵۲). تمام این باب اختصاص به داوری شدید عیسی بر ضد رهبری مذهبی قوم دارد. ^۲: مسند موسی، شاید استعاره ای برای اقتدار و اعتبار تعلیم باشد. ^۵: حمایل، کیسه های کوچک چرمی که حاوی آیاتی از کتب مقدس بود (به عنوان مثال تث ۶:۴-۹) که به پیروی از تث ۶:۸، بر پیشانی یا بازوی چپ بسته می شد. حاشیه ردا، نوارهای آبی

بخوانند.^۸ اما شما استاد خوانده نشوید زیرا فقط یک استاد دارید و همه شما برادر هستید.^۹ و در میان خود هیچکس را بر زمین «پدر» نخوانید زیرا پدر شما یکی است که در آسمان است.^{۱۰} شما رهبر خوانده نشوید زیرا رهبر شما یکی است یعنی مسیح.^{۱۱} بزرگترین در بین شما خادم شما باشد.^{۱۲} هر که خود را بالا برد پست شود و آن که خود را فروتن سازد سرافراز گردد.^{۱۳} وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! در ملکوت آسمان را به روی آدمیان می بندید زیرا خود وارد نمی شوید و کسانی را که می خواهند وارد شوند نمی گذارید.^{۱۴} [وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار، زیرا خانه های بیوه زنان را غارت می کنید و از روی تظاهر دعای خود را طول می دهید، از این رو عذابتان شدیدتر خواهد بود].^{۱۵} وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! دریا و خشکی را می پیماید تا یکی را مرید خود کنید و چون شد او را دو بار بدتر از خود پسر جهنم می سازید.^{۱۶} وای بر شما ای رهبران کور! که می گوئید: اگر کسی به قدس قسم خورد باکی نیست، اما اگر کسی به طلالی قدس قسم خورد متعهد می باشد.^{۱۷} ای ابلهان و ای کوران! کدام یک بزرگتر است، طلا یا آن قدسی که طلا را مقدس می کند؟^{۱۸} و اگر کسی به قربانگاه

قسم خورد باکی نیست، اما اگر کسی به قربانی که بر آن است قسم خورد متعهد می باشد.^{۱۹} ای کوران! کدام یک بزرگتر است، قربانی یا آن قربانگاهی که قربانی را مقدس می سازد؟^{۲۰} پس هر که به قربانگاه قسم خورد به آن و هر چه بر آن است قسم می خورد.^{۲۱} و هر که به قدس قسم خورد به قدس و آن که در آن ساکن است قسم می خورد.^{۲۲} و هر که به آسمان قسم خورد به تخت خدا و او که بر آن نشسته قسم می خورد.^{۲۳} وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! برای عنعان، شوید و زیره ده یک می پردازید و چیزی را که در تورات وزنی عالی تر دارد یعنی عدالت، رحمت و ایمان را ترک می کنید. می بایست این را کرد و آن را ترک نمود.^{۲۴} ای رهبران کور! که پشه را صافی می کنید و شتر را می بلعید.^{۲۵} وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! که بیرون کاسه و بشقاب را پاک می کنید در حالی که درون پُر از محصول دزدی و ناپرهیزکاری است.^{۲۶} ای فریسی کور! اول درون کاسه را پاک کن تا بیرون آن هم پاک شود.^{۲۷} وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! به قبرهای سفید شده می مانید که از بیرون زیبا می نمایند ولی درون پُر از استخوانهای مُردگان و هر گونه ناپاکی هستند.^{۲۸} همچنین شما نیز از بیرون در نظر انسانها

رنگی که در چهار گوشه ردا دوخته می شد که یادآور اطاعت از احکام بود (اعد ۳۸:۱۵-۴۰).
 ۱۳: هفت وای (آیات ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۲۹) رعایت مذهب تهی را نکوهش می کند. اینها را نباید به عنوان اعلام جرم علیه تمامی فریسیان یا تمام یهودیان زمان عیسی تلقی نمود. ریاکار، واژه ای برگرفته از نمایش های یونانی که اشاره به نقش بازی کردن هنرپیشگان دارد. ۱۶: هیچ قرینه ای برای این موضوع در دست نیست، اما عبارتی شبیه این در نوشته های ربی های دوران عیسی دیده می شود. ۲۳: ده یک، لاو ۲۷:۳۰. نکته اصلی این نکوهش ظاهراً این است که تلاش برای عمل به شریعت مستلزم دادن ده یک حتی برای این گیاهان ناچیز است، در حالی که فریسیان الزامات مهم و اصلی شریعت را نادیده می گرفتند (ر.ک میک ۸:۶). ۲۴: پشه را صافی می کنید، حشره ای که ممکن بود در جام شراب بیفتد (مطابق لاو ۱:۲۰-۲۳ ناپاک بود). شتر، حیوان ناپاک (لاو ۱:۴)، نمونه ای تمثیلی از جاندار عظیم الجثه (ر.ک ۲۴:۱۹).

توبیخ اورشلیم

^{۳۷} «ای اورشلیم، ای اورشلیم، تو که پیامبران را می‌کشی و کسانی را که به سوی تو فرستاده شده‌اند سنگسار می‌کنی، بارها خواسته‌ام فرزندان تو را جمع کنم همچون مرغی که جوجه‌هایش را به زیر بالهایش جمع می‌کند... و نخواستید. ^{۳۸} اینک خانه شما برایتان متروک گذاشته می‌شود. ^{۳۹} زیرا به شما می‌گویم دیگر مرا نخواهید دید تا این که بگویید: مبارک باد او که به نام خداوند می‌آید.»



اعلام ویرانی معبد

(مرقس ۱۳: ۱-۴؛ لوقا ۲۱: ۵-۷)

^۱ و عیسی از معبد خارج شده می‌رفت که شاگردانش پیش آمدند تا بناهای معبد را به او نشان دهند. ^۲ او به سخن درآمده به ایشان گفت: «آیا همه اینها را می‌بینید؟ آمین به شما می‌گویم در اینجا سنگی بر سنگی نخواهد ماند که ویران

عادل می‌نمایید اما در درون پُر از ریا و شرارت هستید. ^{۲۹} وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! مقبره‌های پیامبران را می‌سازید و قبرهای عادلان را تزیین می‌کنید. ^{۳۰} و می‌گویید: "اگر در دوران پدرانمان بودیم با ایشان در ریختن خون پیامبران شریک نمی‌شدیم." ^{۳۱} بدین سان بر ضد خود شهادت می‌دهید که پسران قاتلان پیامبران هستید. ^{۳۲} و پیمانۀ پدرانتان را پُر می‌کنید. ^{۳۳} ای ماران! ای افعی زادگان! مگر می‌توانید از محکومیت جهنم بگریزید؟ ^{۳۴} پس اینک من پیامبران، حکیمان و کاتبان به سوی شما می‌فرستم. بعضی را کشته و مصلوب خواهید کرد و بعضی را در کنیسه‌هایتان تازیانه زده و آنان را شهر به شهر آزار خواهید داد. ^{۳۵} این گونه خون عادلانی که بر زمین ریخته شده، از خون هابیل عادل تا خون زکریا پسر برخیا که بین قدس و قربانگاه به قتل رساندید بر شما خواهد آمد. ^{۳۶} آمین! به شما می‌گویم که این همه بر این نسل خواهد آمد.»

^{۲۷}: قبرهای سفید شده، به این خاطر قبرها را رنگ سفید می‌زدند تا زائرنی که برای برگزاری جشن فصح به اورشلیم می‌آمدند اشتباهاً آنها را لمس نکنند و نجس نشوند. ^{۳۰}: خون پیامبران، ^{۲۰: ۲۴-۲۲}. روایات دیگری از کشتن پیامبران وجود دارد که در کتاب مقدس عبری نیامده است. ^{۳۳}: ر. ک ^{۷: ۳}. ^{۳۴}: تازیانه، ر. ک ^{۱۷: ۱۰} توضیح. کنیسه‌های شما، اشاره به جدائی بین مسیحیان زمان متی و دیگر گروه‌های یهودی که قبلاً شروع شده بود. ^{۳۵}: هابیل، پید ^{۸: ۴-۱۰}. هویت این زکریا نامعلوم است: ر. ک ^{۲۰: ۲۴-۲۲}: زک ^{۱: ۱}.

^{۳۷-۳۹}: نکوهش اورشلیم (لوقا ۱۳: ۳۴-۳۵) آیات پایانی بر این رهبران که در مهمترین رویداد دوران زندگی متی یعنی سقوط اورشلیم و ویرانی معبد می‌زیستند دلالت دارند، واقعه‌ای که هنوز هم برای متی در زمان نگارش انجیل، تلخ و تأثیرگذار است: ر. ک ^{۲۲: ۵}. ^{۳۹}: مز ^{۱۱۸: ۲۶} انعکاسی از ^{۹: ۲۱} است. ^{۵۱-۱}: خطابه درباره زمان آخر (مرقس ۱۳: ۱-۳۷؛ لوقا ۲۱: ۵-۳۶).

^{۳-۱}: ^{۲۴}: اعلام ویرانی معبد اورشلیم (مرقس ۱۳: ۱-۴؛ لوقا ۲۱: ۵-۷). عیسی در این موعظه درباره زمان آخر تعلیم می‌دهد. نویسندگان بسیاری، هم یهودی و هم مسیحی و نیز فلاسفه رواقی در این باور شریک هستند که تاریخ به سوی تحولی بزرگ و بسیار دگرگون کننده پیش می‌رود. ^{۲-۱}: ویرانی معبد اورشلیم در سال ۷۰ میلادی به دست رومیان، به عنوان شروع زمان آخر در نظر گرفته شده است. ^۳: کوه زیتون، ر. ک ^{۱: ۲۱}.

نشود.»^۳ چون بر کوه زیتون نشسته بود شاگردان در خلوت نزد او آمده به او گفتند: «به ما بگو، اینها چه وقت روی خواهد داد؟ و نشانه آمدن تو و پایان این جهان چیست؟»

کند نجات خواهد یافت.^{۱۴} و این بشارت ملکوت، برای شهادت به همه ملت‌ها در تمام دنیای مسکون اعلام خواهد شد و آنگاه پایان فرا خواهد رسید.

مصیبت عظیم

^{۱۵} «پس چون مشاهده کنید مکروه ویرانگر که دانیال نبی گفته بود در مکان مقدس مستقر شده است - خواننده آن را دریابد! -^{۱۶} آنگاه کسانی که در یهودیه هستند به کوهها بگریزند.^{۱۷} آن که بر پشت بام است پایین نیاید تا چیزی از خانه بردارد.^{۱۸} و آن که در کشتزار است به عقب برنگردد تا ردای خود را بردارد.^{۱۹} وای بر آنانی که باردار خواهند بود و آنان که در آن روزها شیر خواهند داد.^{۲۰} دعا کنید فرار شما در زمستان یا در روز سبت نباشد.^{۲۱} زیرا در آن وقت مصیبت بزرگی خواهد بود چنان که از آغاز دنیا تا کنون نظیر آن روی نداده و دیگر هرگز روی نخواهد داد.^{۲۲} و اگر آن روزها کوتاه نمی شد هیچ آفریده ای نجات نمی یافت ولی به خاطر برگزیدگان این روزها کوتاه خواهند شد.^{۲۳} آنگاه اگر کسی به شما بگوید: اینک مسیح در اینجا یا در آنجا است باور مکنید.^{۲۴} زیرا مسیح های دروغین و پیامبران دروغین ظهور خواهند کرد که نشانه های بزرگ و کرامات انجام خواهند

آغاز دردها

^۴ عیسی در پاسخ به ایشان گفت: «هوشیار باشید که کسی شما را گمراه نکند.^۵ زیرا بسیاری به نام من آمده خواهند گفت: "من مسیح هستم" و بسیاری را گمراه خواهند کرد.^۶ از جنگها و از اخبار جنگها خواهید شنید. زنها را! نگران نشوید. زیرا این باید انجام شود، اما هنوز پایان نیست.^۷ زیرا ملتی بر ضد ملتی و مملکتی بر ضد مملکتی برخواید خاست، در جاهایی قحطی ها و زمین لرزه ها روی خواهد داد.^۸ تمام اینها آغاز دردهای زایمان است.^۹ آنگاه شما را به مصیبت دچار خواهند کرد و شما را خواهند گشت و به خاطر نام من منفور همه ملت ها خواهید شد.^{۱۰} پس بسیاری دچار لغزش خواهند شد و عده ای یکدیگر را تسلیم کرده و عده ای از یکدیگر نفرت خواهند داشت.^{۱۱} پیامبران دروغین بسیاری برخواید خاست و بسیاری را گمراه خواهند کرد.^{۱۲} و چون شرارت افزون شود محبت تعداد زیادی به سردی خواهد گرایید.^{۱۳} ولی هر که تا پایان صبر

توضیح.

۲۴:۴-۱۴: نشانه های پایان این دوران (مر ۱۳:۵-۱۳؛ لو ۲۱:۸-۱۹): ۷: ملتی بر ضد ملتی، یا به ترجمه دیگر: قومی بر ضد قومی و سلطنتی بر ضد سلطنتی برخواید خاست. ایده ملت - دولت، ایده سیاسی جدیدتری است که نمی توان به دوران اناجیل اطلاق نمود. ۱۴: ر. ک ۱۹:۲۸-۲۰. **۲۴:۱۵-۲۵: مصیبت بزرگ (مر ۱۳:۱۴-۲۳؛ لو ۲۱:۲۰-۲۴):** ۱۵: مکروه ویرانگر، اجرای قوانین غیریهودی، مخصوصاً بت پرستی و قربانی حیوانات ناپاک در معبد. آنتیوخوس چهارم، پادشاه سلوکی در سال ۱۶۷ ق.م. دست به چنین اعمال شنیعی زد (۱ مک ۱:۵۴) و با این کار زمینه شورش مکابیان را ایجاد نمود، ر. ک دان ۹:۲۷؛ ۱۱:۳۱؛ ۱۲:۱۱. دانیال، ر. ک دان ۹-۱۲. خواننده دریابد، جمله معترضه ای که نشان می دهد مخاطب نهائی این گفتار عیسی، مسیحیان بعدی هستند. ۲۰: زمستان... سبت، زمانی که احتمالاً غذا پیدا نمی شود یا بسیار کم است. ۲۱: دان ۱۲:۱؛ یول ۲:۲۴: مسیح های دروغین، بازتابی از رقابت بین گروه های یهودی که در انتظار مسیح موعود بودند مانند جامعه قمران یا دیگر نهضت های مردمی مثل یحیی

شده است.^{۳۴} آمین به شما می‌گویم که این نسل نخواهد گذشت پیش از آن که این همه انجام شود.^{۳۵} آسمان و زمین از بین خواهند رفت ولی سخنان من هرگز زایل نخواهد شد.

داد تا اگر ممکن می‌بود حتی برگزیدگان را گمراه سازند.^{۳۵} اینک از پیش به شما گفتم.

آمدن پسر انسان

^{۲۶} «پس اگر به شما بگویند: اینک او در صحراست، بیرون نروید. یا اینک در مخفیگاه است باور مکنید.^{۲۷} زیرا به همان گونه که رعد از مشرق می‌آید و تا مغرب می‌درخشد، آمدن پسر انسان به همین گونه خواهد بود.^{۲۸} هر جا که مردار باشد در آنجا کرکس‌ها جمع می‌شوند.^{۲۹} بلافاصله پس از مصیبت این روزها، خورشید تاریک خواهد شد و ماه روشنایی خود را نخواهد داد و ستارگان از آسمان خواهند افتاد و قدرتهای آسمانها متزلزل خواهند گردید.^{۳۰} و آنگاه نشانه پسر انسان در آسمان ظاهر خواهد شد و آنگاه تمام قبایل زمین به سینه خود خواهند زد و پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال بسیار بر ابرهای آسمان می‌آید.^{۳۱} و فرشتگان خود را با کرنای بزرگ فرستاده و آنها برگزیدگان او را از چهار گوشه جهان، از یک کرانه تا کرانه دیگر آسمان جمع خواهند کرد.^{۳۲} از درخت انجیر این مثل را بیاموزید. همین که شاخه اش نرم شد و برگها رویید می‌دانید که تابستان نزدیک است.^{۳۳} همچنین شما نیز وقتی همه اینها را ببینید بدانید که او به دروازه نزدیک

کسی آن روز را نمی‌داند: بیدار باشید!^{۳۴} اما درباره آن روز و آن ساعت، کسی نمی‌داند؛ نه فرشتگان آسمان، نه پسر بلکه تنها پدر.^{۳۷} ایام نوح چنین بود و آمدن پسر انسان نیز چنین خواهد بود.^{۳۸} زیرا در روزهای پیش از طوفان مشغول خوردن و نوشیدن یا زن گرفتن یا شوهر کردن بودند تا روزی که نوح وارد کشتی شد^{۳۹} و چیزی ندانستند تا طوفان آمد و همه را با خود برد، آمدن پسر انسان نیز چنین خواهد بود.^{۴۰} آنگاه از دو مرد که در کشتزار باشند یکی برگرفته و دیگری گذاشته خواهد شد.^{۴۱} از دو زن که آسیاب می‌کنند یکی برگرفته و دیگری گذاشته خواهد شد.^{۴۲} پس بیدار باشید چون نمی‌دانید خداوند شما در چه روزی می‌آید.^{۴۳} این را خوب بدانید: اگر صاحب‌خانه می‌دانست دزد در چه پاسی از شب می‌آید بیدار مانده نمی‌گذاشت خانه‌اش را سوراخ کند.^{۴۴} پس شما نیز آماده باشید زیرا در ساعتی که تصور نمی‌کنید پسر انسان می‌آید.

تعمید دهند.

۲۴:۲۶-۳۵: نشانه آمدن پسر انسان (مر ۱۳:۲۴-۳۱؛ لو ۱۷:۲۳-۲۴؛ ۲۵:۲۱-۳۱). ۲۷: پسر انسان، شخصیتی مکاشفه‌ای که پیش از وقوع زمان آخر می‌آید (دان ۷)؛ ر. ک ۸:۲۰ توضیح. ۲۸: مردار... کرکس‌ها، عبارتی تمثیلی (ایوب ۳۹:۳۰؛ لو ۱۷:۳۷)؛ مسیح موعود نه در نقطه‌ای از قبل معین بلکه در جائی که لازم باشد ظهور خواهد کرد. ۲۹: اش ۱۳:۱۰؛ حزق ۳۲:۷. ۳۰: دان ۷:۱۳. ۳۱: اش ۲۷:۱۳؛ زک ۶:۲؛ ۱۶:۴. ۳۴: این نسل، پایان قریب الوقوع یکی از ویژگی‌های موعظه و تعلیم مسیحیان اولیه بود (۱ تس ۴:۱۷؛ ۲ تس ۲). ۳۵: ر. ک اش ۲۴:۴؛ ۴۰:۸. **۲۴:۳۶-۴۴: ساعت آمدن پسر انسان (مر ۱۳:۳۲-۳۵؛ لو ۱۷:۲۶-۲۷، ۳۴-۳۵؛ ۱۲:۳۹-۴۰).** ۳۷: ایام

خادم وفادار

^{۴۵} «کدام خادم وفادار و دانائی است که اربابش او را بر اهل خانه گمارده تا به آنان به موقع غذا بدهد. ^{۴۶} خوشا به حال این خادم! که چون اربابش بیاید او را مشغول چنین کارها بیابد. ^{۴۷} آمین به شما می گویم او را بر تمام اموالش خواهد گماشت. ^{۴۸} ولی اگر خادم شریر در دل خود بگوید: "ارباب من دیر می آید." ^{۴۹} و شروع به زدن همقطارانش بکند و با مستان بخورد و بنوشد. ^{۵۰} ارباب این غلام خواهد آمد در روزی که انتظار ندارد و در ساعتی که نمی داند. ^{۵۱} و او را قطعه قطعه کرده سزای او را با ریاکاران خواهد داد، در جایی که صدای گریه و فشار دندانها باشد.

دانا با چراغهای خود در روغن دانهها روغن برداشتند. ^۵ چون داماد دیر کرد همه چرت زده به خواب رفتند. ^۶ در نیمه شب فریادی برخاست: "اینک داماد! به استقبال وی بروید." ^۷ آنگاه همه باکره ها برخاستند و چراغهای خود را آماده کردند. ^۸ دختران نادان به دختران دانا گفتند: "از روغن خود به ما بدهید چون چراغهای ما خاموش می شود." ^۹ دختران دانا در جواب گفتند: "البته برای ما و شما کافی نخواهد بود. بهتر است بروید از فروشندگان برای خود بخرید." ^{۱۰} چون ایشان رفتند بخزند داماد آمد و آنان که آماده بودند با او وارد عروسی شدند و در بسته شد. ^{۱۱} سرانجام دیگر باکره ها نیز آمدند و گفتند: "خداوندا، خداوندا، برای ما باز کن." ^{۱۲} ولی او در جواب گفت: "آمین به شما می گویم که شما را نمی شناسم." ^{۱۳} پس بیدار باشید! زیرا شما آن روز و ساعت را نمی دانید.



ده باکره

^۱ «در آن وقت ملکوت آسمانها مانند ده باکره خواهد بود که چراغهای خود را برداشته به استقبال داماد بیرون رفتند. ^۲ آنان پنج دانا و پنج نادان بودند. ^۳ و دختران نادان چون چراغهای خود را برداشتند با آنها روغن برنداشتند. ^۴ ولی دختران

مثل تالان ها

^{۱۴} «این همانند مردی است که عازم سفر شده خادمان خود را خواند و اموالش را به ایشان سپرد. ^{۱۵} برابر قابلیت هر کدام، به یکی پنج تالان، به دیگری دو و به دیگری یک تالان داد و به سفر

نوح، پید ۶-۷.

۴۵:۲۴-۵۱: خادم وفادار (لو ۱۲:۴۲-۴۶). وفادار و دانا، هشدار نهائی خطاب به رهبران جامعه مسیحی است. ^{۵۱}: او را قطعه قطعه کرده، یعنی او را از بین ببرند. متی با ذکر همزمان این دو تصویر از مجازات (قطعه قطعه کردن با گریه و فشار دندانها) تصویری هراسناک ارائه داده است.

۱:۲۵-۱۳: مثل ده باکره. مثلی مکاشفه ای که ایمانداران را تشویق می کند تا امید و صبر خود را از دست ندهند و همچنان آماده باقی بمانند. ^۱: چراغها، که در مراسم عروسی حمل می شدند. به استقبال داماد، که به همراه عروسش از خانه پدر عروس به خانه خود می آمد. همه در این مراسم نقشی داشتند. حذف عروس در این آیه شاید به این دلیل است که تمثیل داماد به عنوان مسیح موعود پررنگ تر شود. ^۵: دیر کرد، اشاره به تأخیر در فرارسیدن زمان آخر. ^{۱۱-۱۲}: موضوعی درباره داوری و نه آمادگی. ^{۱۳}: ر. ک ۲۴:۴۲.

۱۴:۲۵-۳۰: مثل تالان ها (لو ۱۹:۱۲-۲۷). این مثل که به مثل «ارباب سختگیر» نیز معروف است، سومین مثل از مجموعه مثل های مربوط به طرز تفکر و رفتار در مواجهه با آمدن پسر انسان می باشد. ^{۱۵}: پنج

و در جایی که نپراکنده ام جمع می کنم.^{۲۷} پس می بایست پول مرا نزد صرافان می گذاشتی تا چون برمی گشتم مال خود را با بهره اش بیابم.^{۲۸} پس آن تالان را از او گرفته به آن که ده تالان دارد بدهید.^{۲۹} زیرا به هر که دارد داده خواهد شد و او به فراوانی خواهد داشت ولی آن که ندارد حتی آنچه دارد از او گرفته خواهد شد.^{۳۰} اما خادم بی فایده، او را به ظلمت خارجی بپردازید؛ جایی که صدای گریه و فشار دندانها باشد."

داوری

^{۳۱} «چون پسرانسان به همراه تمام فرشتگانش در جلال خود آید، آنگاه بر تخت جلال خود خواهد نشست.^{۳۲} و تمام ملت ها در برابر او جمع خواهند شد و آنان را از یکدیگر جدا خواهد کرد همچون شبانی که گوسفندان را از بزها جدا می کند.^{۳۳} و گوسفندان را به دست راست خود و بزها را به دست چپ خود قرار خواهد داد.^{۳۴} آنگاه پادشاه به آنان که در دست راست او هستند خواهد گفت: "بیایید ای برکت یافتگان از پدرم و ملکوت را که از بنیاد جهان برای شما آماده شده است به ارث دریافت کنید.^{۳۵} زیرا گرسنه بودم به من خوراک دادید، تشنه بودم به من آب دادید، بیگانه بودم مرا پناه دادید.^{۳۶} برهنه و مرا پوشانیدید، بیمار و مرا عیادت کردید، در زندان بودم و نزد من آمدید."^{۳۷} آنگاه عادلان در جواب او خواهند گفت: "خداوند کی تو را گرسنه دیده ایم تا به تو خوراک

رفت.^{۱۶} آن که پنج تالان دریافت کرده بود فوراً با آنها به تجارت پرداخت و پنج تالان دیگر سود بُرد.^{۱۷} همچنین آن که دو تالان داشت دو تالان دیگر سود بُرد.^{۱۸} آن که یک تالان دریافت کرده بود رفته زمین را کند و پول اربابش را پنهان کرد.^{۱۹} پس از مدتی دراز ارباب این خادمان آمد و حساب خود را با ایشان تسویه نمود.^{۲۰} آن که پنج تالان دریافت کرده بود پیش آمده پنج تالان دیگر آورد و گفت: "ای خداوند، این پنج تالان که به من سپرده بودی. اینک پنج تالان دیگر که سود برده ام."^{۲۱} اربابش به او گفت: "آفرین ای خادم خوب و وفادار! بر چیز اندک وفادار بودی؛ تو را بر چیز بسیار خواهم گماشت؛ در شادی خداوندت وارد شو."^{۲۲} همچنین آن که دو تالان دریافت کرده بود پیش آمده گفت: "خداوند این دو تالان که به من سپرده بودی. اینک دو تالان دیگر که سود برده ام."^{۲۳} اربابش به او گفت: "آفرین ای خادم خوب و وفادار! بر چیز اندک وفادار بودی، تو را بر چیز بسیار خواهم گماشت؛ در شادی خداوندت وارد شو."^{۲۴} همچنین آن که تنها یک تالان دریافت کرده بود پیش آمده گفت: "ای خداوند، تو را می شناسم که انسان سختگیری هستی، در جایی که نکاشته ای درو می کنی و جایی که نپراکنده ای جمع می کنی.^{۲۵} پس ترسیده رفتم و تالان تو را در زمین پنهان کردم. اینک مال تو اینجاست."^{۲۶} اربابش در جواب او گفت: "ای خادم شریر و تنبل، تو می دانستی که من در جایی که نکاشته ام درو می کنم

تالان، معادل ۳۰،۰۰۰ دینار (هر دینار مزد یک روز کار بود). خادمان از توان مالی برای اداره ثروت ارباب خود برخوردار بودند.^{۲۹}: ر.ک ۱۳:۱۲.

۲۵:۳۱-۴۶: داوری. ۳۱: پسرانسان، ر.ک ۲۷:۲۴ توضیح. ۳۲: تمام ملتها، همین عبارت در آیات پایانی انجیل متی (۱۹:۲۸) آمده است. ترجمه دیگر: «تمامی مردم جهان.» شبان... جدا می کند، حزق ۱۷:۳۴. ۳۳: دست راست، دستی که با آن برکت داده می شود. ۳۵-۳۶: گرسنه... زندان، فهرست اعمال رحمت با



توطئه بر ضد عیسی

^۱ باری چون عیسی همه این سخنان را به پایان رسانید به شاگردانش گفت: ^۲ «می دانید دو روز دیگر عید گذر فرا می رسد و پسرانسان تسلیم کرده می شود تا مصلوب گردد.» ^۳ آنگاه کاهنان اعظم و مشایخ قوم در حیاط خانه کاهن اعظم که قیافا نام داشت اجتماع نموده ^۴ با هم مشورت کردند که عیسی را به حيله دستگیر کرده بکشند. ^۵ ولی می گفتند: «نه در زمان عید، مبادا آشوبی در قوم ایجاد شود.»

تدهین در بیت عنیا

^۶ هنگامی که عیسی در بیت عنیا در خانه شمعون جذامی بود، ^۷ زنی نزد وی آمد که شیشه ای عطر گرانبها با خود داشت و چون عیسی بر سر سفره نشسته بود آن را بر سرش ریخت. ^۸ شاگردان با دیدن این برآشفته شده گفتند: «این اسراف برای چیست؟ زیرا می شد آن را به بهایی گران فروخته به فقیران داد.» ^۹ عیسی متوجه شده به ایشان گفت: «چرا این زن را می رنجانید؟ حال آن که کار

داده باشیم یا تشنه تا به تو آب داده باشیم؟ ^{۳۸} کی تو را بیگانه دیده ایم تا پناه داده باشیم یا برهنه تا تو را پوشانیده باشیم؟ ^{۳۹} کی تو را بیمار یا در زندان دیده ایم تا نزد تو آمده باشیم؟» ^{۴۰} و پادشاه در جواب ایشان خواهد گفت: «آمین به شما می گویم همین قدر که به یکی از این کوچکترین ها که برادران من هستند چنین کرده اید، به من کرده اید.» ^{۴۱} آنگاه به آنان که در دست چپ او هستند خواهد گفت: «ای ملعونان، از من دور شوید! در آتش ابدی که برای ابلیس و فرشتگان او آماده شده است. ^{۴۲} زیرا گرسنه بودم و به من خوراک ندادید؛ تشنه بودم و به من آب ندادید. ^{۴۳} بیگانه بودم و مرا پناه ندادید؛ برهنه و مرا نپوشانیدید؛ بیمار و در زندان و مرا عیادت نکردید.» ^{۴۴} آنگاه ایشان نیز در جواب خواهند گفت: «خداوندا، کی تو را گرسنه یا تشنه یا برهنه یا بیگانه یا بیمار یا در زندان دیده ایم و به تو خدمت نکرده ایم؟» ^{۴۵} پس در جواب ایشان خواهد گفت: «آمین به شما می گویم همین قدر که به یکی از این کوچکترین ها نکرده اید به من نکرده اید.» ^{۴۶} و ایشان به کیفر ابدی خواهند رفت ولی عادلان به زندگی ابدی.»

عملی غیرعادی پایان می یابد که به ملاقات زندانی رفتن است و شاید براساس اش ۱:۶۱ باشد. ^{۴۱} آتش ابدی، اخنوخ ۱۰:۱۳ به «هاویه آتش» اشاره می کند که شیران «تا به ابد» به آن انداخته خواهند شد. ^{۴۶} ر. ک دان ۱۲:۲.

۱۶-۱:۲۶: مرگ قریب الوقوع عیسی و خیانت یهودا (مر ۱:۱۴-۱۱؛ لو ۱:۲۲-۶).

۵-۱:۲۶: توطئه برای کشتن عیسی (مر ۱:۱۴-۲؛ لو ۲۲:۱-۲؛ یو ۱۱:۴۷-۴۹، ۵۳). توطئه کشتن عیسی کم کم وارد مرحله عمل می شود. ^۲ مرگ عیسی با عید فصح گره خورده، عیدی که در ارتباط با قربانی و آزادی است (خروج ۱۲:۱-۲۰). مرگ عیسی با قربانی عید فصح مقایسه شده (ر. ک یو ۱۹:۳۶ توضیح؛ قرن ۱: ۵:۷ توضیح؛ مکا: ۱۲). ^۳ کاهنان اعظم و مشایخ، معرف رؤسای مذهبی و محلی هستند اینان بوروکراتهای متوسطی بودند که می بایست به مقامات واجد شرایط مانند قیافا کاهن اعظم متوسل شوند تا حداقل موافقت ضمنی برای کشتن عیسی را بدست آورند. قیافا در سالهای ۱۸ تا ۳۶ میلادی مسئولیت کاهن اعظمی را به عهده داشت. ^۵ امکان وقوع شورش در خلال روزهای مقدس یکی از نگرانی های همیشگی مقامات اورشلیم بود.

شاگردانم برگزار کنم.»^{۱۹} و شاگردان همان کردند که استادشان دستور داده بود و فصح را آماده کردند.

معرفی خائن

^{۲۰} چون شامگاه فرارسید با دوازده شاگرد خود بر سر سفره نشست.^{۲۱} و چون غذا می‌خوردند گفت: «آمین به شما می‌گویم که از بین شما یکی مرا تسلیم خواهد کرد.»^{۲۲} و ایشان به شدت غمگین شده تک‌تک شروع کردند از او پرسند: «خداوندا، آیا من خواهم بود؟»^{۲۳} او در جواب گفت: «آن که با من دست در سینی می‌برد همان است که مرا تسلیم خواهد کرد.»^{۲۴} پسرانسان برابر آنچه درباره‌اش نوشته شده می‌رود، اما وای بر آن مردی که پسر انسان بوسیله او تسلیم می‌شود! برای او بهتر می‌بود که اصلاً زاده نمی‌شد.»^{۲۵} یهو دا که تسلیم کننده او بود در جواب گفت: «ربی، آیا من آن مرد هستم؟» به او گفت: «خود گفتی.»

شام آخر. برپایی عشای ربانی

^{۲۶} هنگامی که غذا می‌خوردند عیسی نانی را گرفت و دعای برکت خوانده آن را پاره کرد و به شاگردان داد و گفت: «بگیرید بخورید، این تن من

نیکوئی در حق من کرده است.»^{۱۱} زیرا همواره فقیران را با خود دارید؛ ولی مرا همیشه ندارید.^{۱۲} چون این زن با پاشیدن این عطر بر بدن من، درواقع به منظور تدفین من کرده است.^{۱۳} آمین به شما می‌گویم در تمام جهان، هر جا که این انجیل اعلام شود کار این زن نیز به یاد او گفته خواهد شد.»

خیانت یهو دا

^{۱۴} آنگاه یکی از آن دوازده تن که یهو دا ی اسخریوطی نام داشت نزد کاهنان اعظم رفته گفت: «به من چه می‌دهید تا او را به شما تسلیم کنم.» ایشان سی سکه نقره برایش وزن کردند.^{۱۶} و از آن پس در پی فرصتی بود تا او را تسلیم کند.

آماده کردن فصح

^{۱۷} اولین روز فطیر، شاگردان نزد عیسی آمده گفتند: «کجا می‌خواهی برایت آماده کنیم تا فصح را بخوری؟»^{۱۸} وی گفت: «به شهر نزد فلان شخص بروید و به او بگویید: استاد می‌گوید وقت من نزدیک است، می‌خواهم در خانه تو فصح را با

۲۶:۱۲-۶:۲۶: تدهین عیسی توسط زنی در بیت عنیا (مر ۱۴:۳-۹؛ یو ۱۲:۱-۸). بیت عنیا، روستائی در شرق اورشلیم. ۱۳: به یاد او، شاید اشاره ای به جایگاه مهم زنان در شکل گیری کلیسای اولیه باشد. ۲۶:۱۴-۱۶: خیانت یهو دا (مر ۱۴:۱۰-۱۱؛ لو ۲۲:۳-۶). ۱۵: سی سکه نقره، احتمالاً اشاره به بهای آزاد سازی یک نفر از تعهد مذهبی (لاو ۲۷:۸-۱) یا اشاره به کار زکریا بیانگر این است که رؤسای معبد با انداختن پول آلوده به خزانه معبد فساد خود را نشان می‌دهند (زک ۱۱:۱۲-۱۳). ۲۶:۱۷-۳۰: آماده شدن برای فصح و شام آخر (مر ۱۴:۱۲-۱۶؛ او ۲۷:۷-۳۹؛ ر. ک یو ۱۳). ۲۶:۱۷-۱۹: آماده کردن شام فصح (مر ۱۴:۱۲-۱۶؛ لو ۲۲:۷-۱۳). ۱۷: اولین روز فطیر، روز بعد از عید فصح (لاو ۲۳:۶) که در اناجیل یکی شده اند (مر ۱۴:۱۲؛ لو ۲۲:۷؛ نیز یوسفوس، باستان ۱۸:۲۹). ۲۶:۲۰-۲۵: معرفی تسلیم کننده (مر ۱۴:۱۷-۲۱؛ لو ۲۲:۱۴؛ یو ۱۳:۲۱-۳۰). ۲۴: چنان که نوشته شده است، تأکید می‌کند که مرگ عیسی بخشی از نقشه خدا است (۱ قرن ۱۵:۳). ممکن است متن مورد نظر اش ۱۲:۵۳ باشد. ۲۵: در انجیل متی تنها یهو دا عیسی را مستقیماً ربی (استاد) خطاب می‌کند. این واژه

بمیرم تو را هرگز انکار نخواهم کرد.» و همه شاگردان چنین می گفتند.

در جتسیمانی

۳۶ نگاه عیسی با شاگردانش به مکانی موسوم به جتسیمانی رسیده به آنان گفت: «در مدتی که برای دعا به آنجا می روم، در همین جا بنشینید.» ۳۷ و با خود پطرس و دو پسر زبیدی را برداشته غم و اضطراب او شروع شد. ۳۸ نگاه به ایشان گفت: «جان من تا به سرحد مرگ غمگین است، در اینجا بمانید و با من بیدار باشید.» ۳۹ و اندکی پیش رفته به روی درافتاد و دعا کرده می گفت: «ای پدر من! اگر ممکن است این جام از من بگذرد! اما نه به خواست من بلکه به اراده تو.» ۴۰ و نزد شاگردان آمده آنان را خوابیده یافت و به پطرس گفت: «پس نتوانستید حتی یک ساعت با من بیدار بمانید! ۴۱ بیدار باشید و دعا کنید تا در وسوسه نیفتید: روح مشتاق است ولی جسم ناتوان.» ۴۲ باز بار دوم رفته دعا می کرد و می گفت: «ای پدر من، اگر ممکن نیست که این جام بگذرد بدون اینکه آن را

است.» ۲۷ و جامی گرفته، شکرگزاری کرد و به ایشان داد و گفت: «همه شما از آن بنوشید، ۲۸ زیرا این خون من است، خون پیمان که برای بخشایش گناهان بسیاری ریخته می شود. ۲۹ به شما می گویم: از این پس دیگر از این محصول مو نخواهم نوشید تا روزی که آن را با شما در ملکوت پدرم تازه بنوشم.» ۳۰ و پس از خواندن سرودها به سوی کوه زیتون بیرون رفتند.

اعلام انکار پطرس

۳۱ نگاه عیسی به ایشان گفت: «امشب همه شما درباره من لغزش خواهید خورد چنان که نوشته شده است: «شبان را می زنم و گوسفندان گله پراکنده می شوند» ۳۲ ولی پس از قیام خود، پیش از شما به جلیل خواهم رفت.» ۳۳ پطرس به سخن درآمده به او گفت: «حتی اگر همه درباره تو لغزش بخورند من هرگز لغزش نخواهم خورد.» ۳۴ عیسی به او گفت: «آمین به تو می گویم همین امشب پیش از آن که خروس بانگ زند تو مرا سه بار انکار خواهی کرد.» ۳۵ پطرس به او گفت: «حتی اگر لازم است با تو

عبری که به معنی «معلم» و حاکی از احترام است، در قرن دوم اصطلاحی فنی برای مسئولین یهودی گردید. ۲۶:۲۶-۳۰: شام آخر و عیشای ربانی (مر ۱۴:۲۲-۲۵؛ لو ۲۲:۱۵-۲۰؛ ۱ قرن ۱۱: ۲۳-۲۶). ۲۸: خون پیمان، خروج ۲۴:۸. در نظر متی این پیمانی جدید نیست که با شام آخر افتتاح شود، بلکه مرگ و رستائیز عیسی تحقق روشن پیمان تاریخی و قدیمی خدا با قوم اسرائیل است. کلمه «جدید» در این متن با متن ۱ قرن ۱۱: ۲۵ هماهنگی کامل دارد. ۳۰: سرودها، تمامی یا بخشی از مزامیر هلولیاه (مز ۱۱۳-۱۱۸) که در خلال مراسم روحانی عید فصح خوانده می شد.

۲۶:۳۱-۵۶: وسوسه، خیانت و فرار (مر ۱۴:۲۷-۵۲؛ لو ۲۲:۳۹-۵۳؛ ر. ک یو ۱:۱۸-۱۲). ۲۶:۳۱-۳۵: پیشگوئی انکار پطرس (مر ۱۴:۲۶-۳۱؛ لو ۲۲:۳۳-۳۹، ۳۴؛ یو ۱۳:۳۷-۳۸). عیسی فرار و بی وفائی شاگردان را پیشگوئی می کند و زک ۱۳:۷ را به عنوان اثبات سخن خود نقل می نماید. ۳۲: این آیه اعلام قبلی ۲۸:۱۰، ۱۶-۱۷ است. ۳۴: قبل از آنکه خروس بانگ زند، یعنی قبل از طلوع خورشید. ۲۶:۳۶-۴۶: در جتسیمانی (مر ۱۴:۳۲-۴۲؛ لو ۲۲:۴۰-۴۶). ۳۶: جتسیمانی، به معنی «چرخشت روغن». از این رو به نظر می رسد که این باغ در «کوه زیتون» یا نزدیک آن بوده است. ۳۶-۴۶: زمان تردید و تقلای عیسی، قبل از محاکمه و محکومیت وی از همین جا شروع می شود. ۳۷: پطرس و دو پسر زبیدی (یعقوب و

بنوشم، آنچه اراده تو است انجام شود.»^{۴۳} و باز آمده آنان را خوابیده یافت زیرا چشمانشان سنگین شده بود.^{۴۴} و ایشان را گذاشته باز رفت و برای سومین بار دعا کرده همان سخن را گفت.^{۴۵} آنگاه نزد شاگردان آمده به ایشان گفت: «دیگر بخواهید و استراحت کنید. اینک ساعت نزدیک است و پسر انسان به دست گناهکاران تسلیم می شود.^{۴۶} برخیزید برویم. اینک آن که مرا تسلیم می کند نزدیک است.»

دستگیری عیسی

^{۴۷} هنوز سخن می گفت که اینک یهودا، یکی از دوازده شاگرد آمد و با او جماعتی بسیار با شمشیرها و چماقها از نزد کاهنان اعظم و مشایخ قوم بودند.^{۴۸} آن که او را تسلیم می کرد نشانه ای داده گفته بود: «هر که را ببوسم، همان است. او را دستگیر کنید.»^{۴۹} و همان دم نزد عیسی آمده گفت: «سلام، ربی» و او را بوسید.^{۵۰} عیسی به او گفت: «رفیق، برای همین اینجا هستی.» آنگاه پیش آمده بر عیسی دست انداخته و او را دستگیر کردند.^{۵۱} و اینک یکی از همراهان عیسی دست برده شمشیر خود را کشید و برده کاهن اعظم را زد و گوش او را برید.

^{۵۲} آنگاه عیسی به او گفت: «شمشیرت را در غلافش بگذارد زیرا هر که شمشیر برگیرد به شمشیر هلاک خواهد شد.^{۵۳} آیا گمان می کنی نمی توانم از پدرم بخواهم و او فوراً بیش از دوازده فوج از فرشتگان را حاضر سازد؟^{۵۴} پس چگونه نوشته های مقدس به تحقق رسد که بر طبق آنها می بایست اینها روی دهد؟»^{۵۵} در آن ساعت عیسی به جماعت گفت: «گویا برای گرفتن من چون راهزن با شمشیرها و چماقها بیرون آمده اید! من هر روز در معبد نشسته تعلیم می دادم و مرا دستگیر نکردید.»^{۵۶} همه اینها واقع شد تا نوشته های پیامبران تحقق یابد. آنگاه همه شاگردان او را ترک نموده فرار کردند.

عیسی در برابر سانهدرین

^{۵۷} آنانی که عیسی را دستگیر کرده بودند او را نزد قیافا، کاهن اعظم بردند، جایی که کاتبان و مشایخ جمع شده بودند.^{۵۸} پطرس تا حیاط خانه کاهن اعظم از دور به دنبال عیسی می آمد و به اندرون وارد شده با نگهبانان نشست تا عاقبت کار را ببیند.^{۵۹} کاهنان اعظم و تمام دادگاه در جستجوی شهادتی دروغ بر ضد عیسی بودند تا او را به کشتن دهند.^{۶۰} هر چند شاهدان دروغین زیادی پیش آمدند، اما

یوحنا) در سراسر انجیل، گروه سه نفری شاگردان خاص عیسی را تشکیل می دهند. ۳۸: جان من... است، ترجمه دیگر: من... هستم. بیدار بمانید، ر. ک ۴۲:۲۴؛ ۴۲:۲۵؛ ۱۳:۳۹؛ جام، ر. ک ۲۰:۲۲ توضیح. ۴۷:۴۶-۵۶: دستگیری عیسی (مر ۱۴:۴۳-۵۲؛ لو ۲۲:۴۷-۵۳؛ یو ۱۸:۲-۱۱). ۴۷: این گروه که با خود شمشیر و چماق به همراه داشتند فکر می کردند با خشونت یا مقاومت مسلحانه روبرو می شوند. ۴۸-۴۹: رؤسا و مقامات اورشلیم عیسی را آن قدر خوب نمی شناختند که خودشان او را در باغ شناسائی کنند. در مورد مثال های دیگری از بوسه حیل گرانه به داستان یعقوب (پید ۲۷:۲۷) و یوآب (۲ سمو ۲۰:۹-۱۰) رجوع کنید. ۵۱: یکی از شاگردان مسیح، شمشیری با خود داشت. همین کافی بود تا مقامات بهانه ای داشته باشند که عیسی و پیروانش مانند باغیان و شورشیان در فکر سرنگون کردن حکومت فعلی اورشلیم هستند. ۵۲: هر که شمشیر برگیرد، به شمشیر هلاک خواهد شد، شبیه ممنوعیت خون ریختن در پید ۶:۹ که بازتاب تعلیم عیسی درباره رفتار عاری از انتقام است (۵: ۳۸-۴۸). ۵۳: دوازده فوج، مقایسه کنید با خودداری عیسی از فراخواندن فرشتگان در ۴: ۶-۷. ۵۴: این وقایع در راستای نقشه خدا هستند. ۵۵: عیسی به صراحت اتهام مقامات در مورد خود و پیروانش به عنوان گروهی شورشی را رد می کند.

چیزی نیافتند. سرانجام دو نفر پیش آمده^{۶۱} گفتند: «این مرد گفته است می توانم قدس خدا را ویران سازم و در سه روز آن را دوباره بنا کنم.»^{۶۲} و کاهن اعظم برخاسته به او گفت: «جواب نمی دهی! اینها بر ضد تو چه شهادت می دهند؟»^{۶۳} عیسی خاموش ماند و کاهن اعظم به او گفت: «تو را به خدای زنده سوگند می دهم به ما بگو آیا تو مسیح، پسر خدا هستی؟»^{۶۴} عیسی به او گفت: «تو خود گفتی! همچنین به شما می گویم که بعد از این پسر انسان را خواهید دید که به دست راست قدرت نشسته و بر ابرهای آسمان می آید.»^{۶۵} آنگاه کاهن اعظم لباس خود را چاک زده گفت: «کفر گفت. دیگر چه نیازی به شاهدان داریم؟ همانا اکنون خود کفر او را شنیدید!»^{۶۶} نظر شما چیست؟ در جواب گفتند: «سزایش مرگ است.»^{۶۷} آنگاه آب دهان به صورتش انداخته او را زدند، و بعضی او را سیلی زده^{۶۸} می گفتند: «ای مسیح، برای ما پیامبری کن که چه کسی تو را زده است؟»

انکارهای پطرس

^{۶۹} پطرس بیرون، در حیاط نشسته بود و کنیزی نزد او آمده گفت: «تو هم با عیسی جلیلی بودی.»

^{۷۰} اما پطرس در برابر همه انکار کرده گفت: «نمی دانم چه می گویی.»^{۷۱} چون به طرف درگاه بیرون می رفت، کنیز دیگری او را دید و به کسانی که در آنجا بودند گفت: «این یکی با عیسی ناصری بود!»^{۷۲} و پطرس باز با سوگند انکار کرد که «من این مرد را نمی شناسم.»^{۷۳} اندکی بعد آنان که در آنجا ایستاده بودند نزدیک آمده به پطرس گفتند: «به راستی تو هم از آنان هستی، وانگهی لهجه ات معلوم می کند.»^{۷۴} آنگاه با نفرین شروع به قسم خوردن کرد که «من این مرد را نمی شناسم.» و همان دم خروسی بانگ زد.^{۷۵} و پطرس به یاد سخن عیسی افتاد که گفته بود: «پیش از آن که خروس بانگ زند سه بار مرا انکار خواهی کرد.» و بیرون آمده به تلخی گریست.



تسلیم عیسی به پیلطس

^۱ چون صبح شد، تمام کاهنان اعظم و مشایخ قوم بر ضد عیسی شورا کردند تا او را به کشتن دهند.
^۲ و او را دست بسته بردند و به پیلطس حکمران تسلیم کردند.

۲۶:۵۷-۶۸: اقدامات پی در پی برای متهم نمودن عیسی (مر ۱۴:۵۳-۵۵؛ لو ۲۲:۵۴-۵۵، ۶۳-۷۱؛ یو ۱۸:۱۸-۱۹). ۵۹: شورا، یعنی سانهدرین، دادگاه رسمی یهودیان که متشکل از هفتاد نفر از کاتبان، کاهنان و مشایخ بود و به ریاست کاهن اعظم تشکیل جلسه می داد. ۶۱-۶۴: دو اتهام برای زمینه سازی به جهت محکومیت عیسی مطرح شد: سخنان او درباره ویران کردن معبد (تعبیری اشتباه از مت ۲۴:۲) و جواب او به سؤال قیافا کاهن اعظم. ۶۴: دان ۷:۱۳؛ مز ۱۱۰:۱. ۶۶: ر. ک لاو ۲۴:۱۶. ۶۷-۶۸: در انجیل مرقس ۱۴:۵۵ به بستن چشمان عیسی اشاره شده ولی در متی نیامده است. با این وجود متی نیز ذکر می کند که عیسی را استهزا می کردند و می زدند و از او می خواستند تا نبوت کند که چه کسی او را زده است. از محتوای متن برمی آید که در این هنگام چشمان عیسی را بسته بودند هر چند به صراحت گفته نشده است. ۲۶:۶۹-۷۵: انکار عیسی توسط پطرس (مر ۱۴:۶۶-۷۲؛ لو ۲۲:۵۶-۶۲؛ یو ۱۸:۱۷، ۲۵-۲۷). ۷۵: ر. ک آیه ۳۴.

۲۷:۳۱-۱:۲۷: محاکمه عیسی (مر ۱:۱۵-۲۰؛ لو ۲۳:۱-۴، ۱۷-۲۵؛ ر. ک یو ۱۸:۱۸-۲۸؛ ۱۶:۱۶). ۲۷:۲-۱:۲۷: تسلیم عیسی به حکمران (مر ۱:۱۵-۲؛ لو ۲۲:۶۶؛ ۱:۲۳؛ یو ۱۸:۲۸). در نظام امپراتوری روم، نه تنها قیافا بلکه رهبران کم اهمیت تری مانند مشایخ قوم، کاتبان یا فریسیان از مشروعیت بسیاری برخوردار

مرگ یهودا

عیسی در برابر پیلطس

آنگاه یهودا که او را تسلیم کرده بود چون دید که عیسی را محکوم کرده اند پشیمان شده سی سکه نقره را نزد کاهنان اعظم و مشایخ قوم آورده گفت: «من گناه کردم که خون بی گناهی را تسلیم نمودم.» آنان گفتند: «به ما چه؟ خودت می دانی.»^۴ پس یهودا سکه های نقره را در معبد انداخت و رفته خود را حلق آویز کرد.^۵ کاهنان اعظم سکه های نقره را برداشته گفتند: «چون خون بها است جایز نیست آن را در خزانه گذاشت.»^۶ پس شورا کرده، با آن پول، مزرعه کوزه گر را برای قبرستان غریبه ها خریدند.^۷ بدین سبب این مزرعه تا به امروز «مزرعه خون» نامیده می شود.^۸ آنگاه آنچه ارمیای پیامبر گفته بود تحقق یافت: «سی سکه نقره را برداشتند؛ بهای آن قیمت گذاری شده که پسران اسرائیل قیمت گذاری کردند؛^۹ و آنها را برای مزرعه کوزه گر دادند، همان طور که خداوند به من فرموده بود.»

^{۱۱} عیسی در برابر حکمران ایستاد و حکمران از او پرسیده گفت: «آیا تو پادشاه یهودیان هستی؟» عیسی گفت: «تو خود می گویی.»^{۱۲} و چون کاهنان اعظم و مشایخ او را متهم می کردند هیچ جوابی نمی داد.^{۱۳} آنگاه پیلطس به او گفت: «نمی شنوی که این همه بر ضد تو شهادت می دهند؟»^{۱۴} و به او هیچ جوابی حتی یک کلمه نداد چنان که حکمران بی نهایت تعجب کرده بود.^{۱۵} در هر عید رسم حکمران بر این بود که یک زندانی را که مردم درخواست می کردند آزاد کند.^{۱۶} در آن هنگام مرد مشهوری به نام باراباس در زندان بود.^{۱۷} پس چون جمع شده بودند پیلطس به ایشان گفت: «چه کسی را می خواهید برایتان آزاد کنم، باراباس یا عیسی معروف به مسیح را؟»^{۱۸} این را گفت چونکه می دانست او را از روی حسادت تسلیم کرده اند.^{۱۹} چون بر مسند داوری نشسته بود زنش فرستاد به او بگویند: «تو با این مرد عادل هیچ کاری نداشته باش زیرا امروز رویائی درباره او دیدم که مرا بسیار رنج داد.»^{۲۰} ولی کاهنان اعظم و مشایخ، جماعت را

بودند. آنان می بایست در نهایت به حکمران رومی منطقه یعنی فرماندار مراجعه می کردند.^۲ پنتیس پیلطس حکمران رومی استان یهودیه در سالهای ۲۶ تا ۳۷ میلادی بود. مقر او در شهر قیصریه ماریتیم واقع در ساحل مدیترانه بود. احتمالاً پیلطس در آن زمان به مناسبت عید فصح در اورشلیم بسر می برد تا کنترل امور را در دست داشته باشد. در عین حال برخی اقدامات پیلطس موجب نارضایتی مردم و هرج و مرج می شد (یوسفوس، جنگها ۲: ۱۶۹، ۱۷۷؛ باستان ۱۸: ۵۵، ۸۹).

۳:۲۷-۱۰: مرگ یهودا این روایت از مرگ یهودا تنها در انجیل متی آمده است. در اع ۱۸: ۲۰-۱۱: ۲۷ مشابه دیگری از این اتفاق ذکر شده است. ^۴: کسی که به خاطر پول به شخص بی گناهی خیانت ورزد ملعون بشمار می رود (تث ۲۷: ۲۵). ۹-۱۰: این نقل قول، برداشتی آزاد از زک ۱۲: ۱۱-۱۳ است، هر چند این آیات می توانند طبق تفسیر میدراش بر ارا ۱۸-۱۹ نیز باشند.

۱۱: ۲۶-۲۷: عیسی در دادگاه پیلطس (مر ۱۵: ۲-۱۵؛ لو ۲۳: ۲-۵، ۱۳-۲۵؛ یو ۱۸: ۲۸-۱۹: ۱۶). ۱۱-۱۴: سؤال حکمران از عیسی با سؤال قیافا تفاوت دارد. سؤال قیافا درباره معبد و ادعاهای مسیحائی بود، اما سؤال پیلطس کاملاً جنبه سیاسی داشت: آیا تو متهم به شورش علیه امپراتوری هستی؟^{۱۵} این رسم در بسیاری از نقاط امپراتوری اجرا نمی شد. ۱۶: نام کامل وی عیسی باراباس بوده که به خاطر اشتباه نگرفتن او

جمع شدند.^{۲۸} پس از اینکه لباس او را کردند روپوشی قرمز رنگ بر او انداختند^{۲۹} و تاجی از خار بافته بر سرش گذاشتند، و نیز شاخه ای نی در دست راست او نهادند و در برابر او زانو زده او را مسخره کرده می گفتند: «درود، ای پادشاه یهودیان!»^{۳۰} و بر او آب دهان انداخته، نی را گرفته با آن بر سرش می زدند.^{۳۱} و بعد از آنکه او را مسخره کردند روپوش را از او برگرفته دوباره لباسهایش را به او پوشانیدند. و او را بیرون بردند تا مصلوب کنند.

مصلوب شدن عیسی

^{۳۲} چون بیرون می رفتند مردی قیروانی به نام شمعون را یافته او را مجبور کردند تا صلیب عیسی را بردارد.^{۳۳} و چون به محلی به نام «جلجتا» یعنی محل جمجمه رسیدند،^{۳۴} به او شرابی آمیخته به زرداب دادند تا بنوشد و آن را چشید اما نخواست بنوشد.^{۳۵} پس از اینکه او را به صلیب کشیدند، قرعه انداخته لباسهای او را تقسیم کردند.^{۳۶} و در آنجا به نگهبانی او نشستند.^{۳۷} و تقصیرنامه او را بالاس سرش قرار دادند که چنین نوشته بود: این

تحریک کردند تا آزادی باراباس و مرگ عیسی را بخواهند.^{۲۱} حکمران به سخن درآمده به ایشان گفت: «از این دو کدام را می خواهید برایتان آزاد کنم؟» گفتند: «باراباس.»^{۲۲} پیلطس به ایشان گفت: «پس با عیسی معروف به مسیح چه بکنم؟» همگی گفتند: «مصلوب شود!»^{۲۳} حکمران پرسید: «او چه بدی کرده است؟» و ایشان بلندتر فریاد زده می گفتند: «مصلوب شود!»^{۲۴} پیلطس چون دید هیچ فایده ای ندارد و بیشتر موجب هیاهو می شود آب خواست و در برابر مردم دست های خود را شسته گفت: «من از این خون بی گناه هستم، خودتان ببینید.»^{۲۵} و تمام قوم پاسخ داده گفتند: «خون او بر ما و بر فرزندان ما باد!»^{۲۶} آنگاه باراباس را برایشان آزاد کرد و در مورد عیسی، پس از اینکه دستور داد او را تازیانه زنند وی را تسلیم کرد تا مصلوب شود.

تمسخر عیسی به عنوان پادشاه یهودیان

^{۲۷} آنگاه سربازان حکمران، عیسی را با خود به داخل دیوانخانه برده، تمام دسته سربازان نزد او

با عیسی مسیح یا به دلیل تقدس نام عیسی، به این صورت درآمده و عیسی حذف شده است.^{۱۹} زن پیلطس، مانند یوسف (پید۱: ۱۹-۲۳) حقیقت را از طریق رؤیا درمی یابد.^{۲۵} با گذشت زمان اعمال و رفتارهای خشونت آمیز یهودیان به اوج می رسد. گناه کشتن مسیح خداوند در ۲ سمو: ۱۶ تصریح شده، جایی که به مرگ شاول پادشاه، مسیح خداوند اشاره می کند، ر. ک ۱ پاد۲: ۲۳؛ ار ۱۵: ۲۶. و بر فرزندان ما، منظور تمام نسل های یهودیان نیست، بلکه نسل بعد از مرگ عیسی که سزای عمل پدرانشان را در واقعه ویرانی اورشلیم به سال ۷۰ م دیدند.^{۲۶} تازیانه زدن با شلاق چند رشته ای، محکوم را قبل از اعدام بسیار ضعیف می کرد.

۲۷: ۲۷-۳۱: استهزا کردن عیسی (مر ۱۵: ۱۶-۲۰؛ لو ۲۳: ۱۱؛ یو ۱۹: ۲-۳). جماعت مردم و سربازان عیسی را به عنوان پادشاه مسخره می کنند.^{۳۱} مصلوب کردن روش مرسوم رومیان برای مجازات شهروندان غیر رومی بود. این مجازات بسیار سخت و تحقیرآمیز محسوب می شد، چرا که دردناک و طولانی بود و تمام مراحل آن در انتظار عموم روی می داد.

۲۷: ۳۲-۴۴: واقعه صلیب (مر ۱۵: ۲۱-۳۲؛ لو ۲۳: ۲۶-۴۳؛ یو ۱۹: ۱۶-۲۴). ۳۲: قیروان، مرکز ناحیه ای در شمال آفریقا در ساحل جنوبی دریای مدیترانه و غرب مصر که در آنجا جامعه بزرگی از یهودیان ساکن بودند.^{۳۳} جلجتا... جمجمه، این نام یا به خاطر شکل جمجمه مانند این تپه یا به دلیل اینکه محل دفن

است عیسی پادشاه یهودیان.^{۳۸} با او دو راهزن نیز مصلوب شدند، یکی به دست راست و یکی به دست چپ او.^{۳۹} رهگذران بر ضد او کفر گفته با تکان دادن سر خود^{۴۰} می گفتند: «تو که معبد را ویران و در سه روزه دوباره بنا می کنی، خود را نجات بده، اگر پسر خدایی از صلیب پایین بیا.»^{۴۱} همچنین کاهنان اعظم با کاتبان و مشایخ نیز او را ناسزا می گفتند:^{۴۲} «دیگران را نجات داد؛ نمی تواند خودش را نجات دهد! این هم پادشاه اسرائیل! اگر هم اکنون از صلیب پایین بیاید به او ایمان خواهیم آورد.»^{۴۳} خود را به خدا سپرده، اگر خدا به او علاقمند است او را نجات دهد؛ زیرا می گفت: "من پسر خدا هستم."^{۴۴} همچنین راهزنانی که با او مصلوب شده بودند او را ناسزا می گفتند.

را صدا می کند.»^{۴۵} و همان دم یکی از ایشان دویده اسفنجی برداشت و آن را به سرکه آغشته کرده بر سر یک نی گذاشت و به او نوشانید.^{۴۶} ولی بعضی دیگر می گفتند: «بینیم آیا الیاس می آید که او را نجات دهد.»^{۴۷} عیسی باز به صدای بلند فریاد برآورد و روح را تسلیم کرد.^{۴۸} و اینک پرده قدس از بالا تا پایین دو پاره شد و زمین متزلزل گردید و صخره ها شکافته شدند.^{۴۹} و قبرها باز شدند و اجساد بسیاری از مقدسین که خوابیده بودند قیام کردند^{۵۰} و پس از قیام او، از قبرها خارج شده به شهر مقدس وارد شدند و به تعداد زیادی از مردمان ظاهر گردیدند.^{۵۱} سنتوریون و سربازانی که با او عیسی را نگهبانی می کردند با دیدن زمین لرزه و آنچه روی داده بود، بسیار ترسیده گفتند: «به راستی، این پسر خدا بود.»

مرگ عیسی

^{۴۵} از ساعت ششم تا ساعت نهم سرتاسر زمین را تاریکی فراگرفت.^{۴۶} در حدود ساعت نهم عیسی با صدای بلند فریاد برآورده گفت: «ایلی، ایلی، لما سبقتنی» یعنی «خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کرده ای؟»^{۴۷} بعضی از کسانی که در آنجا ایستاده بودند با شنیدن این گفتند: «اینک الیاس

تدفین عیسی

^{۴۸} در آنجا زنان بسیاری بودند که از دور نگاه می کردند، همان زنانی که از جلیل به دنبال عیسی آمده بودند تا او را خدمت کنند.^{۴۹} از جمله مریم مجدلیه و مریم مادر یعقوب و یوسف و مادر پسران زبدي.^{۵۰} چون شب فرا رسید، مرد ثروتمندی از اهالی رامة به نام یوسف که او هم شاگرد عیسی شده

مردگان بود و ناپاک محسوب می شد.^{۳۴} زرداب، ماده ای تلخ. نخواست بنوشد، شراب درد را تسکین می دهد اما عیسی می خواست تمامی درد و رنج مرگ را تحمل نماید.^{۳۷} تقصیرنامه با عنوان «پادشاه یهودیان» بیانگر همان اتهامی است که عیسی به خاطر آن محکوم شد: خیانت یا شورش علیه قوانین روم.^{۳۸} بین دو راهزن مصلوب شد، واژه ای که راهزن ترجمه شده دو معنی دارد: دزد یا شورشی.^{۳۹} ۴۵-۴۴:۵۴: مرگ عیسی (مر ۳۳:۱۵-۳۹؛ لو ۲۳:۴۴-۴۸؛ یو ۱۹:۲۸-۳۰).^{۴۶} نقل قولی از مز ۲۲:۱ که در انجیل به زبان آرامی آمده است.^{۵۱} پاره شدن پرده معبد، پرده بسیار بزرگی که در جلوی قدس الاقداس، درونی ترین مکان معبد آویزان شده بود (ر.ک خروج ۲۶:۳۱-۳۳).^{۵۴} اعتراف سنتوریون که به دنبال وقوع زمین لرزه بعد از مرگ عیسی صورت گرفت، نشان می دهد که غیریهودیان به عیسی ایمان خواهند آورد.



عیسی دیگر در قبر نیست

^۱ پس از سبت، در سپیده دم اولین روز هفته، مریم مجدلیه و مریم دیگر به دیدن مقبره رفتند. ^۲ و اینک زمین لرزه عظیمی روی داد زیرا فرشته خداوند از آسمان نازل شده پیش آمد، سنگ را غلطانیده بر آن نشست. ^۳ منظر او مانند آذرخش و لباسش همچون برف سفید بود. ^۴ نگهبانان در برابر او ترسان شده بر خود لرزیدند و چون مردگان شدند. ^۵ فرشته به سخن درآمده به زنان گفت: «ترسان نباشید؛ می دانم که عیسی مصلوب را می جویید. ^۶ او در اینجا نیست زیرا همان گونه که گفته بود، قیام کرده است؛ بیایید جایی که او را گذاشته بودند ببینید. ^۷ و فوراً بروید و به شاگردانش بگویید که از مردگان قیام کرده است؛ و اینک پیش از شما به جلیل می رود و در آنجا او را خواهید دید. اینک به شما گفتم!» ^۸ و آنان، شتابان از قبر رفته با ترس و شادی بزرگ دویدند تا آن را به شاگردانش مژده دهند. ^۹ و اینک عیسی به آن زنان برخورد گفت: «شادمان باشید!» زنان نزدیک رفته پاهای او را گرفتند و در برابرش زانو زدند. ^{۱۰} آنگاه عیسی به آنان گفت: «مترسید،

بود آمده ^{۵۸} نزد پیلاتس رفت و جسد عیسی را طلبید. پس پیلاتس دستور داد آن را بدهند. ^{۵۹} و یوسف جسد را برداشته آن را در کفنی پاک پیچید؛ ^{۶۰} و آن را در قبری نو که در صخره کنده بود نهاد؛ و سنگ بزرگی به درِ قبر غلطانیده رفت. ^{۶۱} در آنجا مریم مجدلیه و مریم دیگر در مقابل قبر نشستند بودند.

نگهبانی مقبره

^{۶۲} فردای آن روز که روز بعد از تدارک عید بود، کاهنان اعظم و فریسیان نزد پیلاتس جمع شده گفتند: ^{۶۳} «سرور ما، به یادمان آمد که این گمراه کننده وقتی هنوز زنده بود می گفت: بعد از سه روز قیام می کنم. ^{۶۴} پس دستور بده که مقبره را تا روز سوم به دقت نگهبانی کنند مبادا شاگردانش بروند و او را بدزدند و به قوم بگویند از میان مردگان قیام کرده است؛ این گمراهی آخر بدتر از گمراهی اول خواهد بود.» ^{۶۵} پیلاتس در جواب ایشان گفت: «خودتان نگهبان دارید، بروید و هر طور می خواهید بکنید تا خاطر جمع شوید.» ^{۶۶} پس آنان رفتند و سنگ را مهر و موم کرده، نگهبان گذاشتند و از نگهبانی مقبره خاطر جمع شدند.

۲۷:۵۵-۶۶: تدفین عیسی (مر ۱۵:۴۰-۴۷؛ لو ۲۳:۴۹-۵۶؛ یو ۱۹:۲۵، ۳۸-۴۲). ۵۵: زنانی که از جلیل به دنبال عیسی آمده بودند هر یک به نحوی به عیسی خدمت می کردند. ۵۷: یوسف رامه ای، در هر چهار انجیل به عنوان کسی که بدن عیسی را برداشت و آن را برای تدفین آماده نمود نام برده شده است. این کار نشان می دهد که او یهودی متدینی بوده است (ر. ک طو ۱۶:۲۰؛ یوسفوس، جنگها ۴:۳۱۷). ۲۷:۶۲-۶۶: نگهبانی قبر عیسی. این روایت تنها در انجیل متی ذکر شده و نشان می دهد که این بحث از همان ابتدا در میان یهودیان شروع شده و بدفهمی شان تا به امروز ادامه دارد (ر. ک یو ۲:۲۰). ۲۸:۱-۲۰: قبر خالی، ظهورهای مسیح و مأموریت شاگردان (مر ۱۶:۱-۸؛ لو ۲۴:۱-۱۱؛ یو ۲۰:۱، ۱۱-۱۸). ۸-۱: متی همانند مر ۱۶:۱-۸ از زنان به عنوان تنها شاهدان قبر خالی عیسی نام می برد (ر. ک لو ۲۴:۱-۱۱؛ یو ۲۰:۳-۱۰). این روایت شباهت زیادی به الگوی ظهور فرشتگان دارد (ر. ک دان ۱۰:۲-۱۴). ۱: مریم مجدلیه و مریم دیگر، در انجیل مرقس از سالومه نیز نام برده شده و ظاهراً زنان می خواستند

عیسی قیام کرده شاگردانش را به مأموریت می فرستد

^{۱۶} اما یازده شاگرد، به جلیل بر کوهی که عیسی برای ایشان تعیین کرده بود رفتند. ^{۱۷} و او را دیده سجده نمودند ولی بعضی شک کردند. ^{۱۸} و عیسی پیش آمده این سخنان را به ایشان گفت: «تمام قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است. ^{۱۹} پس رفته همه ملت ها را شاگرد سازید و آنان را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید. ^{۲۰} به ایشان تعلیم دهید که هر آنچه به شما دستور داده ام رعایت کنند. و اینک من همواره تا پایان جهان با شما هستم.»

بروید به برادران من مژده دهید که به جلیل بروند و در آنجا مرا خواهند دید.» ^{۱۱} چون می رفتند اینک بعضی از نگهبانان به شهر آمده تمام آنچه را که روی داده بود به کاهنان اعظم خبر دادند. ^{۱۲} اینان با مشایخ جمع شده مشورت کردند و نقره بسیار به سربازان دادند ^{۱۳} تا بگویند: «شب هنگام شاگردانش آمده وقتی ما خواب بودیم او را ربودند. ^{۱۴} و اگر حکمران این را بشنود ما او را قانع خواهیم کرد و برای شما جای نگرانی نخواهد بود.» ^{۱۵} آنان نقره را گرفتند و همان طور که به ایشان تعلیم داده شده بود رفتار کردند و این سخن تا به امروز در بین یهودیان شایع است.

جسد عیسی را تدهین کنند. این واقعه تنها در انجیل متی روایت شده است. ۳: ر. ک ۱۷: ۲. ۱۰: به شاگردان گفته می شود که در جلیل جمع شوند که موطن و نقطه آغاز فعالیت آنان بود. بنابراین بازگشت آنان، نه فرار از اورشلیم بلکه بخشی از نقشه خدا بود. ۱۱-۱۵: تنها متی به جزئیات رشوه گرفتن نگهبانان اشاره می کند و در عین حال می خواهد شایعات خصمانه در خصوص مرگ و رستاخیز عیسی را بی اعتبار سازد. این داستان تا امروز، ر. ک ۶۶: ۲۷ توضیح.

۲۸: ۱۶-۲۰: مأموریت بزرگ شاگردان عیسی. ۱۶: کوهی، شاید همان کوه مذکور در ۱۷: ۱. ۱۸-۲۰: این مأموریت که غالباً با نام «مأموریت بزرگ» عنوان می شود، بیان خلاصه ای از رسالت آینده شاگردان مسیح است. ۱۹: تمام ملت ها، هم یهودیان و هم غیریهودیان. ۲۰: واژه تعلیم به رؤس تعالیم عیسی در انجیل اشاره